

بازرگانی و اقتصاد



سال دوم | شماره‌ی ۹ | بهار ۱۳۹۴

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی، آموزش و انتشارات

صاحب امتیاز:
اتاق بازرگانی، صنایع،
معادن و کشاورزی کرمان

فهرست |

مدیر مسئول:
محسن جلال پور

همدلی و هم‌زبانی دولت و بخش خصوصی |

| ۰۲ |

سر دبیر و ناظر:
مسعود رشیدی نژاد

اقتصاد رقابتی محور برنامه ششم توسعه |

| ۰۳ |

مقالات

ویراستار:
علی قاضی زاده احسانی

اتاق بازرگانی در دوره‌ی هشتم |

| ۰۵ |

مدیر داخلی:
فرزانه زاهدی

ارائه چارچوب جامع ارزیابی سازمان با استفاده از مدل سیستم‌های باز |

| ۱۳ |

طراحی و صفحه آرایی:
فروغ زاینده رودی
اعظم عرب نژاد

بهبود محیط کسب و کار در حوزه تجارت فرامرزی |

| ۲۱ |

اجرای سند راهبردی گمرک برای تسهیل و توسعه‌ی تجارت |

| ۳۳ |

نشانی: کرمان، میدان آزادی،
ابتدای بلوار جمهوری اسلامی

شرکت‌های دانش بنیان |

| ۳۹ |

صندوق پستی: ۴۷۱-۷۶۱۷۵

استفاده از انرژی‌های تجدید پذیر در آب‌شیرین‌کن‌ها و بررسی اقتصادی آن‌ها در راستای توسعه پایدار |

| ۴۵ |

کد پستی: ۷۶۱۹۶۵۳۴۹۸

تلفن: ۰۳۴ ۳۲۴۴۲۴۶۷

نمابر: ۰۳۴ ۳۲۴۳۸۳۷۰

ضرورت اجرای اصلاحات ساختاری در اقتصاد ایران |

| ۵۵ |

سایت اتاق کرمان:

www.otagh-bazargani.com

سخن مدیر مسئول

همدلی و هم‌زبانی دولت و بخش خصوصی

○ محسن جلال پور

رییس اتاق ایران و رییس اتاق کرمان

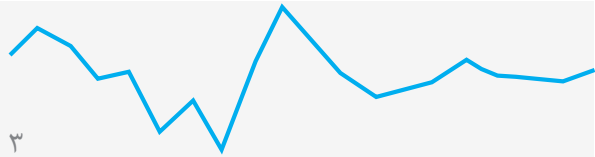
دور جدید فعالیت پارلمان بخش خصوصی نسبت به دوران گذشته‌ی خود تفاوت بسیار دارد که بخشی از آن ناشی از وضعیت اقتصادی کشور و بخش دیگر آن مربوط به نگرش جدیدی است که در اتاق‌های کشور و به نمایندگی آنها در اتاق ایران اتفاق افتاده است. ایجاد پدیده‌ی رکود تورمی در کشور که پس از تحریم‌های هدفمند به وجود آمده است، راه چاره‌ای برای دولت، غیر از توجه ویژه به بخش خصوصی و ایجاد بستری برای فعالیت آن، باقی نگذاشته است، از طرف دیگر در ترکیب جدید و اخیر هیأت ریسه‌ی اتاق ایران، به عنوان پارلمان بخش خصوصی، نمایندگانی از دولت (مثل دوره‌های سابق) حضور ندارند که می‌تواند بدین معنا باشد بخش خصوصی نه تنها به بلوغ فکری و ساختاری برای مدیریت خود دست یافته است بلکه خواسته‌ی این بخش برای مشارکت در تدوین برنامه‌ی ششم توسعه نیز می‌تواند بیانگر ظهور روحیه‌ی مطالبه‌گری در این بخش باشد.

بخش خصوصی امروز کشور، دیگر دست خویش را برای جلب حمایت دولت دراز نخواهد کرد بلکه به دنبال تقویت روحیه‌ی رقابت پذیری و ایجاد چنین شرایطی در بین فعالین اقتصادی است تا بتواند مقدمات حضور این بخش در بازارهای بین‌المللی را مهیا سازد. در واقع دولت باید از تجارب کشورهای توسعه یافته درس بگیرد و بخش خصوصی را محور توسعه قرار دهد. نقش بخش خصوصی در هدایت کشور به سمت توسعه‌ی اقتصادی انکارناپذیر است، منتهی برای ایفای این نقش لازم است بسترسازی مناسب انجام گیرد یعنی قانون بهبود محیط کسب و کار که تاکنون مورد بی‌مهری قرار گرفته به اجرا گذاشته شود و اتاق‌های بازرگانی، همچنان وظیفه‌ی پایش آن را به عهده داشته باشند. ناگفته نماند که در سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه که اخیراً از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شده است مجدداً در ماده ۲ امور اقتصادی به این موضوع تاکید شده است.

اصلاح نهادهای مالی و سیستم‌های بانکی نیز از دیگر مواردی است که تاکنون سربازان اقتصادی را بسیار رنجانده است. در واقع به نظر می‌رسد که نهادهای مالی به خصوص بانک‌ها و وظیفه‌ای برای خود در توسعه‌ی کشور تعریف نکرده‌اند و تنها سود اقتصادی از سوی آنان ملاک عمل قرار گرفته است. در چنین فضایی هیچ‌گاه نمی‌توان انتظار دستیابی به توسعه را داشت.

برای تحقق توسعه‌ی اقتصادی لازم است بین آحاد جامعه یک همگرایی و همدلی حول محورهای تولید، صادرات، مصرف و امثالهم به وجود آید. دولت دست از تصدیگری بردارد، مجلس شورای اسلامی به تصویب قوانین کارشناسی شده و رفع قوانین مخل و مزاحم روی آورد، قوه‌ی قضاییه در پیگیری مفاسد اداری و اقتصادی با جدیت و قاطعانه برخورد نماید، رسانه‌های جمعی به اصلاح نگرش‌ها به خصوص در زمینه‌ی تکریم کارآفرینان و سرمایه‌گذاران واقعی روی آورند، آموزش پرورش و دانشگاه در تعلیم و تربیت انسان توسعه‌یافته پیشگام شود و فعالین بخش خصوصی نیز فعالیت خود را در جهت کسب سود اقتصادی و رعایت مسئولیت اجتماعی قرار دهند.

امید است دوره‌ی هشتم هیأت‌نمایندگان اتاق در سراسر کشور، نقطه‌ی عطفی برای قرارگیری امور بخش خصوصی در ریل منطقی و مناسب اقتصادی باشد و برگ زرینی را برای اتاق‌ها رقم بزند.



سخن سردبیر

اقتصاد رقابتی محور برنامه ششم توسعه

○ مسعود رشیدی نژاد

مدیر مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی و دبیر کل اتاق کرمان

در احکام کلی برنامه ششم توسعه اقتصادی که اخیراً از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ گردید بر موضوع دستیابی به رشد اقتصادی ۸ درصد در یک محیط رقابتی تأکید شده است. قاعدتاً یکی از مسیرهای دستیابی به رشد اقتصادی ۸ درصد، تقویت و توسعه صادرات می‌باشد. هم‌چنین در دهمین بند از سیاست‌های ۲۴ گانه اقتصاد مقاومتی به صراحت به موضوع حمایت همه جانبه و هدفمند از صادرات کالاها و خدمات از طریق تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم، گسترش خدمات تجارت خارجی، ترانزیت و زیرساخت‌ها، تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، برنامه‌ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای جدید، تنوع بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به ویژه با کشورهای منطقه و ایجاد ثبات روبه و مقررات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف صادراتی اشاره شده است. اما قاعدتاً بدون دستیابی به فضایی رقابتی چنین مهمی میسر نمی‌گردد. از این حیث در بسیاری از مفاد احکام کلی برنامه ششم به موضوع تقویت ساختار رقابتی اشاره شده است.

علم و تجربه بشری ثابت کرده است که یکی از مهم‌ترین کلیدهای توسعه اقتصادی ایجاد یک نظام اقتصادی رقابتی است. تنها در یک اقتصاد رقابتی تصمیمات اقتصادی، تخصیص منابع، بازده و کارایی عوامل تولید، مخصوصاً عامل کار، میزان استفاده از سرمایه و تکنولوژی می‌تواند بهترین و مناسب‌ترین باشد. مکانیزم قیمت‌ها و بازار، یعنی رقابت در بازار و تعیین قیمت در بازار، نیروی محرکه کل نظام اقتصاد آزاد رقابتی است. رشد اقتصادی در نظام اقتصادی غیر رقابتی مانند هر نظام اقتصادی بسته علیرغم موفقیت‌های کوتاه مدت بالاخره به کندی می‌گراید و سقوط می‌کند. همکاری‌ها و توافق‌های نظام‌های اقتصادی رقابتی و امتیازات داده شده آنها به یکدیگر هر نظام اقتصادی غیر رقابتی را به اقتصاد بسته و محکوم به شکست تبدیل می‌کند. نظام اقتصاد آزاد رقابتی، دنیا را به شکل یک بازار وسیع می‌بیند، چون قوه محرکه و نیاز انسان‌ها را با همه تنوع و تکرار از یک ریشه می‌شناسد. وظیفه هر عنصر اقتصادی در هر حوزه و در هر کشور پاسخگویی به این نیازها بر پایه آرایه کالا و خدمت به بهترین قیمت و کیفیت است. وظیفه دولت‌ها در نظام اقتصاد رقابتی فراهم کردن محیط رقابت سالم در همه زمینه‌ها، بستر سازی برای رقابت و به عهده گرفتن وظایف و مسئولیت‌هایی است که مردم توسط نمایندگان خود به عهده دولت می‌گذارند و با پرداخت مالیات هزینه آن را می‌پردازد. وظیفه دولت مردم سالار در اقتصاد مردم سالار عینیت بخشیدن به خواسته‌ها و نیازهای مردم در کلیه زمینه‌ها است.

نقش پارلمان بخش خصوصی نیز در این بین می‌تواند مهم باشد. در واقع پارلمان بخش خصوصی برای تقویت ساختار رقابتی بنگاه‌های داخلی و فراهم سازی شرایط حضور در بازارهای جهانی می‌تواند نسبت به تشکیل، راه‌اندازی و تقویت تشکل‌های اقتصادی حول محور توسعه صادرات اقدام نماید تا ضمن ایجاد رقابت در بازار داخلی، موجبات کاهش قیمت تمام شده، افزایش کیفیت و افزایش رشد اقتصادی را فراهم نماید. این تشکل‌ها می‌توانند در احقاق حقوق و مطالبات بخش خصوصی بسیار مقتدرانه عمل نمایند و در هدایت بخش خصوصی و تحقق توسعه اقتصادی از کانال توسعه صادرات نقش حیاتی داشته باشند.

این اتفاق مستلزم شناسایی زمینه‌های بالقوه ایجاد تشکل‌های اقتصادی در جامعه، تشکیل و راه‌اندازی آنها، تدوین برنامه‌ی راهبردی برای انجام حمایت‌های هدفمند از آنها و نهایتاً رصد و هدایت عملکرد آنها توسط پارلمان بخش خصوصی می‌باشد که نقش مغز متفکر این بخش را نیز بازی می‌کند. از این حیث فعالیت و عملکرد دوره‌ی هشتم هیات نمایندگان اتاق‌های بازرگانی می‌تواند بسیار مهم باشد و حتی نقطه‌ی عطفی برای هدایت موثر و مناسب بخش خصوصی به سمت یک هدف مشترک به جهت جمع‌کردن قدرت بخش خصوصی در یک کانون مشخص می‌باشد.

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان ضمن آشنایی با فضای موجود سعی دارد با ارائه‌ی برنامه‌ای ۴ ساله و مدون در بستر سازی چنین مسیری تمام تلاش خود را انجام دهد تا از فرصت پیش رو بهره‌ی وافی ببرد، که این نیز مستلزم ایجاد همدلی و هم‌زبانی بین فعالین اقتصادی بخش خصوصی و مجموعه‌ی دولتی استان می‌باشد تا با دست در دست یکدیگر نهادن بتوان گامی مثبت و موثر در جهت توسعه اقتصادی استان کرمان برداشت.



○ محمدرضا دهقان پور

کارشناس ارشد اقتصاد، کارشناس مرکز تحقیقات و بررسی های اقتصادی اتاق کرمان

اتاق بازرگانی در دوره ی هشتم

چکیده

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان چندی پیش هشتمین دوره ی فعالیت خود را آغاز نمود. بدین منظور در این نوشتار به موضوعات استفاده از ظرفیت های قانونی، ایجاد بانک اطلاعات و آمار مهندسی شده، ایجاد نگرش های کاربردی در مدیریت بخش خصوصی و توسعه هدفمند تشکل های اقتصادی پرداخته می شود. در باب توسعه تشکل ها نیز به وظایف اتاق بازرگانی و تشکل های اقتصادی نیز پرداخته می شود.

کلمات کلیدی: اتاق بازرگانی، تشکل های اقتصادی، بخش خصوصی، ظرفیت قانونی

مقدمه

و معدنی و مانند آن به قوای سه‌گانه‌ی مقننه، مجریه و قضاییه» بپردازند. طبیعتاً برای تحقق چنین امری، اتاق‌ها باید با تقویت بدنه‌ی کارشناسی خود و جذب افراد مجرب و متخصص به یک لایه بالاتر در سطح تصمیم‌گیری ورود کنند و در ردیف تصمیم‌گیران کلان به‌عنوان بازوی کارشناسی و فکری قرار گیرند. این اتفاق مستلزم عزم جدی، تصمیمات کلیدی و برنامه‌ریزی هدفمند می‌باشد.

البته اتاق کرمان تا حد بسیار خوبی تاکنون به این عرصه ورود کرده است اما شاید شاهبیت این داستان را بشود در این دوره رقم زد، چراکه از یک‌طرف شرایط اقتصادی جامعه این را می‌طلبد و از طرف دیگر، دولتی روی کار آمده است که حداقل، معتقد به همفکری با پارلمان بخش خصوصی می‌باشد.

یا در بند (د) این قانون به «ارتباط با اتاق سایر کشورها و تشکیل اتاق‌های مشترک و کمیته‌های مشترک با آن‌ها بر اساس سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران» اشاره شده است. حصول چنین امری در اتاق‌ها با تعریف میز کشورها قابل دستیابی است که تاکنون هم‌چنین بوده است، اما مطمئناً با گفت‌وگوهای جدیدی که دولت تدبیر و امید در سطح بین‌المللی راه انداخته است می‌توان نسبت به گسترش روابط با دیگر کشورهای جهان امیدوار بود و بایستی بستر لازم برای استفاده از چنین ظرفیتی را مهیا ساخت. در این بین با توجه به پتانسیل‌های خدادادی که در این استان وجود دارد، اتاق کرمان باید در این مسیر پیشرو و پیشگام باشد، مانع خام فروشی شود، حلقه‌های زنجیره ارزش آفرینی را شناسایی کند و در جهت بهره‌برداری مناسب از آن‌ها مشاوره بدهد. زمینه‌ی رشد سهم بازار در فضای بین‌المللی را مهیا سازد و هکذا.

یکی دیگر از مواردی که به نظر می‌رسد در استان کرمان کمتر مورد توجه قرار گرفته است، استفاده از ظرفیت‌های نمایشگاه‌های بین‌المللی است. در بند (و) این قانون به «کوشش در راه شناسایی بازار کالاهای صادراتی ایران در خارج از کشور و تشویق و کمک به مؤسسات مربوطه جهت شرکت در نمایشگاه‌های بازرگانی داخلی و خارجی» اشاره کرده است؛ اما به نظر می‌رسد که این امر، هدفمند انجام نمی‌شود و حضور در این نمایشگاه‌ها عمدتاً به جهت شناسایی فرصت‌ها و گسترش مراودات تجاری نیست، یا اگر هم هست، منافع شخصی بر منافع جمعی مقدم شمرده می‌شود.

پیشنهاد مشخص این است که اتاق کرمان در دوره‌ی پیش رو

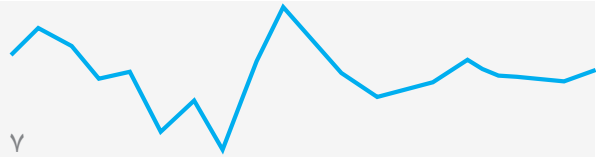
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان به‌عنوان پارلمان بخش خصوصی با پشت سر گذاشتن پروسه انتخابات هشتمین دوره‌ی هیات نمایندگان خود، درصدد تورق برگ تازه‌ای از دفتر فعالیت خود می‌باشد؛ بنابراین از این فرصت استفاده کرده و به طرح‌نکاتی در خصوص رویکرد دوره‌ی حاضر آن می‌پردازیم، چراکه به نظر می‌رسد در شرایط فعلی، اتاق بازرگانی، نه تنها برای یک تحول بزرگ بلکه خود را برای یک پوست‌اندازی جدی از حیث برنامه‌ی کاری باید مهیا سازد که این هم به دلیل شرایطی است که نصیب اقتصاد کشور و استان کرمان شده است؛ بنابراین پارلمان بخش خصوصی این توان را به دلیل کارنامه‌ی موفق خویش پیدا کرده است که با یک برنامه‌ریزی دقیق و جهت‌گیری مناسب، ضمن تثبیت جایگاه خود در مقام تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، بر اقتصاد استان تأثیر مناسب و پایدار بگذارد. برخی پیشنهادهایی که می‌توان داد به شرح زیر می‌باشد:

استفاده از ظرفیت‌های قانونی

شرایط رکود-تورمی حال حاضر، اقتصاد کشور را در وضعیتی قرار داده که راه را بر سیاست‌های انبساطی و انقباضی دولت و بانک مرکزی بسته است.

چراکه بر اساس ادبیات اقتصادی هر نوع تزریق پول بر دامنه‌ی تورم و هرگونه نشت آن بر گستره و عمق رکود می‌افزاید؛ بنابراین بر طبق نظر صاحب‌نظران و کارشناسان اقتصادی، بهترین راه‌حل دولت، ایجاد بستری مناسب برای فعالیت بخش خصوصی می‌باشد. اگر این بستر و فضای مناسب کسب‌وکار در کشور و بالطبع در استان مهیا گردد، نقدینگی‌های سرگردان در دست مردم در مسیر سرمایه‌گذاری و افزایش تولید قرار خواهد گرفت. حصول چنین شرایطی بایستی اتاق بازرگانی را نسبت به اجرای نقش کلیدی و مؤثر خود در دوره‌ی پیش رو مصمم سازد. اتاق بازرگانی با عنایت به ظرفیت‌های قانونی خود، (که در ادامه به برخی اشاره خواهد شد) می‌تواند ضمن رصد و پایش فضای کسب‌وکار، مطالبه‌های خود را در جهت تلطیف و تسهیل شرایط، به‌صورت مدون و طی پیشنهادهای معین مطرح نماید.

به‌طور مثال بر اساس بند (ب) ماده‌ی ۵ قانون اتاق بازرگانی، صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران، اتاق‌ها باید به «ارائه نظر مشورتی در مورد مسائل اقتصادی کشور اعم از بازرگانی، صنعتی



تومان منفی است. قاعدتاً چنین آماری بر روند تصمیمات تاثیرگذار خواهد بود؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود اتاق کرمان به استناد بند (ط) ماده ۵ قانون اتاق‌ها که به «ایجاد و اداره مرکز آمار و اطلاعات اقتصادی به منظور انجام وظایف و فعالیت‌های اتاق» اشاره دارد، در جهت راه‌اندازی این بانک اطلاعات و ارائه مشاوره‌های کارشناسی شده اهتمام جدی ورزد.

اهمیت و ضرورت بانک اطلاعات و آمار اقتصادی جامع، منطقی و علمی به قدری برای همگان به خصوص برنامه‌ریزان و کارشناسان اقتصادی واضح و مبرهن است که دیگر نیازی به تأکید مجدد آن نیست. قاعدتاً بدون یک بانک اطلاعات و آمار قابل اعتماد، نمی‌توان برنامه‌های منطبق با واقعیت ارائه کرد و شاید یکی از دلایل عدم توفیق برنامه‌های توسعه‌ی استان کرمان را بتوان فقدان این چنین بانکی دانست. چراکه وقتی اطلاعات دقیقی از وضعیت فعلی وجود ندارد، تعریف گام‌های مختلف برای رسیدن به اهداف مشخص، تقریباً غیرممکن خواهد بود!

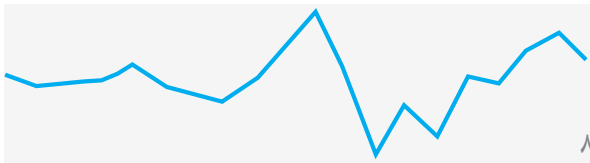
قاعدتاً تا زمانی نظام آمار و اطلاعات استان کرمان در بُعد اقتصادی اصلاح نشود و تحلیل‌های مترتب بر آن موشکافانه، علمی، دقیق و منطقی انجام نشود، هیچ‌گاه نمی‌توان در جهت بهبود شرایط حرکت کرد. باید از تجارب و اشکالات گذشته درس گرفت و به هیچ عنوان سعی در تکرار آن‌ها نکنیم. چراکه نتیجه‌ای جز افزایش هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی و همچنین نارضایتی جامعه ندارد. در شرایط فعلی در استان کرمان به یک بانک اطلاعات و آمار مهندسی شده نیاز داریم که با کمک آن بتوان تصمیم گرفت که یک واحد سرمایه‌گذاری را در کدام بخش و زیربخش باید سرمایه‌گذاری کرد که بالاترین نرخ رشد اقتصادی، میزان اشتغال‌زایی و رفاه را به دنبال داشته باشد. به‌طور مثال این بانک آمار و اطلاعات باید نشان دهد یک واحد سرمایه‌گذاری در کدام زیر بخش پسته‌ی بخش کشاورزی باید انجام شود که موجب حصول رشد اقتصادی بیشتری گردد، برخی از زیر بخش‌های کشاورزی عبارت‌اند از: آموزش نیروی انسانی، تأمین نهادها، ارتقاء و یا انتقال تکنولوژی، حمل‌ونقل و غیره؛ یعنی با کمک آمار و اطلاعات باید دقیقاً مشخص شود که یک واحد سرمایه‌گذاری در عوامل یادشده، چقدر بر تولید پسته و به تبع آن بر رشد اقتصادی تأثیرگذار خواهد بود. تهیه و راه‌اندازی چنین بانک اطلاعات و آماری چندان مشکل نیست و تنها به یک تغییر نگرش و عزم جدی نیازمند است.

قاعدتاً تا زمانی نظام آمار و اطلاعات استان کرمان در بُعد اقتصادی اصلاح نشود و تحلیل‌های مترتب بر آن موشکافانه، علمی، دقیق و منطقی انجام نشود، هیچ‌گاه نمی‌توان در جهت بهبود شرایط حرکت کرد. باید از تجارب و اشکالات گذشته درس گرفت و به هیچ عنوان سعی در تکرار آن‌ها نکنیم. چراکه نتیجه‌ای جز افزایش هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی و همچنین نارضایتی جامعه ندارد.

به‌صورت هدفمند و برنامه‌ریزی شده زمینه‌ی بهره‌گیری مناسب از این فرصت‌ها را مهیا سازد تا به قیمت ارزانی چنین فرصت‌های طلایی را یکی پس از دیگری از دست ندهیم.

ایجاد بانک اطلاعات و آمار مهندسی شده

فقدان بانک اطلاعات و آمار مهندسی شده و قابل استناد یکی از بزرگ‌ترین ضعف‌های استان کرمان می‌باشد و متأسفانه بسیاری از تصمیم‌گیری‌های اشتباه، ریشه در آمار مهندسی نشده دارد. به‌طور مثال در مستندات مرکز آمار استان در سال ۱۳۹۰ بیان می‌شود که بهره‌وری یک مترمکعب آب در بخش کشاورزی استان کرمان از متوسط کشور بالاتر است. در استان این رقم ۶۰۱۳ ریال و در کشور ۵۷۹۴ ریال می‌باشد. این آمار برخی مسئولین امر را خشنود می‌سازد که هر چه باشد نسبت به متوسط کشور در وضعیت بهتری قرار داریم! اما وقتی با نگاه مهندسی و دقیق به آمار و ارقام دقت شود درمی‌یابیم که حدود ۶٫۵ میلیارد مترمکعب آب در بخش کشاورزی استان مصرف می‌شود که بازدهی آن ۶ میلیون تن محصول زراعی و باغی است! این یعنی به ازای یک مترمکعب مصرف آب، زیر یک کیلوگرم محصول به دست می‌آوریم! از طرف دیگر حدود ۳۸ درصد مصرف برق استان در بخش کشاورزی با پایین‌ترین تعرفه (به‌طور متوسط ۱۶ تومان به ازای هر کیلووات) اتفاقی می‌افتد که معادل ۸ هزار میلیارد تومان است، اما در مقابل سهم بخش کشاورزی از GDP کل استان بر اساس آمار سال ۱۳۹۰ حدود ۲۲ درصد (معادل ۳۵۵۰ میلیارد تومان) می‌باشد. لذا تراز این بخش فقط و فقط با احتساب برق مصرفی ۴۴۵۰ میلیارد



می‌کند چون سرمایه مالی و فیزیکی در اختیار دارد، دیگر می‌تواند بر هر مشکلی فائق آید؛ اما تجربه نشان داده است در بسیاری از موارد مشکلاتی که بخش خصوصی با آن مواجه است به نوعی به نحوه‌ی مدیریت این بخش نیز باز می‌گردد. البته این به معنای این نیست که دولت شرایط را سخت نمی‌کند بلکه به معنای این است که بخش خصوصی برای مقابله با این مشکلات تدابیری اتخاذ نکرده است و هم‌چنان نمی‌کند.

از این حیث اتاق کرمان به‌عنوان مغز متفکر بخش خصوصی بایستی در برنامه‌ی آتی خود به دنبال آموزش و نهادینه کردن این موضوع در بخش خصوصی می‌باشد که «یک کارخانه‌دار خوب لزوماً یک مدیر خوب نیست». این امر را هم می‌تواند به روش اصناف انجام دهد که به طریقی، فعالین اقتصادی را ملزم به حضور در دوره‌های آموزشی با همین مضمون نماید. این الزام نباید جنبه‌ی اجبار پیدا کند بلکه باید این احساس نیاز را ابتدا به وجود آورد سپس تحریک و تقویت نمود. قاعداً این موضوع نیاز به بررسی‌های بیشتر و دقیق‌تر دارد که در این مقال نمی‌گنجد ولی در قالب مساله‌ای طرح شد تا پارلمان بخش خصوصی راهکاری برایش برگزیند.

توسعه هدفمند تشکلهای اقتصادی

گام دیگری که اتاق کرمان می‌تواند برای آن برنامه‌ریزی نماید، کمک به تحقق اقتصاد مقاومتی یا به تعبیری کمک به مردمی کردن اقتصاد از مسیر تشکیل تشکلهای قوی اقتصادی می‌باشد؛ اما مهم‌تر از تشکیل آن‌ها، هدایت و راهبری تشکلهای می‌باشد. تجربه‌ی ۳۰ ساله‌ی پس از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد، هرکجا که دولت از مجموعه‌ای، حمایت‌های بدون محدودیت زمانی و غیرهدفمند انجام داده، درنهایت به ضرر آن مجموعه و به تبع آن جامعه بوده است. به‌طور مثال اگر حمایت‌هایی که دولت از صنایع خودروسازی که قبلاً نوزاد تلقی می‌شدند، به‌صورت هدف‌دار و زمان‌دار انجام می‌شد، شاید این سرنوشت خودروسازی در ایران نبود که محصول با بالاترین قیمت تمام‌شده و کمترین کیفیت تحویل جامعه دهند. از آن مهم‌تر آسیب‌پذیر بودن این صنعت می‌باشد که با اندک نسیمی پایه‌هایش به لرزه می‌افتد. این قاعده تنها برای سیستم‌های دولتی نیست بلکه شامل بخش خصوصی هم می‌شود. اگر پارلمان بخش خصوصی قصد دارد از طریق ایجاد و تقویت

ایجاد نگرش‌های کاربردی در مدیریت بخش خصوصی ذکر این نکته، مستلزم ایراد مقدمه‌ای در خصوص تفاوت سیستم مدیریت در بخش دولتی و خصوصی می‌باشد. تعبیر اشتباهی که عمده‌تاً در مدیران بخش دولتی تبدیل به یک آفت می‌شود این است که نمی‌توانند تفاوتی بین کنترل نیروی انسانی و مدیریت آن قائل شوند. سریع القلم در مقاله‌ای تحت عنوان «آفات متدلوزیک تفکر در ایران» می‌نویسد: «کنترل انسان‌ها کار سختی نیست. برعکس مدیریت انسان‌ها کار سختی است. مدیریت انسان‌ها یعنی مدیریت اندیشه‌ی آن‌ها و در گردش انداختن اندیشه‌های نو و پویا، محتاج عقل و اخلاق است. درحالی‌که تعطیل شدن ابداع و خلاقیت، نتیجه‌ی مستقیم کنترل انسان‌هاست. مدیریت انسان‌ها نیازمند محاسبه قواعد، آینده‌نگری، حسن برخورد و فکر فراوان است. درحالی‌که کنترل افراد و اندیشه آن‌ها توسط هر فردی می‌تواند صورت پذیرد. کنترل اندیشه‌های افراد، بالاتر از نیروی غریزی و زور، نیازمند نیروی دیگری نیست، اما مدیریت اندیشه‌ها، بهره‌برداری حداکثر از ظرافت هنری، دقت نظری و دوراندیشی فراوانی را می‌طلبد؛ بنابراین مدیری در سیستم دولتی مطلوب ارزیابی می‌شود که مدیریت انسانی را درک کند، بپذیرد و اعمال نماید. چراکه در بخش دولتی معمولاً امور به‌صورت ساختاری تعریف می‌شوند و افراد برای راه‌اندازی امور تعریف شده بر مسند ریاست تکیه می‌زنند، حال برخی با اندیشه‌های باز به استقبال مسائل می‌روند، برخی با ترش‌رویی حتی امور جاری سابق را بر سنگلاخ کج‌اندیشی خویش می‌اندازند.

اما نگرش مدیریت انسانی در بخش خصوصی جزء حداقل‌ها می‌باشد؛ یعنی بخش خصوصی برای موفقیت، حداقل استانداردی را که باید رعایت کند مدیریت نیروی انسانی است. چراکه یک حداکثری دیگری برای بخش خصوصی تحت عنوان «مدیریت کار» وجود دارد. بخش خصوصی باید تمام تلاش خود را برای انجام کارها به شکل ساختاری بکند، چراکه به نظر می‌رسد رفتار ساختاری و هدفمند هنوز در بخش خصوصی جا نیفتاده است و این بخش تنها و تنها یک مقوله تحت عنوان سود اقتصادی را هدف قرار می‌دهد آن هم به شکل مقطعی نه بلندمدت. برای همین با اندک تغییراتی به‌شدت آسیب می‌بیند. بخش خصوصی دریافته است که به پشتیبانی مردمی بیشتر از حمایت‌های دولتی نیازمند است. بخش خصوصی مدیریت را یک امر بدیهی می‌پندارد و تصور



اقدام نمایند و با طراحی برنامه‌های هدفمند و اجرای منسجم آن‌ها به امور توسعه‌ی اقتصادی کمک نمایند. اما قاعدتاً بقای این تشکلهای و میزان اثرگذاری آن‌ها به عملکرد و رشد درون‌زای آن‌ها بستگی دارد. چراکه اگر این مهم در شکل‌گیری تشکلهای مدنظر قرار نگیرد، با اندک تحولاتی در اتاق‌های بازرگانی، آینده‌ی این تشکلهای در معرض خطر قرار خواهد گرفت و چه بسا منحل گردند؛ اما سوالی که بدان پاسخ خواهیم داد این است؛ چه مرزی بایستی بین وظیفه‌ی اتاق بازرگانی و وظیفه‌ی ذاتی تشکلهای ترسیم نمود؟ در واقع برای داشتن تشکلهای اقتصادی قوی، اتاق‌ها چه باید بکنند و همین‌طور تشکلهای چگونه باید عمل نمایند؟ برای پاسخ به این سؤال بایستی به وظایف اتاق‌های بازرگانی و تشکلهای اقتصادی اشاره نمود:

اهم وظایف اتاق‌های بازرگانی در توسعه‌ی تشکلهای:

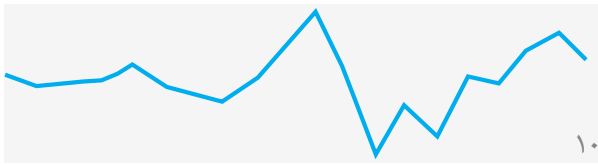
الف) راه‌اندازی تشکلهایی که مزیت اقتصادی و رقابتی آن در استان وجود دارد. در واقع این اقدام بایستی در چارچوبی خاص انجام گیرد و به‌شدت نسبت به آن جدیت به خرج داد. در این حوزه هرگز نباید به سراغ لابی‌گری‌های شخصی یا گروهی رفت. بلکه رعایت منطق اقتصادی و توجه به مزیت‌هایی که بالقوه باقی‌مانده‌اند و یا مزیت‌هایی که می‌توان خلق کرد بسیار حائز اهمیت می‌باشد. البته منظور از مزیت در اینجا، صرفاً داشتن ظرفیت‌های فیزیکی نیست. مثلاً به خاطر اینکه زمین زیادی داریم باید کشاورزی کنیم! چندان مطلوب نیست. بلکه باید معیارها و شاخص‌هایی مشخص برای این منظور را مدنظر قرار داد و اندازه‌گیری کرد، سپس نسبت به راه‌اندازی تشکلهای ذیصلاح اقدام نمود.

ب) انجام حمایت‌های هدفدار و زمان‌دار بسیار مهم می‌باشد. اینکه اتاق‌ها خود را ملزم سازند که یک سری حمایت‌های از قبل تعریف‌شده را ولو اینکه تشکلهای مورد نظر عملکرد مطلوب داشته باشند یا نداشته باشند، در اختیار ایشان قرار دهد، چندان منطقی نیست. هنگامی که تشکلهای اقتصادی احساس کنند در محیط رقابتی قرار ندارند و عملکرد آن‌ها هر چه باشد از حمایت‌های مشخصی بهره خواهند برد، انگیزه و پویایی را در آن‌ها از بین می‌برد. اتاق‌های بازرگانی بایستی مراحل رشد تشکلهای را تعیین و تعریف نمایند و به‌تناسب قرارگیری آن‌ها در هر مرحله، حمایت‌های خاص اعمال نمایند اما به‌تناسب این حمایت‌ها، گزارش عملکرد

تشکلهای اقتصادی، یکی از رسالت‌های خود یعنی مردمی کردن اقتصاد و خصوصی‌سازی را به سرانجام برساند بایستی از تجربه‌ی دولت، درس جدی بگیرد و هدایت و حمایت هدفمند را اجرا نماید. با توجه به اینکه امروز نیز اقتصاد مقاومتی در کشور به‌صورت جدی دنبال می‌شود، اتاق کرمان می‌تواند با یک برنامه‌ریزی هدفمند در کشور، برای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی پیشرو باشد. قاعدتاً تشکیل تشکلهای متعدد و متنوع به‌تنهایی نمی‌تواند چندان مؤثر باشد بلکه هدایت آن‌هاست که بسیار حائز اهمیت است. اتاق بازرگانی باید در دوره‌ی جدید خود به‌جد به این مساله بپردازد و تشکلهای مستقل و توانمند را راهبری نماید. شایان‌ذکر است که تحقق این مهم نیز در گرو تعریف دقیق مرز بین اتاق بازرگانی و تشکلهای اقتصادی تحت حمایتش می‌باشد. در ادامه به تشریح دقیق‌تر موضوع خواهیم پرداخت.

واژه‌ی «مردمی کردن اقتصاد» به‌عنوان یکی از رسالت‌های اقتصاد مقاومتی در ساده‌ترین تعبیر و یا تعریف خود به معنی سپردن امور اقتصادی اعم از تصمیم‌گیری و اجرای آن به مردم است. قاعدتاً نمایندگان مردم یک جامعه در تحقق اقتصاد مقاومتی، بخش خصوصی خواهد بود. بخش خصوصی نیز برای اجرای این مأموریت مهم بایستی در وهله‌ی اول از عملکرد جزیره‌ای و منتهی به نفع شخصی دست برداشته و با تجمیع قدرت خود در قالب تشکل اقتصادی، ضمن یافتن وجهی قانونی و پذیرفته‌شده، نسبت به تقویت درونی تشکلهای و تبدیل آن‌ها به اهرمی برای انتقال امور اقتصادی به مردم و نمایندگان واقعی آن‌ها یعنی فعالین اقتصادی

کنترل انسان‌ها کار سختی نیست. برعکس مدیریت انسان‌ها کار سختی است. مدیریت اندیشه‌ی آن‌ها و در گردش انداختن اندیشه‌های نو و پویا، محتاج عقل و اخلاق است. درحالی‌که تعطیل شدن ابداع و خلاقیت، نتیجه‌ی مستقیم کنترل انسان‌هاست. مدیریت انسان‌ها نیازمند محاسبه قواعد، آینده‌نگری، حسن برخورد و فکر فراوان است. درحالی‌که کنترل افراد و اندیشه آن‌ها توسط هر فردی می‌تواند صورت پذیرد.



روابط فردی، دوستانه و یا گروهی گاهی اوقات مانع حمایت‌های هدف‌دار و زمان‌دار شده و باعث می‌شود که این مجموعه‌ها همچنان در مرحله‌ی نوزادی باقی بمانند. اتاق‌ها بایستی قبل از هر چیز، قدرت لازم را برای رعایت قواعد خود پیدا کنند و اسیر مسائل حاشیه‌ای نشوند و تحت هر شرایطی از اهداف خود دست نکشند و گر نه این چرخه مجدداً تکرار خواهد شد و تنها منابع و زمان از دست می‌رود.

اهم وظایف تشکل‌ها اقتصادی تحت حمایت اتاق

الف) تهیه بانک اطلاعات و آمار از امور بدیهی عملکرد تشکل‌های اقتصادی می‌باشد. اطلاعات موردنیاز در این بانک شامل تهیه فهرستی از اعضای آن، شاخه فعالیت، نوع فعالیت، میزان ظرفیت اسمی و واقعی اقتصادی آنان و همچنین گردآوری اطلاعاتی از تشکل‌های مشابه در کشور، برنامه‌های آنان، اقدامات کلیدی و امثالهم می‌باشد. در این قسمت می‌توان فهرستی از تشکل‌های جهانی مشابه و نوع عملکرد آنان را نیز تهیه نمود. لازم به ذکر است تهیه مجموعه‌ای دسته‌بندی‌شده از مشکلات اعضای تشکل‌ها می‌تواند در جذب اعضای جدید بسیار مؤثر باشد.

آمار موردنیاز شامل ظرفیت بالقوه شاخه‌ی فعالیت مذکور در استان و حتی کشور، میزان تولید و یا خدمات بالقوه‌ای که می‌توان ارائه کرد، سهم آن در رشد اقتصادی استان، میزان اشتغال‌زایی و امثالهم می‌باشد.

این بانک اطلاعات و آمار برای فعالیت پایدار و منسجم تشکل‌های اقتصادی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. اگر تشکل‌های اقتصادی تصویر و تصویری از جامعه‌ی پیرامون خود نداشته باشد، نمی‌تواند میزان اثرگذاری رفتار و عملکرد خود را ارزیابی کند و مباحث طرح‌شده از سوی آن تنها جنبه‌ی توصیفی به خود خواهد کرد که چندان مبتنی بر استدلال منطقی و کارشناسی نبود و قابل دفاع نیست.

ب) تدوین برنامه‌های پیشنهادی سالیانه، مادامی که تحت حمایت اتاق‌های بازرگانی می‌باشند، از ضروریات است. این برنامه بایستی در جهت تحقق چشم‌انداز تعریف‌شده‌ی اتاق و همچنین مأموریت‌های محوله باشد. تمامی جزئیات عملکردی اعم از برگزاری نشست‌های تخصصی، دوره‌ها و سمینارهای آموزشی، پیشنهاد اعزام و پذیرش هیات‌های تجاری، کارشناسی و سرمایه‌گذاری و غیره بایستی در

تشکل‌ها را دریافت و ارزیابی کنند و چنانچه کمتر در حد مطلوب باشد از میزان حمایت خود بکاهند.

لازم به ذکر است این حمایت‌ها حتماً بایستی در دوره‌ی زمانی خاصی بین ۲ تا ۳ سال تعریف شوند چراکه تجربه نشان داده است مجموعه‌هایی که مورد حمایت قرار می‌گیرند، اگر نسبت به از دست دادن حمایت‌های خود دغدغه نداشته باشند در مرحله‌ی نوزادی باقی خواهند ماند و هیچ‌گاه رشد نمی‌کنند، هر چند که حمایت ناچیز باشد.

ج) ارزیابی و رتبه‌بندی عملکرد تشکل‌های اقتصادی و اعطای امتیازات ویژه به تشکل‌های پیشرو از جمله اقدامات اتاق‌ها باید باشد. شایان‌ذکر است که شاخص‌های این ارزیابی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. اگر شاخص‌ها به سمت تحلیل کمی برود، ممکن است تشکل‌ها را گمراه ساخته و تنها انجام امور برای بالا بردن شاخص‌های کمی را مورد هدف قرار داده و از میزان اثرگذاری آن‌ها بکاهد. لذا بایستی به مفاهیم کیفی و اندازه‌گیری میزان اثرگذاری تشکل‌ها اهمیت ویژه‌ای داد.

د) تعریف چشم‌انداز و مأموریت برای تشکل‌های اقتصادی، دریافت، بررسی و تأیید برنامه‌های اجرای آن‌ها، مادامی که تحت حمایت اتاق‌ها باشند. این موضوع باعث انسجام عملکرد تشکل‌ها و تقویت بخش خصوصی خواهد شد که این از وظایف بسیار مهم و حائز اهمیت اتاق‌ها می‌باشد. در غیر این صورت، ایجاد تشکل‌ها، منجر به رشد جزیره‌ای آن‌ها و ازهم‌گسیختگی بخش خصوصی می‌شود؛ بنابراین تجمیع قدرت بخش خصوصی در قالب تشکل‌های اقتصاد مستلزم داشتن برنامه‌های هدفمند و تعریف اهدافی مشترک می‌باشد.

ه) استخراج و احصاء قوانین و مقررات مربوط به تشکل‌های اقتصادی برای استفاده از ظرفیت‌های قانونی برای تقویت آن‌ها از جمله موارد دیگر می‌باشد. در واقع اتاق‌ها به‌عنوان هدایتگر، بایستی با احصاء قوانین و مقررات موجود یا حتی پیشنهاد قوانین و مقررات جدید، زمینه‌ی تقویت و ترویج تشکل‌های اقتصادی اثرگذار را مهیا سازند تا از این طریق بتوانند به بازوان بخش خصوصی قوت بخشیده تا جایی که قدرت و توان به دوش کشیدن امور اقتصادی جامعه را داشته باشند.

ی) نکته‌ی آخر مربوط به رعایت بی‌چون و چرای موارد تأییدشده به‌خصوص قطع حمایت‌ها در زمان مشخص می‌باشد. متأسفانه



آن لحاظ شوند.

ج) حل و فصل مسائل و مشکلات به صورت مصداقی و موردی به‌ویژه مشکلات مسئولین تشکل‌ها و واحدهای آنان، از آفت‌های مترتب بر تشکل‌های اقتصادی می‌باشد و نه تنها کمکی به جذب اعضای جدید نمی‌کند بلکه می‌تواند منجر به از دست دادن اعضای سابق گردد؛ بنابراین لازم است، تشکل‌های اقتصادی در انتخاب هیات مدیره و به‌ویژه مدیر خود، دقت لازم را داشته باشند و از افرادی استفاده نمایند که قائل به برنامه و با نگرش توسعه‌ای باشند. همچنین مسئولین تشکل‌ها برای بقا و تقویت تشکل‌های خود باید متعهد شوند که خود جزء آخرین افرادی باشند که از مزیت‌های ایجادشده در تشکل‌های اقتصادی استفاده نمایند و گرنه هر نوع عملکردی از سوی آنان با مفهومی از رانت همراه خواهد بود که تصویر تشکل‌ها را مخدوش می‌سازد.

د) پیگیری مسائل و مشکلات فعالین اقتصادی اعضای این تشکل‌ها، بسیار در جذب اعضای جدید مؤثر خواهد بود. درواقع فعالین این عرصه بایستی تشکل را محملی برای پیگیری خواسته‌های قانونی و منطقی خود بدانند. در این صورت است که دوام این نوع تشکل‌ها به مطالبه‌ی جدی اعضای آن تبدیل خواهد شد و قاعدتاً برای نفع خود هم شده برای پایدار ماندن آن تلاش خواهند کرد. درواقع تشکل‌های اقتصادی تا زمانی که به مرحله‌ی بلوغ می‌رسند به حمایت اعضای خود نیازمند خواهند بود که جذب این حمایت به برنامه‌ها و نحوه‌ی عملکرد آن‌ها در چند سال ابتدایی بستگی دارد. پاسداری کردن از تشکل‌های اقتصادی برای تقویت آن‌ها امری است که از عهده‌ی همگان برنخواهد آمد بلکه به نگرشی توسعه‌ای و مدیریتی برنامه‌ای بستگی خواهد داشت.

ه) تعریف شبکه‌های پیوندی بین اعضا و سایر تشکل‌ها می‌تواند در انتقال اهداف تشکل و پیگیری مسائل و مشکلات تشکل بسیار مهم باشد و چه‌بسا انگیزه‌ی حضور اعضای جدید را نیز مهیا سازد.





○ مصطفی فروغی نعمت‌اللهی
دانشجوی دکتری منابع انسانی، دانشگاه تهران

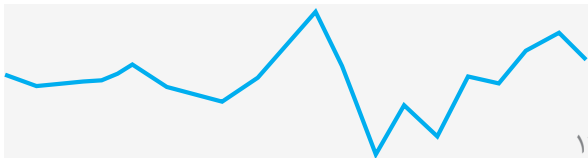
○ شهلا فتحی
کارشناس ارشد حقوق، دانشگاه قم

ارائه چارچوب جامع ارزیابی سازمان با استفاده از مدل سیستم‌های باز

چکیده

طراحی و اجرای برنامه‌های بهبود و توسعه سازمانی، نیازمند شناخت دقیق کارکرد کنونی سازمان است. با توجه به ابعاد گسترده فعالیت سطوح مختلف سازمانی، نیاز به یک چارچوب مفهومی جامع به منظور بررسی و تحلیل نظام‌مند سازمان داریم. در این مقاله سعی شده چارچوب جامعی به این منظور ارائه شود. این چارچوب بر مبنای کارکرد سیستم‌های باز استوار است و سازمان را به صورت سطوح سلسله‌مراتبی مشتمل بر سازمان، گروه و شغل مورد بررسی قرار می‌دهد. در این چارچوب برای هر سطح به صورت جداگانه ورودی‌ها، اجزای طراحی و خروجی‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند و مهم‌ترین اجزای هر کدام به اجمال معرفی و مرور می‌شوند.

کلمات کلیدی: توسعه سازمان، تحول سازمان، عارضه‌یابی، ارزیابی سازمان، سیستم باز.



مقدمه

چه سؤال‌هایی باید پرسیده شود. طبیعی است که هر مدل، تقریر ساده شده‌ای از واقعیت را منعکس می‌کند و بنابراین، مشخصات خاصی را که حیاتی هستند انتخاب می‌کند و طبیعتاً متخصصانی که به هر دسته از مشخصات تمرکز کنند، ممکن است سایر ابعاد را نادیده گرفته و در نهایت ارزیابی دچار تورش شود؛ بنابراین باید نهایت دقت در انتخاب فرایندها و مدل‌های ارزیابی صورت گیرد تا علاوه بر در نظر گرفتن مسائل کنونی سازمان، جامعیت نسبی موضوع نیز مدنظر قرار گیرد.

مدل‌های ارزیابی بسیار متعدّدند. در عمل، هر مجموعه‌ای از مفاهیم و روابط بین آن‌ها که بیانگر یک سیستم یا توضیح اثربخشی آن باشد، به‌صورت بالقوه می‌تواند به‌عنوان مدل ارزیابی مورد استفاده قرار گیرد.

بدون اغراق می‌توان گفت که صدها مدل ارزیابی در کتاب‌ها و مقالات توسعه سازمانی مطرح شده و توسط متخصصان مورد استفاده قرار گرفته است. همه این مدل‌های سعی در توصیف و تحلیل کارکرد سازمان‌ها دارند و اطلاعاتی در مورد این که چگونه و چرا سیستم‌ها، فرایندها یا عملکردهای سازمانی اثربخش هستند ارائه می‌کنند.

بسیاری از این مدل‌ها و مطالعات از یک منظر خاص از رفتار سازمانی متمرکز بوده‌اند مثل استرس کارکنان، رهبری، انگیزش، حل مسئله، پویایی‌های گروه، طراحی مشاغل و توسعه شغلی. این مدل‌ها ممکن است در سطح کل سازمان مطرح شوند و حتی بستر محیطی سازمان را هدف قرار دهند از جمله استراتژی، ساختار، محیط و فرهنگ.

این بخش در پاسخ به دو سؤال کلیدی تدوین شده است؛ ارزیابی چیست و با چه هدفی اجرا می‌شود؟ در راستای طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه و تحول سازمان، مدیران، اعضای سازمان و متخصصان منابع انسانی همواره به دنبال شناسایی و فهم عوامل تعالی و موفقیت سازمان هستند. طبق تعریف، فرایند بررسی و تحلیل کارکرد فعلی سازمان به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات لازم برای تحول را ارزیابی سازمانی می‌گویند. این فرایند به سازمان کمک می‌کند تا مسائل نیازمند توجه را شناسایی کنند، اطلاعات مرتبط با آن را جمع‌آوری کنند و برنامه‌ها و اقدامات بهبود را تدارک ببینند.

متأسفانه بسیاری از مواقع، واژه ارزیابی تصورات محدودی به همراه دارد؛ به این معنی که سازمان با مشکلی مواجه است، به متخصصی رجوع می‌کند و متخصص پس از انجام بررسی‌های لازم و تشخیص مشکل و عوامل شکل دهنده آن، راهکارهای مناسب را ارائه می‌دهد. از نگاه ما، ارزیابی سازمانی دو نکته فراتر از موارد بالا را شامل می‌شود. اول اینکه فرایند ارزیابی سازمانی بسیار مشارکتی‌تر و همکارانه‌تر اجرا می‌شود. بعلاوه، تحول سازمانی این پیش‌فرض‌های ضمنی را که حتماً مشکل و مسئله‌ای در سازمان وجود دارد را نمی‌پذیرد. بلکه ممکن است ارزیابی به منظور بهبود سطح اثربخشی فعلی سازمان یا در راستای برنامه‌های تحولی انجام شود. به‌طور خلاصه، هدف ارزیابی، ایجاد درکی نظام‌مند و همه‌جانبه از سازمان است که اقدامات بهبود مورد نیاز برای حل مشکلات و یا افزایش اثربخشی را ارائه می‌دهد.

نیاز به مدل‌های ارزیابی

برنامه‌های بهبود و تحول نیازمند درک نظام‌مند کارکرد فعلی سازمان هستند. به منظور ارزیابی، لازم است بدانیم چه اطلاعاتی باید جمع‌آوری و تحلیل کنیم و این کاملاً وابسته به این است که سازمان‌ها را چگونه می‌بینیم. این ادراک ممکن است از یک سری افکار شهودی تا توصیف علمی کارکرد سازمان، متغیر باشد.

به چارچوب‌های مفهومی که افراد برای درک سازمان بکار می‌برند، مدل ارزیابی اطلاق می‌شود. این چارچوب‌ها، روابط بین خصوصیات مختلف سازمانی، همچنین زمینه و اثربخشی آن را توصیف می‌کند. به‌عنوان نتیجه، مدل ارزیابی تعیین می‌کند که کدام نقاط نیاز به بررسی دارند و برای ارزیابی کارکرد سازمان،

سازمان‌ها سیستم‌های بازی هستند که با محیط خود تبادل منابع و اطلاعات دارند. رفتار آن‌ها هم از محیط تأثیر می‌گیرد و هم بر آن اثر می‌گذارد. در چنین سیستمی نوعی نظم سلسله‌مراتبی برقرار است به نحوی که هر سطح بالاتر بر سطح پائین خود تسلط دارد. سازمان اطلاعات و انرژی را از محیط دریافت می‌کند، فرایند مشخصی روی آن‌ها انجام داده و خروجی‌هایی در قالب محصول یا ایده ارائه می‌دهد. بخشی از خروجی نیز به‌عنوان بازخور به سیستم برمی‌گردد.



لازم، سیستم به نوعی تعادل دست می‌یابد. این حالت تعادل در سیستم‌های باز را تعادل پویا (یا دینامیکی) می‌خوانند. یک سیستم به‌طور کلی از چهار عنصر یا عامل تشکیل می‌شود. درون‌داد مجموعه مواد و انرژی است که به درون سیستم منتقل می‌شوند. با توجه به ویژگی‌های سیستم‌های گوناگون این درون‌دادها در فرآیند داخلی سیستم مورد تغییر و دگرگونی قرار می‌گیرند و با تغییر و تبدیلاتی به‌صورت ماحصل و نتیجه سیستم (یعنی برون‌داد) از سیستم خارج می‌شوند. ارزشیابی عملکرد سیستم و نتایج حاصله از آن به‌صورت باز داد (یا باز خورد) به سیستم تزریق شده و باز پس داده می‌شود.

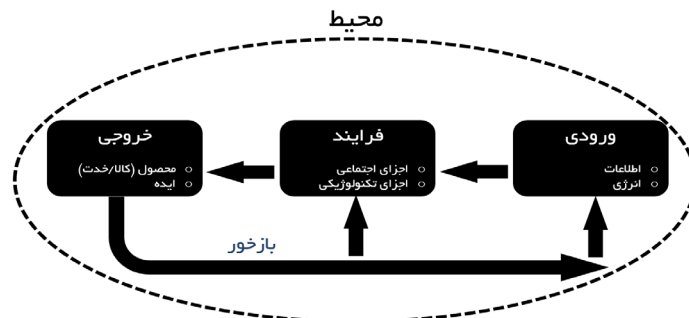
همانند بسیاری از سیستم‌های اجتماعی، سازمان‌ها سیستم‌های بازی هستند که با محیط خود تبادل منابع و اطلاعات دارند. رفتار آن‌ها هم از محیط تأثیر می‌گیرد و هم بر آن اثر می‌گذارد. در چنین سیستمی نوعی نظم سلسله مراتبی برقرار است به نحوی که هر سطح بالاتر بر سطح پائین خود تسلط دارد. همانطور که در شکل ۱ نیز مشاهده می‌شود سازمان اطلاعات و انرژی را از محیط دریافت می‌کند، فرایند مشخصی روی آن‌ها انجام داده و خروجی‌هایی در قالب محصول یا ایده ارائه می‌دهد. بخشی از خروجی نیز به‌عنوان باز خور به سیستم برمی‌گردد.

متأسفانه بسیاری از مدل‌های ارزیابی به جنبه‌های خاصی از سازمان محدود بوده و بر فرایندهای خاصی متمرکز شده‌اند و در بسیاری از موارد نهایتاً به فهرستی از سؤالاتی برای ارزیابی فرایندها ختم شده‌اند. هدف ما از این بحث، بررسی و آسیب‌شناسی مدل‌های مختلف ارزیابی نیست بلکه به دنبال ارائه چارچوبی جامع برای ارزیابی سازمان هستیم.

منطق پشتیبان مدل ارائه شده، رویکرد سیستمی به سازمان است و با تلفیق چندین مدل رایج ارزیابی نگاهی فراگیر و کل‌نگر به سازمان را پیاده کرده است. این چارچوب نقطه شروع بسیار مناسبی برای ارزیابی سازمان‌ها و دیپارتمان‌ها در اختیار متخصصان توسعه سازمانی قرار می‌دهد.

سازمان به‌مثابه سیستم باز

سیستم‌های باز عبارت‌اند از سیستم‌هایی که با محیط پیرامون خود دارای ارتباط هستند و جریان مبادله اطلاعات و انرژی بین سیستم و محیط برقرار می‌باشد. از آنجایی که عناصر تشکیل‌دهنده سیستم‌ها مدام در حال تغییر و دگرگونی بوده و محیط اطراف سیستم نیز در حال تغییر و تحول است، با برقراری ارتباط سیستم‌های باز با محیط اطراف و انجام مبادلات

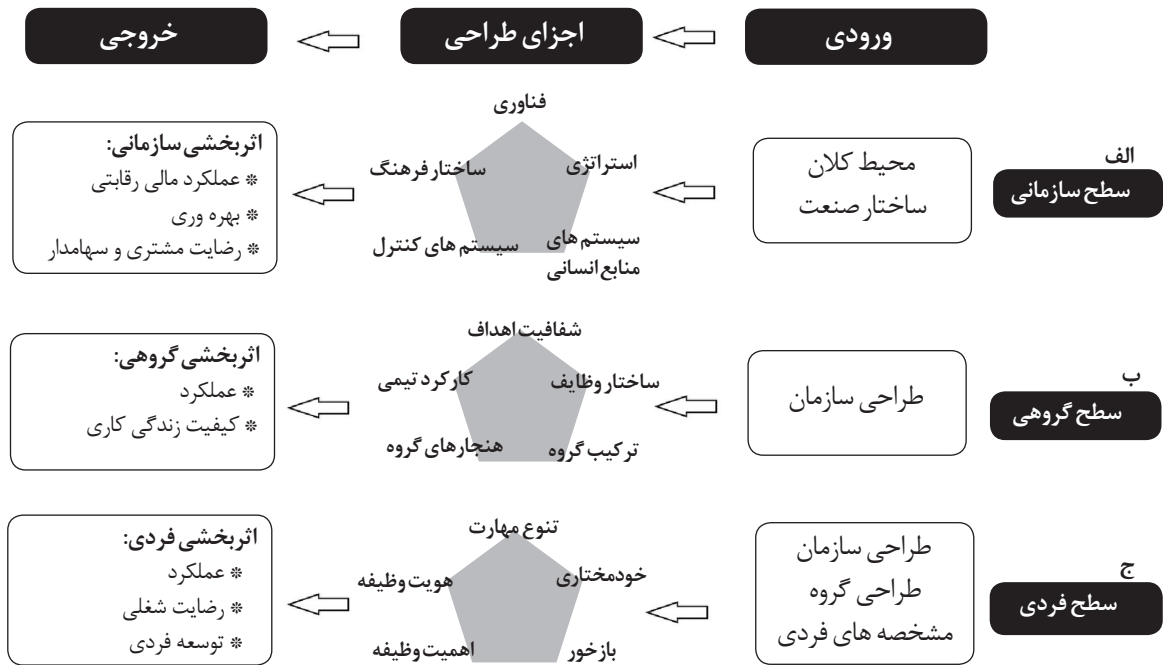


شکل ۱. سازمان به‌عنوان سیستم باز

شکل ۲ چارچوب جامع ارزیابی سیستم‌های سازمانی را ارائه می‌دهد. در این چارچوب برای هر سطح به‌صورت جداگانه ورودی‌ها، اجزای طراحی و خروجی‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند. توصیف مفصل متغیرها و روابط متعدد بین آن‌ها که در ادبیات موضوع ارائه شده از حیثه این مقاله خارج است اما سوال‌های خاص ارزیابی و ابعاد اصلی که باید مورد توجه قرار گیرند به‌صورت اجمالی مطرح شده‌اند. در ادامه به بررسی عناصر مرتبط با هر سطح خواهیم پرداخت.

ارزیابی سیستم‌های سازمانی

ارزیابی سازمان به‌عنوان یک سیستم باز در سه سطح کلی اجرا می‌شود. در بالاترین سطح، کل سازمان قرار دارد که شامل طراحی استراتژی، ساختار و فرایندهاست. در سطح میانی گروه قرار دارد که طراحی گروه و تدارک سازمان‌دهی، نحوه تعامل اعضا و برنامه‌ها و هنجارهای گروهی را دربر می‌گیرد. در پایین‌ترین سطح تحلیل، جایگاه فردی یا شغل قرار می‌گیرد و شامل روش‌هایی برای طراحی مشاغل است.



شکل ۲. چارچوب جامع ارزیابی سیستم های سازمانی

عارضه یابی سطح سازمانی

وجود داشته باشد، طراحی جهت گیری های راهبردی دشوارتر و پراهمیت تر است. به عنوان مثال، عدم قطعیت محیط اجتماعی بر عملکرد شرکت هایی که در صنعت مد و لباس هستند تأثیر زیادی دارد و شرایط اقتصادی بدون ثبات، کارکرد شرکت های بازرگانی را به شدت تحت تأثیر قرار می دهد.

محیط خرد یا محیط نزدیک یا ساختار صنعت، دومین عامل اصلی است که جهت گیری های راهبردی سازمان را متأثر می کند. یکی از کاربردی ترین مدل های تحلیل محیط صنعت، مدل پنج نیروی رقابتی پورتر است. در این شیوه از تجزیه و تحلیل رقابتی با ۵ نیروی رقابتی اصلی سروکار داریم که عبارت اند از:

۱. تهدید ورود تازه واردها و رقبا بالقوه.
 ۲. تهدید محصولات و خدمات جایگزین.
 ۳. قدرت چانه زنی خریداران.
 ۴. قدرت چانه زنی تأمین کنندگان.
 ۵. رقابت میان رقبای فعلی.
- نکته ای که هنگام بررسی ورودی های سطح کلان سازمان باید مدنظر قرار دهیم، درک و تحلیل نرخ تغییر و پیچیدگی محیط دور و نزدیکی است که سازمان در آن فعالیت دارد. منظور نرخ

سطح سازمانی، گسترده ترین نگرش از سیستم است که در فعالیت های ارزیابی رخ می دهد. همان طور که در شکل ۲. الف ملاحظه می شود، الزامات محیط خرد و کلان سازمان به عنوان ورودی این سطح قرار می گیرند و چنانچه خروجی نهایی را اثر بخشی سازمانی در نظر بگیریم، طراحی ساختار، فناوری، استراتژی، سیستم های منابع انسانی و کنترل به عنوان اجزای طراحی این سطح قابل بررسی هستند.

ورودی ها

مطابق شکل ۲. الف، دو ورودی اصلی بر روشی که سازمان، جهت گیری های راهبردی خود را طراحی می کند تأثیر می گذارد: محیط کلان و ساختار صنعت.

محیط کلان (محیط دور یا محیط عمومی)، عناصر خارجی و نیروهای بزرگی هستند که بر کارکرد سازمان تأثیر گذارند اما سازمان تأثیر چندانی بر آن ها ندارد. این نیروها عبارت اند از شرایط اجتماعی، اقتصادی، فناوری، زیست محیطی و سیاسی. محیط کلان را می توان از نظر میزان عدم قطعیت نیروها فوق توصیف کرد. طبیعی است هر چه عدم قطعیت بیشتری در محیط سازمان



منظور جذب و نگهداشت منابع انسانی سازمان مورد استفاده قرار می‌گیرند. فرایندهایی از قبیل کارمند یابی و استخدام، مدیریت عملکرد و نظام جبران خدمات کارکنان. این سیستم‌ها بر ترکیب مهارت‌ها، شخصیت و رفتار اعضای سازمان تأثیر گذاشته و نقش بسزایی در اثربخشی نهایی سازمان ایفا می‌کند.

فرهنگ سازمانی: آخرین جز طراحی سطح سازمانی است. در یک نمای کلی فرهنگ دربرگیرنده نمادها و رویکردهای رفتاری است که ریشه در ارزش‌های مشترک کارکنان و مفروضات بنیادین آن‌ها دارد. همان‌گونه که هر فرد دارای شخصیت متمایزی است، هر سازمان فرهنگ خاص به خود را دارد. در این مدل، فرهنگ به‌عنوان خروجی واسطه پنج جزء دیگر طراحی سازمان مطرح شده است چراکه می‌تواند محدودکننده یا تسهیل کننده باشد.

فرهنگ منتج از ارزش‌های بنیانگذاران و نحوه عملکرد مدیران است که در طول زمان و با توجه به شرایط محیطی شکل گرفته است. همچنین فرهنگ دارای تعامل دوجانبه با انتخاب استراتژی، فناوری، ساختار و سیستم‌های کنترل و منابع انسانی است. بسته به اهداف تحول، فرهنگ سازمان می‌تواند محدودکننده یا تسهیل کننده باشد و از آنجایی که تغییر آن دشوارتر از تغییر سایر اجزای طراحی است در هنگام ارزیابی باید به دقت مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

خروجی‌ها

در واقع خروجی اصلی عملکرد سطح کلان سازمان اثربخشی سازمانی است. این اثربخشی را می‌توان در سه جز توصیف کرد. در ابتدا، عملکرد مالی و رقابتی سازمان مورد نظر قرار می‌گیرد که با خروجی‌هایی از قبیل سهم بازار، سود، بازگشت سرمایه و درآمد هر سهم مشخص می‌شود. مورد دوم بهره‌وری است که در ارتباط با اندازه‌گیری کارایی امور داخلی از قبیل تولید، فروش، ضایعات و کیفیت محصولات متبلور می‌شود؛ و سومین جز رضایت ذینفعان عمده سازمانی است که منعکس کننده عملکرد سازمان در قبال انتظارات گروه‌های مختلف از قبیل کارکنان، سهامداران و مشتریان است.

تحلیل

اثربخشی جهت‌گیری‌های راهبردی فعلی سازمان، مستلزم تحلیل دو پرسش کلیدی زیر است:

تغییر، ثبات اجزای محیطی است و منظور از پیچیدگی، تعداد عناصر مهم در محیط و نحوه ارتباط و تأثیرگذاری آن‌ها بر یکدیگر است.

اجزای طراحی

همان‌طور که شکل ۲ نشان می‌دهد، در سطح سازمانی پنج بعد عمده طراحی مدنظر قرار می‌گیرد که عبارتند از استراتژی، فناوری، ساختار، سیستم‌های کنترل و سیستم‌های منابع انسانی. همچنین در این سطح، مؤلفه مهمی به نام فرهنگ سازمانی به‌عنوان خروجی واسطه نقش‌آفرینی می‌کند. سازمان‌های اثربخش، اجزای طراحی خود را با همدیگر و با محیط متناسب می‌کنند.

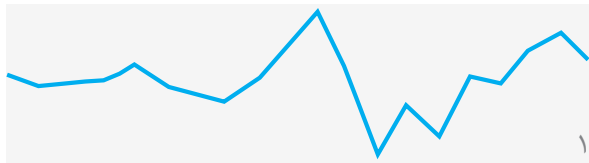
استراتژی: در یک تعریف کلی می‌توان استراتژی را اهداف کلان سازمان و نحوه رسیدن به آن‌ها تعریف کرد به نحوی که موجب رقابت‌پذیری و اثربخشی سازمان گردد. استراتژی سازمان از طریق بررسی بیانیه‌های راهبردی از قبیل بیانیه چشم‌انداز، بیانیه مأموریت، ارزش‌های سازمانی و همچنین اهداف و برنامه‌های کلان سازمان قابل درک و استنباط است.

فناوری: روش تبدیل ورودی‌های سازمان به محصولات و خدمات است. در واقع فناوری بیانگر جوهره کارکرد سازمان بوده و شامل روش‌ها تولید، فرایندهای کاری و ابزارها و تجهیزات می‌باشد.

سیستم ساختاری: سیستم ساختاری بیانگر نحوه سازماندهی اساسی است که انتخاب می‌شود تا کار سازمان را به بخش‌های متفاوتی تقسیم کند و برای تکمیل کار این اجزا را با یکدیگر هماهنگ کند. مهم‌ترین ابعاد سازماندهی، عبارت‌اند از رسمیت (میزان حاکمیت قوانین)، پیچیدگی (سطوح و تنوع وظایف کاری) و تمرکز (مرجع تصمیم‌گیری). بهترین نقطه شروع برای درک ساختار سازمانی، بررسی و تحلیل چارت سازمانی است که با بررسی‌های بیشتر در مورد تقسیم کار و نحوه هماهنگی تکمیل می‌شود.

سیستم‌های کنترل: فرایندهایی هستند که از آن‌ها برای جمع‌آوری، بررسی و انتشار اطلاعات فعالیت افراد یا واحدها در سازمان استفاده می‌کنیم. این قبیل از داده‌ها میزان کارکرد سازمان را اعلام کرده و از آن‌ها برای تشخیص و کنترل انحراف از اهداف استفاده می‌شود.

سیستم‌های منابع انسانی: مشتمل بر فرایندهایی است که به



کارکرد گروه و هنجارهای عملکرد. شفافیت هدف: نشانگر میزان درک درست گروه از اهداف خود می باشد. به طور کلی اهداف باید تا حدی چالش برانگیز بوده و روشی برای اندازه گیری، پایش و بازخورد اطلاعاتی در مورد تحقق، داشته باشند به نحوی که توسط همه اعضای گروه به روشنی و به صورت یکسان درک و تعبیر شوند.

ساختار وظیفه: در مورد نحوه طراحی کار گروهی است. ساختارهای وظیفه می توانند در دو بعد کلیدی با هم متفاوت باشند: یکی هماهنگی تلاش های اعضا و دیگری مقررات رفتاری وظایف آن ها. هماهنگی شامل میزان ساختارمند بودن وظایف به منظور توسعه تعاملات اثربخش اعضای گروه است. مقررات شامل میزان توانایی اعضا در کنترل رفتارهای وظیفه خود و بی نیازی آن ها از کنترل کننده های خارجی است.

ترکیب گروه: نشان دهنده آمیخته اعضا است. ممکن است اعضا در چند بعد مرتبط با رفتار گروه از همدیگر متفاوت باشند. متغیرهای جمعیت شناختی نظیر سن، جنسیت و همچنین عواملی از قبیل تحصیلات، تجربه، مهارت ها و قابلیت ها می تواند تأثیرات عمیقی بر رفتار و ارتباط اعضای گروه داشته باشد. دو عامل مهم دیگر نیازهای درونی افراد و نیازهای اجتماعی آن هاست که عضویت در گروه را رضایت بخش یا استرس آفرین می کند.

کارکرد گروه: مبنای برجسته زندگی گروه است. نحوه ارتباط اعضا با یکدیگر در گروه های کاری از این جهت اهمیت دارد که کیفیت روابط می تواند بر عملکرد وظایف اثر داشته باشد. به عنوان مثال در برخی گروه ها رقابت میان کارکنان و تعارض میان اعضا سبب می شود که آن ها از همدیگر کمتر حمایت کنند. برعکس ممکن است اعضای گروه بسیار در احساسات یکدیگر شریک شده و حمایت از دیگری را بر اجرای صرف وظایف شخصی ترجیح دهند. در توسعه سازمان، تلاش قابل ملاحظه ای برای کمک به اعضای گروه کاری در توسعه روابط میان کارکنان می شود تا از این طریق بتوان بسیاری از مشکلات و مسائل میان فردی را حل و فصل کرد.

هنجارهای عملکرد: عقاید اعضا در این مورد است که گروه چگونه باید وظایف خود را انجام دهد و سطوح قابل قبول عملکرد کدام است. این هنجارها ممکن است به صورت صریح و یا ضمنی بین اعضا وجود داشته باشد و راهنمای قدرتمندی در هدایت رفتار اعضای تیم می باشد.

۱. آیا جهت گیری های راهبردی سازمان (اجزای طراحی) با شرایط محیطی که سازمان در آن فعالیت می کند (ورودی ها) متناسب است؟
۲. آیا اجزای طراحی سازمان با یکدیگر متناسب اند؟

ارزیابی سطح گروه

بسیاری از سازمان های بزرگ دارای گروه ها یا دپارتمان های تخصصی می باشند. ارزیابی در گروه های بزرگ می تواند از همان ابعاد مطرح شده در سطح سازمان پیروی کند. در واقع گروه های بزرگ، بسیار شبیه به سازمان ها عمل می کنند و آن ها را می توان به عنوان سازمان، ارزیابی کرد.

رفتار گروه ها و دپارتمان های کوچک تر، متفاوت از سازمان است و نیازمند مدل های عارضه یاب مخصوص به خود است. این گروه ها شامل تعداد نسبتاً کمی از افرادی می باشند که به صورت رودررو برای انجام کاری مشترک همکاری می کنند. گروه های کاری در همه ابعاد سازمان متداول اند. آن ها ممکن است دائمی بوده و کاری مستمر را انجام دهند یا ممکن است به صورت موقتی و برای انجام کاری معین ایجاد شده باشند.

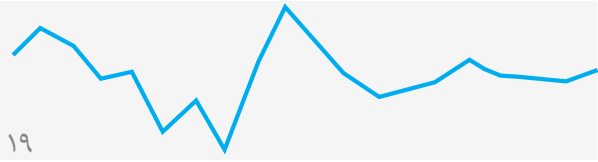
یک بار دیگر به شکل ۲ رجوع کنید. در سطح دوم چارچوب، ارزیابی گروهی نشان داده شده است. این شکل ورودی ها، اجزای طراحی، خروجی ها و تناسب های منطقی ارزیابی در سطح گروه را نشان می دهد. در ادامه به بررسی هر یک از اجزای این سطح می پردازیم.

ورودی ها

واضح است که الزامات طراحی سازمان، ورودی اصلی طراحی گروه است. این ورودی شامل طراحی اجزای تعیین کننده سازمان بزرگتری است که گروه در آن شکل گرفته و عبارت است از ساختار، فناوری، استراتژی، سیستم های کنترل و منابع انسانی. نحوه سازماندهی، میزان و نوع همکاری لازم میان گروه ها را مشخص می کند. سیستم های کنترل و منابع انسانی در تعیین کارکرد تیمی مؤثر هستند و فناوری، تعیین کننده نحوه فعالیت گروه در تبدیل ورودی ها به خروجی است.

اجزای طراحی

شکل ۲. ب نشان می دهد که طراحی گروه دارای پنج بخش اصلی می باشد: شفافیت هدف، ساختار وظیفه، ترکیب گروه،



مشاغل و تجربه افراد در مشاغل دارند. علاوه بر الزامات سازمانی، مشخصه‌های طراحی گروه و انتظارات از افراد نقش تعیین‌کننده‌ای در طرح‌ریزی مشاغل دارد.

سومین عامل مؤثر بر طراحی شغل، مشخصه‌های کارکنانی است که مشاغل فردی را احراز می‌کنند. این مشخصه‌ها شامل سن، جنسیت، تحصیلات، تجربه و قابلیت‌های آن‌هاست. علاوه بر این عوامل، نیازها و انتظارات افراد می‌تواند بر واکنش‌های شغلی کارکنان تأثیرگذار باشد. انگیزش کاری نیز متأثر از انتظارات افراد از خوب انجام دادن کار و این انتظار آن‌هاست که عملکرد مطلوب شغلی سبب خروجی‌های ارزشمند می‌شود.

اجزای طراحی

همان‌طور که در شکل ۲، ج مشاهده می‌شود، مشاغل فردی دارای پنج بعد کلیدی می‌باشند: تنوع مهارت، هویت وظیفه، اهمیت وظیفه، خودمختاری و بازخورد گیری از نتایج.

تنوع مهارت: مشخص‌کننده طیف فعالیت‌ها و توانایی‌های مورد نیاز شغل است. برخی از مشاغل به تنوع مهارتی کمتری نیاز دارند در حالی که مشاغل پیچیده دربرگیرنده فعالیت‌های متنوعی بوده و مهارت‌های متفاوتی در انجام آن به کار می‌رود.

هویت وظیفه: نشان‌دهنده سطحی است که یک شغل، یک قطعه کار تکمیل شده و قابل تشخیص را انجام می‌دهد. کارکنان مشاغلی که هویت وظیفه در آن‌ها بیشتر است می‌توانند فرایند تکمیل کار خود را از ابتدا تا انتها مشاهده کنند و نتایج نهایی کار خود را به صورت محصول ببینند. در برابر، در مشاغلی که هویت کمتری دارند کارکنان یک وظیفه جزئی و تکراری را به صورت مداوم انجام می‌دهند.

اهمیت وظیفه: مشخص‌کننده میزان اثر شغل بر زندگی دیگران است. کارکنانی که شغل آن‌ها تأثیر بیشتری بر زندگی سایرین و جامعه داشته باشد وظیفه خود را مهم‌تر درک می‌کنند.

خودمختاری: نشان‌دهنده میزانی است که شاغل در برنامه‌ریزی و تعیین روش‌های کاری آزادی و استقلال دارد. برخی مشاغل بایستی دستورالعمل مشخصی را بدون اختیار اجرا نمایند در حالی که برخی مشاغل ذاتاً استقلال عمل بیشتری برای شاغل ایجاد می‌کنند.

بازخورد نتایج: شامل میزانی است که یک شغل به کارکنان، اطلاعاتی واضح و مستقیم از اثربخشی عملکرد وظیفه می‌دهد. این پنج بعد مستقل را که تعیین‌کننده انگیزش شغلی کارکنان

خروجی

اثربخشی گروه دو بعد اصلی دارد؛ یکی کیفیت زندگی کاری که معطوف به برطرف شدن نیاز افراد از عضویت در گروه است و دیگری عملکرد که میزان تحقق اهداف سازمان از تشکیل گروه را منعکس می‌کند. اثربخشی اولی که بعد نرم خروجی فعالیت گروه است با سنجش نگرش اعضا از قبیل رضایت، انسجام و تعهد قابل بررسی است اما عملکرد که مربوط به بعد سخت اثربخشی است در ارتباط با توانایی گروه در کنترل هزینه‌ها، افزایش بهره‌وری یا توسعه کیفیت تجلی پیدا می‌کند.

تحلیل

اثربخشی فعالیت‌های فعلی گروه، مستلزم تحلیل دو پرسش کلیدی زیر است:

۱. آیا جهت‌گیری‌های راهبردی سازمان (اجزای طراحی) با شرایط محیطی که سازمان در آن فعالیت می‌کند (ورودی‌ها) متناسب است؟

۲. آیا اجزای طراحی گروه با یکدیگر متناسب‌اند؟

ارزیابی سطح شغل

پایین‌ترین سطح ارزیابی سازمان، جایگاه فردی یا شغل است. سازمان متشکل از گروه‌های مختلفی است که افراد اعضای آن را تشکیل می‌دهند. برای تحلیل سطح شغل نیازمند در نظر گرفتن ملاحظات متفاوتی از سطح سازمان و یا گروه هستیم. در سطح سوم چارچوب شکل ۲، ارزیابی شغل نشان داده شده است. این شکل ورودی‌ها، اجزای طراحی، خروجی‌ها و تناسب‌های منطقی ارزیابی در سطح شغل را نشان می‌دهد که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

ورودی‌ها

مشخصاً طراحی سازمان و طراحی گروه ورودی‌های عمده و مؤثر بر طراحی شغل هستند علاوه بر این دو مشخصه، کارکنان نقش تعیین‌کننده‌ای در طراحی مشاغل دارد.

طراحی سازمان، همان طراحی سازمان بزرگتری است که مشاغل کوچک‌ترین واحد آن محسوب می‌شوند. طراحی سازمان، بخش کلیدی از بافت بزرگتر محیط بر شغل است. استراتژی، فناوری، ساختار، سیستم‌های اندازه‌گیری و منابع انسانی و فرهنگ تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر روش طراحی



دارد. متخصصان توسعه سازمانی با استفاده از این الگوی کلی می‌توانند به درکی جامع و همه‌جانبه از سازمان نائل آیند و با تحلیل تناسب اجزا، برنامه‌های بهبود و تحولی متناسب سازمان را ارائه نمایند تا از این طریق اهداف اساسی توسعه سازمانی مشتمل بر اثربخشی سازمانی و افزایش سلامت سازمانی حاصل شود.

منابع

- [۱] Alderfer, C. P. (۱۹۸۰). The methodology of organizational diagnosis. *Professional Psychology*, ۴۵۹, (۳)۱۱.
- [۲] Burton, R. M., & Obel, B. (۱۹۹۸). *Strategic organizational diagnosis and design: Developing theory for application*. Springer Science & Business Media.
- [۳] Cummings, T., & Worley, C. (۲۰۱۴). *Organization development and change*. Cengage learning.
- [۴] Hackman, J. R., & Oldham, G. R. (۱۹۷۵). Development of the job diagnostic survey. *Journal of Applied psychology*, ۱۵۹, (۲)۶۰.
- [۵] Herzberg, F., Mausner, B., & Snyderman, B. B. (۲۰۱۱). *The motivation to work* (Vol. ۱). Transaction Publishers.
- [۶] Howard, A. (۱۹۹۴). *Diagnosis for organizational change: Methods and models*. Guilford Press.
- [۷] Kast, F. E., & Rosenzweig, J. E. (۱۹۷۲). *General systems theory: Applications for organization and management*. *Academy of management journal*, ۴۶۵-۴۴۷, (۴)۱۵.
- [۸] Katz, D., & Kahn, R. L. (۱۹۷۸). *The social psychology of organizations*.

نیز هستند در قالب یک معیار کلی تحت عنوان غنای شغلی می‌توان یکپارچه کرد. مشاغل غنی نیازمند سطح بالایی از تنوع مهارت بوده و اهمیت آن‌ها در جامعه بالاست. چنین مشاغلی دارای هویت مجزا و مستقل بوده، شاغلان آن از اختیار بالایی در برنامه‌ریزی و اجرای وظایف شغلی خود برخوردار هستند و با کمک بازخورد مرتباً از نتایج عملکرد خود مطلع می‌گردند.

خروجی

اثربخشی سطح شغل، معیارهای متفاوتی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از عملکرد، رضایت شغلی و امکان توسعه فردی. عملکرد، میزان تحقق اهداف سازمان از ایجاد شغل را منعکس می‌کند و رضایت شغلی بیانگر مجموعه عواملی است که سبب رضایت فرد از شغل خود می‌شود. علاوه بر این امکان توسعه فردی شاغل، نیز می‌تواند به‌عنوان یکی از معیارهای اثربخشی شغل مورد نظر قرار گیرد.

تحلیل

اثربخشی طراحی شغل، مستلزم تحلیل دو پرسش کلیدی است:

۱. آیا اجزای طراحی شغل با الزامات طراحی سازمان، طراحی گروه و مشخصه‌های فردی کارکنان (ورودی‌ها) متناسب است؟
۲. آیا اجزای طراحی شغل با یکدیگر متناسب‌اند؟

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ارزیابی سازمان فرایندی پیچیده، حساس و تخصصی است و با توجه به گستردگی فعالیت‌های سطوح مختلف سازمانی اجرای صحیح آن بدون در نظر داشتن یک چارچوب مرجع، ناممکن است. در این مقاله سعی شد چارچوبی جامع و سطح‌بندی شده در اختیار دست‌اندرکاران توسعه و تحول سازمان قرار گیرد. این چارچوب، سازمان را به مثابه یک سیستم باز مدل می‌کند که با محیط خود در ارتباط است. سازمان ورودی‌های مورد نیاز خود را از محیط دریافت می‌کند و با هدف اثربخشی، عملیات مشخصی را انجام می‌دهد این عملیات در سه سطح سازمانی، گروهی و فردی قابل تجزیه و تحلیل است. در این مقاله سعی شد سرفصل‌ها مهم‌ترین موارد کلیدی در ارزیابی سازمان معرفی و مرور شوند. هر کدام از مباحث در برگزیده مباحث مفصلی است که نیاز به مطالعات و بررسی‌های تفصیلی و دقیق





بهبود محیط کسب و کار در حوزه تجارت فرامرزی

چکیده

تجارت فرامرزی یکی از بخش‌های استراتژیک اقتصادی هر کشوری است که کل اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نتیجه بهبود وضعیت نابسامان محیط کسب و کار بدون تسهیل امور این حوزه میسر نخواهد بود چراکه تجارت فرامرزی یکی از اجزاء اصلی محیط کسب و کار است. بر اساس گزارش پایش محیط کسب و کار بانک جهانی در سال ۲۰۱۵، ایران از نظر سهولت تجارت فرامرزی رتبه ۱۴۸ را از ۱۸۹ داراست؛ بنابراین اصلاحات بسیار جدی برای نیل به افق ۱۴۰۴ در این حوزه باید صورت گیرد. در همین راستا اقدامات مؤثری توسط سازمان گمرک ایران در حال اجرا است. هرچند گمرک بخشی از حوزه گسترده تجارت فرامرزی است اما دارای جایگاهی محوری در این حوزه می‌باشد. هدف از این نوشتار تبیین سازمان گمرک ایران با محوریت اقدامات و دستاوردهای آن در سالیان اخیر در راستای بهبود محیط تجارت فرامرزی به‌عنوان سازمانی با عملکرد خوب در جهت بهبود محیط کسب و کار است.

کلمات کلیدی: بهبود محیط کسب و کار، تجارت فرامرزی، گمرک، تعامل فراسازمانی، نجره واحد تجاری

مقدمه

محیط کسب و کار، آن دسته از عواملی هستند که در مدیریت بنگاه مؤثرند ولی خارج از کنترل مدیران بنگاه قرار دارند. محیط کسب و کار یک واژه نوظهور دارای مفهومی چند بعدی است، چراکه عملکرد همه دستگاه‌های اجرایی از نیروی انتظامی تا شورای فرهنگ عمومی را دربرمی‌گیرد؛ و از آنجایی که عواملی چون میزان اشتغال، بهره‌وری، میزان سرمایه‌گذاری، آزادی اقتصادی سرمایه‌گذاران و ظرفیت‌های تولیدی را تحت تأثیر قرار می‌دهد می‌توان آن را حوزه استراتژیک سرمایه‌گذاری صنعتی به شمار آورد. محیط کسب و کار نامساعد سیاست‌ها و برنامه‌های حمایت از تولید از جمله کمک‌ها و حمایت‌های مالی را در مسیرهای نادرست هدایت کرده و تبعاتی به مراتب بدتر از وضعیت فعلی به دنبال خواهد داشت. هدایت سرمایه به بخش تولید و یا تداوم تولید با پس زمینه ارتقاء رقابت‌پذیری میسر نخواهد شد مگر با تسهیل و بهبود شرایط محیطی کسب و کار.

شرایط حاکم بر اقتصاد کشور اعم از تولید و توزیع کالا، مبادلات مالی داخلی و خارجی و تجارت فرامرزی از مهم‌ترین علل توسعه‌یافتگی یا ناکامی اقتصادهاست. از این رو کمی‌سازی این شرایط و مقایسه اقتصادها با خود و یکدیگر موضوع مهمی است که بسیار مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است. مراجع معتبری در سطح دنیا اقدام به کمی‌سازی محیط کسب و کار و رتبه‌بندی کشورها کرده‌اند که گزارش‌های مربوطه حکایت از جایگاه بسیار نامناسب ایران از نظر محیط کسب و کار دارد.

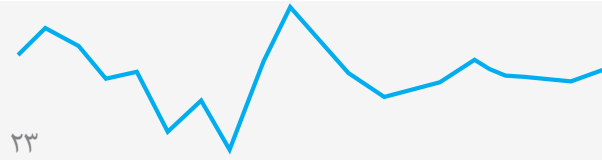
قاعداً چنین وضعیتی به هیچ عنوان رتبه اول اقتصادی ایران در افق ۱۴۰۴ را تضمین نخواهد کرد و لازم است اصلاحاتی جدی در این حوزه صورت گیرد. قبل از هر اقدامی لازم است حوزه قوانین و مقررات توجه شود چراکه این نظام حقوقی است که شالوده حاکمیت بر اقتصاد را شکل داده. در این بین شناسایی پتانسیل‌های قانونی و مقرراتی در راستای بهبود محیط کسب و کار که مغفول مانده‌اند و حذف قوانین و مقررات زائد، متناقض، مبهم و مشکل‌زا که بعضاً سررشته مشکلات و نابسامانی‌های بزرگ هستند بسیار ضروری و مهم است. از طرف دیگر باید به جنبه‌های اجرایی شالوده حاکمیتی نیز توجه کافی شود. این امر در سطح استان‌های کشور بسیار مهم‌تر از مورد قبل است، زیرا نظام قانونی ایران به صورت ملی طراحی شده و اجرا می‌شود و نقاط قابل انحراف از آن در سطح استان‌ها تنها در نحوه اجرای این نظام میسر خواهد بود. عدم آگاهی مسئولین، کارشناسان و فعالان اقتصادی به قوانین و برخوردهای سلیقه‌ای، فساد

اداری، سوء استفاده از متن قانون بدون توجه به روح آن به دلیل ضعف قانون، ورود مسائل شخصی، عدم پاسخ‌گویی مسئولین و عدم نظارت بر نحوه درست قوانین و مقررات از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که نحوه اجرای ساختار محیط کسب و کار را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این راستا یکی از مهم‌ترین رسالت‌های مناطق کشور در رابطه با بهبود محیط کسب و کار پایش و بهبود جنبه‌های اجرایی ساختار محیط کسب و کار و ارائه پیشنهادات برای اصلاح قوانین و مقررات مربوطه در سطح ملی است.

گمرک ایران در سالیان اخیر اقدامات مهمی در راستای بهبود محیط کسب و کار هم در لایه ساختار و هم اجرای انجام داده است که به واسطه دستاوردهایی که داشته شاید بتوان آن را از سازمان‌های پیشرو در جهت بهبود محیط کسب و کار محسوب کرد. نقش ملموس و برجسته گمرک در شبکه توزیع کالا و در نتیجه توسعه و رشد اقتصادی مهم‌ترین دلیل تمرکز بر این بخش برای بهبود است، اما در هر صورت، دستاوردهای ارزشمند گمرک تاکنون، دلیل خوبی برای الگو شدن این حوزه (تجارت فرامرزی) برای سایر بخش‌ها است. البته نواقص و کاستی‌هایی نیز در این بین وجود دارد که شاید عدم هماهنگی بین سازمانی در راستای تحقق اهداف تعیین شده و سیاست‌گذاری جامع بدون خرد جمعی از مهم‌ترین آن‌ها باشد. در ادامه به تبیین سازمان گمرک ایران و بخصوص اداره گمرک استان کرمان به عنوان سازمانی که عملکرد خوبی در راستای بهبود محیط کسب و کار داشته، پرداخته می‌شود که در طی این مهم اقدامات، چالش‌ها و دستاوردهای این حوزه بررسی می‌شوند.

تاریخچه گمرک

گمرک سابقه‌ای به قدمت تاریخ دارد. در زمان اشکانیان (سده سوم قبل از میلاد) سازمان منظم گمرکی وجود داشته و شعب آن در مرزها آمار واردات را در دفاتر مخصوصی ثبت و حقوق معینی دریافت می‌کردند. در این دوره صادرات از پرداخت حقوق گمرک معاف بوده است. در زمان ساسانیان (سده چهارم تا ششم میلادی) حقوق گمرکی به میزان یک دهم ارزش یا مقدار از واردات دریافت می‌شده است. با ورود اسلام به ایران این رویه در سایر ممالک اسلامی رایج شد. در دوره صفویه عوارض گمرکی کالاهای با توجه به بهای آن تعیین می‌شد. از سال ۱۰۵۳ هجری شمسی (۱۶۷۴ میلادی) گمرک به صورت اجاره‌ای اداره می‌شد و این ترتیب بیش از دو قرن ادامه داشته است. شایان ذکر است



هر چند برای تسهیل تجارت فرامرزی لازم است همه جنبه‌های درون و فراسازمانی از بهبود سلامت اداری گرفته تا رضایت کارکنان و افزایش نسبت اظهارنامه‌های الکترونیکی نسبت به کل به صورت یکپارچه و همگون مدنظر قرار گرفته و ارتقا یابند اما در این بین آنچه بیشتر برای فعالان اقتصادی ملموس می‌نماید، پیشرفت در راهبرد «افزایش توان ثروت آفرینی» است، چراکه این راهبرد دربرگیرنده مؤلفه‌های کلیدی است که هر تاجر آن‌ها را مبنای کیفیت خدمات در حوزه تجارت فرامرزی قرار می‌دهد مؤلفه‌هایی از قبیل زمان تشریفات گمرکی برای صادرات و واردات، تعداد اسناد مورد نیاز برای تجارت و هزینه‌ها و تعرفه‌های مرتبط و یا سایر شاخص‌ها اعم از شاخص رضایت مشتری، رتبه شاخص تجارت فرامرزی و رتبه شاخص لجستیک گمرک که به نوعی از موارد ذکر شده تشکیل شده‌اند. استانداردهای فرآیندها، اجرای مدل مجازی پنجره واحد تجاری، مکانیزه کردن برخی اقدامات کنترلی با به کارگیری دستگاه‌ها کنترل نامحسوس پیشرفته، راه‌اندازی سامانه هوشمند ورود و خروج کالا، توسعه سامانه هوشمند ترانزیت، طراحی و اجرای مدیریت ریسک هوشمند، راه‌اندازی سامانه اظهار از راه دور (واردات، صادرات و ترانزیت) و راه‌اندازی سیستم تبادل الکترونیکی اسناد بخشی از اقدامات راهبردی هستند که در برنامه چهارساله گمرک برای دستیابی به اهداف تعیین شده در جدول (۱) در نظر گرفته شده و بخشی از آن محقق شده است.

اولین تشکیلات منظم اداری توسط مستشاران بلژیکی و شخص مسیو نوژ به‌عنوان آخرین وزیر گمرکی ایران انجام گرفت. رفته رفته، تشکیلات گمرکی در تمام نقاط مرزی کشور بسط و توسعه یافت و مستشاران بلژیکی قریب مدت ۳۶ سال در ایران به خدمت اشتغال داشتند اما بعد از اعلان مشروطیت گمرک جزء مالیه مملکت قرار گرفته است. در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی (۱۹۵۷ میلادی) گمرک به وزارت اقتصاد منظم و از ۱۳۴۵ هجری شمسی (۱۹۶۶ میلادی) از وزارت اقتصاد مجزا و به وزارت دارایی ملحق شد. هم‌اکنون گمرک ایران از سازمان‌های وابسته به وزارت امور اقتصاد و دارایی است.

اقدامات اصلاحی در حوزه تجارت فرامرزی

در طی سالیان گذشته و بخصوص از اوایل دولت یازدهم اقدامات اصلاحی برای بهبود تجارت فرامرزی با تسهیل تشریفات گمرکی صورت گرفت که از زمان اجرای آن تاکنون نتایج مفیدی به دنبال داشته است. این اقدامات به شرح زیر می‌باشند.

تدوین و اجرای سند راهبردی گمرک

قاعداً هر حرکت بدون برنامه به شکست منتهی خواهد شد. گمرک نیز اقدامات اصلاحی را با تدوین برنامه یکپارچه آغاز نموده است.

در این راستا از ابتدای دولت یازدهم سند راهبردی گمرک و برنامه عملیاتی چهارساله آن با استفاده از اسناد بالادستی، پیمان‌های بین‌المللی و توصیه‌های سازمان جهانی گمرک تدوین و اجرا شد. این برنامه از سال ۹۲ اجرایی شده و نخستین سال آن در سال ۹۳ پشت سر گذاشته شده است. گمرک در چشم انداز خود، سازمانی «چابک، هوشمند، قانون‌مدار، مقتدر، پاسخگو (مشتری‌مدار)، روزآمد و دانش‌محور» است و در اهداف راهبردی آن چه که مدنظر است، بهبود وضعیت اقتصادی و محیط کسب‌وکار، هم‌افزایی درون‌سازمانی و افزایش همکاری‌های فراسازمانی و بین‌المللی برای تسهیل و توسعه تجارت با استفاده از فن‌آوری اطلاعات و برخوردار از جایگاه اول منطقه MENA (خاورمیانه و شمال آفریقا) در شاخص‌های تجارت فرامرزی است. برای هرکدام از راهبردهای گمرک شاخص‌ها و اهداف کمی در برنامه چهارساله گمرک تعیین شده است که به صورت جدول (۱) می‌باشند.

محیط کسب‌وکار نامساعد سیاست‌ها و برنامه‌های حمایت از تولید از جمله کمک‌ها و حمایت‌های مالی را در مسیرهای نادرست هدایت کرده و تبعاتی به مراتب بدتر از وضعیت فعلی به دنبال خواهد داشت. هدایت سرمایه به بخش تولید و یا تدوین تولید با پس زمینه ارتقا؛ رقابت‌پذیری میسر نخواهد شد مگر با تسهیل و بهبود شرایط محیطی کسب‌وکار.



جدول (۱): اهداف کمی سند راهبردی گمرک

راهبرد	شاخص	وضعیت موجود	اهداف کمی سالانه				
			۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶
۱. افزایش توان ثروت آفرینی	کاهش زمان ترخیص کالا در رویه‌های واردات و صادرات (رویه‌های ورودی و خروجی)	واردات: ۲۶ روز صادرات: ۷ روز	روز	روز	روز	روز	روز
	کاهش هزینه ترخیص کالا در رویه‌های واردات و صادرات (رویه‌های ورودی و خروجی)	واردات ۲۲۰ دلار صادرات ۱۷۵ دلار (برای کانتینر ۲۰ فوتی)	روز	روز	روز	ساعت	ساعت
	کاهش اسناد گمرکی در رویه‌های صادرات و واردات (رویه‌های ورودی و خروجی)	واردات ۱۰ سند صادرات ۷ سند	روز	روز	روز	ساعت	ساعت
	بهبود شاخص بخش تجارت فرامرزی	رتبه ۱۵۳ (طبق گزارش سال ۲۰۱۴ بانک جهانی)	روز	روز	روز	ساعت	ساعت
	بهبود شاخص لجستیک گمرک	رتبه ۱۰۶	روز	روز	روز	ساعت	ساعت
	افزایش برون سپاری خدمات گمرکی	۷۵٪ خدمات انبارداری و باسکول و ۱٪ پرتونگاری	روز	روز	روز	ساعت	ساعت
	افزایش رضایتمندی خدمت گیرندگان از گمرکات	٪۷۷	روز	روز	روز	ساعت	ساعت
۲. تأمین مالی پایدار دولت و کاهش اتکا بودجه دولت به درآمد نفتی	تحقق درآمدهای پیش‌بینی شده	٪۶۶	٪۸۵	٪۹۰	٪۹۵	٪۱۰۰	
۳. مشارکت فعال و مؤثر در سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری	قانون و مقررات	۰	۱	۰	۰	۰	
۴. تقویت انضباط، سلامت و شفافیت مالی و اداری	کاهش تخلفات گمرکی	احصاء نقاط آسیب‌پذیر	٪۲۰	٪۴۰	٪۶۰	٪۸۰	٪۱۰۰
	ارتقاء سلامت اداری	NA	NA	NA	NA	NA	
۵. ارتقاء هم‌افزایی درون سازمانی و همکاری فراسازمانی	تعداد تفاهم‌نامه بین‌المللی	۲۰ تفاهم‌نامه	۲۰	۲۷	۳۲	۳۷	۴۲
	تعداد تفاهم‌نامه با کشورهای همسایه	دو تفاهم‌نامه	۲	۴	۶	۸	۹
	افزایش تعداد دروازه مشترک با کشورهای همسایه	۲ دروازه مشترک	۲	۴	۶	۸	۹
۶. ایجاد و یکپارچه‌سازی سامانه‌های مدیریتی و عملیاتی	تعداد تفاهم‌نامه با سازمان‌های هم‌جوار	سه تفاهم	۳	۵	۷	۹	۱۲
	استقرار سیستم یکپارچه امور گمرکی	٪۳۰	٪۴۵	٪۵۵	٪۶۵	٪۱۰۰	
۷. توسعه هدفمند سرمایه‌های انسانی و سازمانی	افزایش نسبت تعداد اظهارنامه‌های از راه دور به کل اظهارنامه‌ها	٪۲۵	٪۸۵	٪۱۰۰	-	-	
	افزایش تعداد اسناد الکترونیکی ضمیمه اظهارنامه	۰	۴	۷	-	-	
افزایش رضایت کارکنان	افزایش سرانه آموزش‌های تخصصی	۶۰ نفر ساعت	۶۰	۷۰	۸۰	۹۰	۱۰۰
	افزایش رضایت کارکنان	٪۴۶	٪۵۵	٪۶۰	٪۶۵	٪۷۰	



اجرای مدیریت ریسک

یکی از پایه‌های گمرک مدرن اطلاعات است. اگر ادارات گمرکی بتوانند از داده‌های سیستم‌های اطلاعاتی موجود و یا داده‌های سازمان‌های داخلی یا خارجی مرتبط با تجارت فرامرزی به خوبی استفاده کنند، آنگاه بجای بازرسی تمامی محموله‌های وارده درصد بسیار کمی را کنترل خواهند نمود. کنترل سنتی کالا در هنگام ورود به کشور نتیجه‌ای جز افزایش هزینه‌ها و اتلاف زمان ترخیص به همراه نخواهد داشت و از طرفی از عهده این سازمان خارج است. یکی از رویکردهای گذر از گمرک سنتی به گمرک مدرن استفاده از سیستم‌های مدیریت ریسک در گمرکات است. اینکه در هنگام ورود محموله به مرز چه اطلاعاتی از محموله (بارنامه، کشور تولیدکننده، صاحب کالا و قوانین مربوط و سایر اطلاعات مؤثر ترخیص کالا) و در چه زمانی باید در دسترس باشد و بتوان به وسیله تکنیک‌های مختلف توسط سیستم‌های مدیریت ریسک، خطر محموله موردنظر را ارزیابی کرد از جمله چالش‌های پیش رو گمرک، نه تنها در ایران بلکه در بسیاری از کشورها می‌باشد. سازمان جهانی گمرک (WCO) در قالب کنوانسیون تجدیدنظر شده کیوتو (دستورالعمل‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات) تلاش می‌نماید با گسترش استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات بین کشورهای عضو، استفاده از مدیریت ریسک را افزایش داده و ضمن محدود کردن بازرسی‌های فیزیکی گامی بلند در جهت تحقق روان‌سازی تجارت بین‌المللی بردارد.

در همین راستا به دلیل غیرممکن بودن بازرسی صد درصد محموله‌ها و نیاز به تسریع هرچه بیشتر تبادل کالا، گمرک ایران بر پایه اعتماد عمل کرده و با اعمال مدیریت ریسک، بازرسی‌ها و اقدامات کنترلی را تنها بر بخشی از محموله‌ها، که خطر تخطی آن‌ها از قوانین بیشتر است، محدود کرده است. در این روش معیارهایی از جمله سابقه حرفه‌ای تاجر، نوع کالا، کشور مبدأ و یا مقصد تعیین می‌شوند و با برخی تکنیک‌های ریاضی مسیر کالا مشخص می‌شود. در سیستم مدیریت ریسک گمرک ایران سه مسیر سبز، زرد و قرمز در نظر گرفته شده است که با توجه به قرارگیری محموله مورد نظر در هر کدام از مسیرها اقدامات کنترلی و ارزیابی متفاوتی صورت خواهد گرفت. در مسیر سبز معمولاً محموله‌هایی قرار می‌گیرند که مکرراً انتقال می‌یابند، استانداردها و یا قوانین خاصی بر نوع

استقرار سامانه‌ی یکپارچه‌ی امور گمرکی

استقرار سامانه یکپارچه امور گمرکی (ICCS) یکی از مهم‌ترین اقدامات صورت گرفته در راستای راهبرد «ایجاد و یکپارچه‌سازی سامانه‌های مدیریتی و عملیاتی» برنامه راهبردی گمرک و قانون امور گمرکی مصوب دی‌ماه ۱۳۹۰ در سال ۱۳۹۳ است که سازمان گمرک مسئول ایجاد هماهنگی بین سازمان‌های ذی‌مدخل می‌باشد.

از جمله‌ی مهم‌ترین مزیت‌های این سامانه، اظهار از راه دور صاحبان کالا است که بر اساس آن تجار می‌توانند از هر محلی که به اینترنت دسترسی داشته باشند کالای خود را به گمرک اظهار کنند. این سامانه در گمرک کرمان و همزمان در گمرکات تابعه شامل رفسنجان، بم و سیرجان راه‌اندازی شده که به واسطه آن تمام عملیات گمرکی الکترونیکی شده و حتی اسناد هم به صورت اسکن شده و الکترونیکی از صاحبان کالا دریافت می‌شود و این امکان فراهم شده که صاحبان کالا بدون مراجعه به گمرک کالای خود را ترخیص کرده و روانه‌ی مرز کنند. ایجاد و استقرار این سامانه از مرحله برنامه‌نویسی و نصب تا پشتیبانی، تماماً توسط متخصصان بومی انجام شده است. این سیستم علاوه بر رعایت الزامات قانونی، مقرراتی و عملیاتی داخلی توصیه‌های سازمان جهانی گمرک را نیز عملیاتی می‌کند.

* به دلیل غیرممکن بودن بازرسی صد درصد محموله‌ها و نیاز به تسریع هرچه بیشتر تبادل کالا، گمرک ایران بر پایه اعتماد عمل کرده و با اعمال مدیریت ریسک، بازرسی‌ها و اقدامات کنترلی را تنها بر بخشی از محموله‌ها، که خطر تخطی آن‌ها از قوانین بیشتر است، محدود کرده است.

* گروه اول حمایت‌ها به منظور پوشش مشکل عدم نقدینگی بنگاه‌های اقتصادی و به خصوص تولیدی است؛ زیرا طبق تحقیقات به عمل آمده در مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق کرمان و نیز گزارشات مجلس و بانک جهانی یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که بنگاه‌های اقتصادی در کرمان و ایران با آن روبرو هستند کمبود نقدینگی است.

می‌توانند به تشخیص وزارت صنعت، معدن و تجارت از معافیت‌های پرداخت حقوق ورودی برخوردار شوند.

۴) **استرداد حقوق ورودی مواد اولیه و تجهیزات وارداتی واحدهای تولیدی:** واحدهای تولیدی که برای صادرات کالاهای تولیدی، مواد اولیه و تجهیزات وارد می‌نمایند، مطابق مقررات مربوطه می‌توانند نسبت به دریافت حقوق ورودی پرداخت شده برای مواد اولیه و تجهیزات بکار رفته در صادرات خود اقدام نمایند.

۵) **اخذ تضمین بیمه‌ای:** پذیرش بیمه‌نامه به‌عنوان تضمین درخصوص رویه‌های گمرکی مانند ترانزیت داخلی برای واحدهای تولیدی.

گروه دوم حمایت‌ها در جهت تسهیل انجام تشریفات گمرکی به منظور کاهش زمان صادرات و واردات واحدهای تولیدی هستند؛ که شالوده این حمایت‌ها بر پایه اعتماد است که با اجرای مدیریت ریسک امور کنترلی ایفا می‌شود. این اقدامات به شرح زیر می‌باشند:

۱) **ایجاد سرویس ارزیابی ویژه برای واحدهای تولیدی**
۲) **اولویت در ایجاد انبارهای اختصاصی برای واحدهای تولیدی:** واحدهای تولیدی می‌توانند کالاهای وارداتی واسطه‌ای خود را بدون پرداخت حق ورودی و معطلی در مبادی ورودی به

کالاهای آن‌ها حاکم نیست و همچنین امکان تقلب تاجر در این محموله‌ها حداقل میزان خود است، به طور خلاصه بهترین وضعیت پارامترهای تعیین‌شده برای این محموله‌ها احراز شده است. در چنین وضعیتی بازرسی‌ها در حداقل خود و یا صفر است. بدترین وضعیت نیز برای مسیر قرمز متصور شده است که محموله‌های این مسیر مورد بازرسی‌های مختلف فیزیکی قرار می‌گیرند. طراحی درست و اجرای سیستم مدیریت ریسک به تسریع حداکثری امور گمرکی، با تقبل حداقل ریسک و با توجه به امکانات و وضعیت موجود گمرک، کمک خواهد کرد.

بسته‌های حمایت از تولید گمرک

سازمان گمرک علاوه بر اقدامات صورت گرفته و در درست انجام در راستای برنامه راهبردی مدون سازمان گمرک، برخی خدمات حمایتی را نیز در قالب بسته حمایت از تولید برای فعالان اقتصادی فراهم آورده است که در دو دسته کلی شامل «اعطای تسهیلات در پرداخت حقوق ورودی» و «تسهیل و انجام تشریفات گمرکی» قرار می‌گیرند.

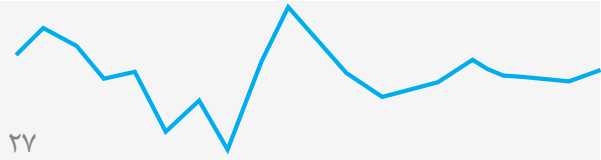
گروه اول حمایت‌ها به منظور پوشش مشکل عدم نقدینگی بنگاه‌های اقتصادی و به‌خصوص تولیدی است؛ زیرا طبق تحقیقات به‌عمل آمده در مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق کرمان و نیز گزارشات مجلس و بانک جهانی یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که بنگاه‌های اقتصادی در کرمان و ایران با آن روبرو هستند کمبود نقدینگی است. لذا سازمان گمرک تمهیداتی در قالب موارد زیر با رعایت مقررات و ضوابط جاری ارائه نموده است.

۱) **ترخیص کالا با اخذ ضمانت‌نامه بانکی:** با درخواست صاحب کالا و یا نماینده قانونی وی ضمانت‌نامه تجمیعی تا سقف پنجاه میلیارد ریال و حداکثر برای تعداد ده فقره اظهارنامه قابل پذیرش است.

۲) **ترخیص نسبیہ قطعات و مواد اولیه:** ترخیص مواد اولیه و قطعات مورد نیاز واحدهای تولیدی به‌صورت نسبیہ و بدون پرداخت حقوق ورودی با نگهداری بخشی از کالا حداقل به میزان حقوق ورودی کالای ترخیصی به‌عنوان وثیقه که پس از تأییدیه حقوق ورودی در مهلت مقرر، کالای وثیقه نزد گمرک، ترخیص می‌شود.

۳) **معافیت ماشین‌آلات تولید از پرداخت حقوق ورودی:** واحدهای تولیدی مجاز، برای ورود ماشین‌آلات خط تولید

پیش از اجرای سامانه یکپارچه امور گمرکی، با توجه به طولانی‌بودن زمان ماندگاری کالا در گمرک، گمرک ایران از نظر شاخص عملکرد لجستیک سازمان جهانی گمرک در اواخر دولت دهم دارای رتبه ۱۰۳ و در سال ۹۲ دارای رتبه ۱۲۶ بود، این در حالی است که گمرک ایران در اواخر دولت هشتم دارای رتبه ۵ در این شاخص بوده است. در حال حاضر (ابتدای سال ۹۴) با اقدامات صورت گرفته ایران در رتبه ۶۳ سازمان جهانی گمرک قرار گرفته است که این مهم فراتر از اهداف کمی برنامه راهبردی می‌باشد.



۷) انجام تشریفات «ارزیابی در محل» کالاهای صادراتی بدون محدودیت زمانی و مکانی: این امکان برای واحدهای متقاضی انجام تشریفات ارزیابی محصولات صادراتی خود در محل انبار و یا واحد تولید خود با رعایت مقررات مربوطه حتی در ایام تعطیل و خارج از وقت اداری امکان‌پذیر است. در سال ۹۳ بیش از ۵۰ درصد کالاهای صادراتی استان کرمان بدون ورود به گمرک، پس از ارزیابی در محل به مقصد مورد نظر حمل شدند.

۸) اختصاص مسیر یا درب خروج مرزی ویژه برای صادرات: تفکیک درب‌های خروج مرزی صادرات از سایر مسیرها از جمله ترانزیت خصوصاً در گمرکاتی که دارای فعالیت بالائی بوده و بعضاً منجر به صف طولانی کامیون‌های حامل اقلام صادراتی می‌شود.

۹) پذیرش نمونه‌های صادرات واحدهای تولیدی: در صورتی که تشریفات صادراتی واحد تولیدی در گمرک ذیربط، در گذشته انجام شده باشد و نظر آزمایشگاه در خصوص ماهیت کالای صادراتی اخذ شده باشد، با رعایت مقررات مربوطه، نیازی به ارسال مجدد نمونه محموله صادراتی واحد تولیدی به آزمایشگاه نبوده و سابقه یاد شده مورد پذیرش است.

۱۰) ارائه تسهیلات برای کامیون‌های حامل کالاهای صادراتی واحدهای تولیدی: اگر کالاهای صادراتی واحدهای تولیدی در کامیون‌های معمولی مشروط بر اینکه مشمول اخذ مجوز و یا عوارض صادراتی نباشند و سابقه تخلفاتی نیز نداشته باشند با تشخیص مدیرکل گمرک اجرائی، بلامانع است.

۱۱) رسیدگی خارج از نوبت به ارزش اظهارنامه‌های واحدهای تولیدی و فعالان اقتصادی خوش‌نام

همچنین لازم به ذکر است با اجرای روش حمل به صورت یکسره، یعنی انجام ارزیابی و تشریفات گمرکی روی کامیون و بدون تخلیه بار، باعث کاهش هزینه صاحبان کالا و تسریع انجام امور گمرکی شده است. حدود ۴۰ درصد محموله‌های استان کرمان در سال ۹۳ از این طریق توسط گمرک ارزیابی شدند.

دستاوردهای اقدامات صورت گرفته در گمرک

• بهبود رتبه گمرک ایران در شاخص‌های بین‌المللی: دو مرجع معتبر بین‌المللی در حوزه رصد محیط کسب و کار در حوزه تجارت فرامرزی فعالیت می‌کنند که عبارتند از: سازمان جهانی گمرک که به طور خاص بر وضعیت خدمت‌رسانی گمرک کشورها در سرتاسر

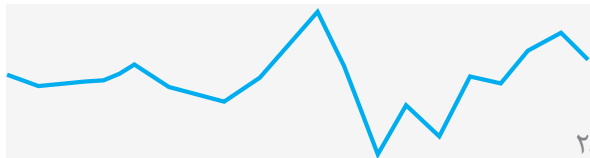
انبارهای اختصاصی خود انتقال داده و سپس تشریفات گمرکی را انجام دهند. تاکنون اداره گمرک کرمان با ایجاد انبار اختصاصی برای ۱۶ شرکت از جمله: کرمان تابلو، روغن نباتی گلنار، جهان فولاد سیرجان و صنایع آلومینیم هزار، موافقت نموده که در حال اجرا می‌باشند.

۳) کاهش برخی مراحل ترخیص مواد اولیه واحدهای تولیدی: در مواردی که واحدهای تولید دارای سابقه اختلافی برای واردات مواد اولیه مورد نیاز خود نباشند و همچنین سابقه ورود همان مواد از طریق همان گمرک را داشته باشد و آزمایشگاه، ماهیت مواد اولیه اظهاری را تأیید نماید، نیازی به ارسال مکرر نمونه به آزمایشگاه موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران نیست.

۴) هدایت اظهارنامه‌های وارداتی واحدهای تولیدی و صادرکنندگان نمونه به مسیرهای سبز و زرد: اظهارنامه‌های وارداتی واحدهای تولیدی خوش حساب و یا دارندگان کارت بازرگانی طلایی، با اعمال نظارت لازم و تعریف معیارهای مربوطه به مسیرهای سبز و زرد سیستم انتخاب مسیر (Selectivity) هدایت می‌شوند. همچنین اظهارنامه‌های صادراتی متعلق به صادرکنندگان نمونه کشوری نیز به مسیرهای سبز و زرد سیستم انتخاب مسیر هدایت می‌شوند.

۵) ترخیص بدون وقفه کالاهای وارداتی واحدهای تولیدی و فعالان اقتصادی خوش‌نام معرفی شده: بر اساس تفاهم‌نامه مبادله شده با سازمان استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، واحدهای معرفی شده توسط این سازمان بدون وقفه زمانی می‌توانند کالاهای خود را از مبادی ورودی انتقال دهند و همچنین واحدهایی که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی معرفی می‌کند نیز با رعایت مقررات مربوطه، نیازی به اخذ مجوز موردی ندارند؛ بنابراین واحدهای تولیدی و فعالان اقتصادی خوش‌نام که فهرست آن‌ها توسط گمرک ایران اعلام شده است می‌توانند با مراجعه به سازمان استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران و همچنین وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی جزء این گروه از متقاضیان قرار گیرند.

۶) صدور حکم مجوز خروج برای کالاهای مورد نیاز فوری: برای کالاهای مورد نیاز فوری اعم از دولتی یا غیردولتی با اجازه رئیس کل گمرک ایران و تعهد بالاترین مقام وزارتخانه یا موسسه دولتی مرتبط و با محاسبه وجوه متعلقه و رعایت مفاد ماده ۳۱ قانون امور گمرکی با صدور حکم، مجوز خروج صادر می‌شود.



کمی برنامه راهبردی می باشد.

ایجاد پنجره واحد تجاری: در خصوص واردات و صادرات کالاهای مختلف سازمان های زیادی که از گمرک مجزا هستند باید نظر دهند، برای تسریع در این امر ارگان های مربوطه می توانند خدمات خود را روی این سامانه ارائه کنند. هرچند ایجاد پنجره واحد تجاری تاکنون عملیاتی نشده است و نمی توان آن را در زمره دستاوردهای گمرک برشمرد، اما در برنامه ریزی و طراحی های صورت گرفته بدان توجه شده و با هماهنگی کامل سایر سازمان های مربوطه به زودی اجرایی خواهد شد. بحث پنجره واحد تجاری موضوعی جدید نیست بلکه از اواخر دهه ۷۰ مدنظر می باشد. این مهم به دلایل مختلف در آن دوره عملیاتی نشد تا اینکه با تصویب قانون امور گمرک در سال ۹۰ و جاهت قانونی به خود گرفت و سایر سازمان ها ملزم به همکاری با گمرک برای راه اندازی آن شدند. همچنین، در قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقاء نظام مالی کشور مصوب سال ۹۴ نیز بر وظایف گمرک و دستگاه های اجرایی مرتبط برای راه اندازی و استقرار پنجره واحد تجارت با رعایت کلیات قانون امور گمرک مصوب سال ۹۰ تأکید شده است. بر اساس سند راهبردی گمرک، پنجره ی واحد تجاری در سال ۹۴ باید صد درصد اجرایی شود که در کرمان کار از سال ۹۳ آغاز شده و در سال ۹۴ به طور کامل در استان اجرا خواهد شد.

• **کاهش فساد و تخلفات اداری:** عدم مراجعه حضوری متقاضی و عدم توانایی دخل و تصرف و برخوردهای سلیقه ای در بسیاری از امور گمرکی، امکان پیگیری بهتر امور و همچنین انجام بسیاری امور به صورت مکانیزه کاهش فساد و تخلفات اداری را به دنبال خواهد داشت.

• **کوتاه شدن فرایند کار و حذف ایستگاه های تشریفات:** استاندار دسزای فرآیندهای کاری با حذف، ادغام، موازی سازی و چینش بهینه ایستگاه ها باعث روان شدن امور و تسریع در تشریفات گمرکی شده است. همچنین کاهش مراجعات حضوری نیز باعث می شود حجم قابل توجهی نفر ساعت منابع انسانی سازمان آزاد شوند.

• **امکان پیگیری فرایند اظهار نامه:** صادر کننده می تواند مراحل کار را تا رسیدن کالا به مرز رصد کند و حتی با کارشناس مربوط تبادل نظر نیز داشته باشد.

• **کاهش مدت زمان ماندگاری کالا:** شاید بتوان تأثیر

دنیا تمرکز می کند و واحد پایش محیط کسب و کار بانک جهانی که در پایش محیط کسب و کار اقتصادهای دنیا وضعیت تجارت فرامرزی؛ که شامل گمرک ها نیز می شود؛ را در بررسی جامع محیط کسب و کار رصد می کند. شاخص های عملکرد لجستیک و تجارت فرامرزی سنجه هایی هستند که به ترتیب این دو سازمان برای این مهم بکار می برند. شاخص عملکرد لجستیک سازمان جهانی گمرک، عملکرد گمرک کشورها را در ۶ زمینه که مهم ترین ابعاد لجستیک تجاری را نشان می دهند، اندازه گیری می کند. این ۶ مؤلفه عبارت است از:

(۱) کارآمدی فرایند ترخیص گمرکی

(۲) کیفیت زیرساخت های تجارت و حمل و نقل

(۳) سهولت انجام حمل و نقل با قیمت رقابتی

(۴) ظرفیت و کیفیت خدمات

(۵) امکان ردیابی یا ردگیری محموله ها

(۶) میزان تحویل به موقع محموله ها

این مؤلفه ها شامل مسائل سنتی شامل رویه های گمرکی و کیفیت زیرساختها تا مسائل جدید شامل ردگیری محموله ها، تحویل به موقع محموله ها و کیفیت لجستیک داخلی می شوند. بررسی لجستیک تجاری از دو بخش عمده تشکیل می شود که بر دو دیدگاه بین المللی و داخلی مبتنی است. عملکرد لجستیک تجاری جهانی نشانگر ارزشیابی کیفی یک کشور در ۶ حوزه مذکور به وسیله شرکای تجاری آن کشور - دست اندرکاران لجستیک در خارج از آن کشور - است. عملکرد لجستیک داخلی نشانگر ارزیابی کیفی و کمی یک کشور به وسیله دست اندرکاران لجستیک در داخل آن کشور است (اطلاعات مفصل تری درباره محیط لجستیک، فرایندهای محوری لجستیک، نهادها و زمان و هزینه لجستیک).

پیش از اجرای سامانه یکپارچه امور گمرکی، با توجه به طولانی بودن زمان ماندگاری کالا در گمرک، گمرک ایران از نظر شاخص عملکرد لجستیک سازمان جهانی گمرک در اواخر دولت دهم دارای رتبه ۱۰۳ و در سال ۹۲ دارای رتبه ۱۲۶ بود، این در حالی است که گمرک ایران در اواخر دولت هشتم دارای رتبه ۵ در این شاخص بوده است. در حال حاضر (ابتدای سال ۹۴) به گفته مقامات گمرک ایران با اقدامات صورت گرفته، ایران در رتبه ۶۳ سازمان جهانی گمرک قرار گرفته است که این مهم فراتر از اهداف



می‌توان در ساختار شاخص تجارت فرامرزی بانک جهانی به خوبی مشاهده کرد.

شاخص تجارت فرامرزی واحد پایش محیط کسب‌وکار بانک جهانی وضعیت تجارت فرامرزی اقتصادها را به صورت کل و نه خاص سازمان گمرک بررسی می‌کند. این شاخص از شش مؤلفه که سه مورد آن مربوط به صادرات و سه مورد مربوط به واردات هستند، تشکیل شده است که عبارتند از:

- (۱) زمان لازم برای صادرات - واردات (روز)،
- (۲) تعداد اسناد مورد نیاز برای صادرات - واردات،
- (۳) هزینه لازم برای صادرات - واردات (هزینه برای هر کانتینر بر حسب دلار آمریکا).

برای ایجاد قابلیت مقایسه اقتصادها با یکدیگر بانک جهانی مورد استاندارد را تعریف می‌کند و مؤلفه‌های یادآور را بر اساس موارد استاندارد اندازه‌گیری می‌کند. در حوزه تجارت فرامرزی، بانک جهانی محیط حاکم بر صادرات و واردات کالاهایی با ویژگی‌های زیر را بررسی می‌نماید.

- (۱) خطرناک نبوده و حاوی اقلام نظامی نیست،
- (۲) به محیط سردخانه‌ای و یا هر محیط خاص دیگری نیاز ندارد،
- (۳) فارغ از استانداردهای بین‌المللی پذیرفته شده و نیازمند محیط امن گلخانه‌ای و زیست محیطی نیست،
- (۴) یکی از مهم‌ترین محموله‌های صادراتی و وارداتی کشور است،
- (۵) به صورت محموله خشک جابجا شده و در یک کانتینر ۲۰ فوتی و پر، حمل می‌شود؛ ۱۰ تن وزن دارد و ارزش تجاری آن ۲۰ هزار دلار آمریکا است.

همچنین شرکتی که مبدأ یا مقصد این محموله است در تهران مستقر می‌باشد و حمل و نقل این کالا از طریق دریا و بزرگ‌ترین بندر آن انجام می‌شود.

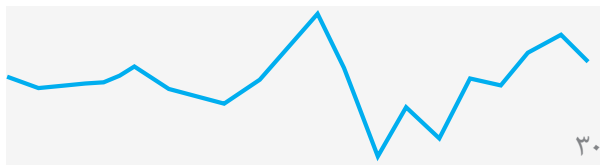
اندازه شرکت متوسط است و ۶۰ کارمند دارد، خصوصی با مسئولیت محدود است و تحت مالکیت اتباع آن کشور می‌باشد و در منطقه حاشیه بزرگ‌ترین شهر (تهران) مستقر است. طبق گزارش‌های بانک جهانی، ایران در شاخص تجارت فرامرزی رتبه ۱۵۳ در سال ۲۰۱۴ و ۱۴۸ در سال ۲۰۱۵ را دارا است؛ که زمان و هزینه صادرات و واردات برای محموله‌های مفروض در سال ۲۰۱۵ به ترتیب مطابق جدول‌های (۲) و (۳) هستند.

دستاوردهای ذکرشده را در کاهش زمان ماندگاری کالا مشاهده کرد. این زمان در صادرات از یک هفته به کمتر از یک روز و حدود سه ساعت و در واردات از ۲۷ روز به یک روز در سال ۹۳ کاهش پیدا کرده است. طولانی‌تر بودن مدت‌زمان ماندگاری کالا در واردات به دلیل تعداد مجوزهای بیشتری است که باید از سازمان‌های مختلف اخذ شود و هماهنگ نبودن این سازمان‌ها بر مدت‌زمان ماندگاری کالا می‌افزاید؛ لازم به ذکر است که زمان‌های مطرح شده در صورتی است که مجوزهای مربوطه از سازمان‌های مرتبط گرفته شده باشد و صرفاً بیانگر زمان سپری شده برای اظهار و تشریفات در گمرک است.

• **بهبود تراز تجاری استان:** به واسطه بهبودهای قابل توجهی که در سال ۹۳ در محیط تجارت فرامرزی به خصوص در حوزه تشریفات گمرکی صورت گرفته است تراز تجاری استان رشد محسوسی داشته است، چراکه میزان صادرات سال گذشته استان کرمان یک میلیارد و ۱۶۶ میلیون دلار و واردات ۷۱۹ میلیون دلار بود که بیانگر افزایش ۴۷ درصدی ارزش دلاری صادرات و ۶۶ درصدی ارزش دلاری واردات نسبت به سال ۹۲ است که افزایش ۱۱۱ درصدی درآمد گمرکات کرمان را به دنبال داشته است. همچنین لازم به ذکر است که کالاهای وارداتی عمدتاً دستگاه‌های خط تولید کارخانجات، مواد اولیه‌ی کارخانجات و ابزار و قطعات خودرو بوده و کالاهای مصرفی حتی یک درصد واردات استان را شامل نمی‌شود.

مشکلات پیش رو بهبود محیط کسب‌وکار حوزه تجارت فرامرزی

فراگیر و گسترده بودن حوزه تجارت فرامرزی: هر چند سازمان گمرک متولی تجارت فرامرزی و هسته مرکزی این فرآیند است اما حوزه تجارت فرامرزی بسیار گسترده بوده و سازمان‌ها و نهادهای بسیاری از وزارت کشاورزی تا وزارت بهداشت در آن نقش‌آفرینی می‌کنند. این موضوع سبب شده تغییر و اصلاح این حوزه در بسیاری از موارد از حیث اختیارات سازمان گمرک خارج شود که این موضوع نقش هماهنگ‌کننده گمرک را پررنگ می‌کند؛ بنابراین نیاز به برنامه‌ریزی و اقدامات فراسازمانی است که سبب زمان‌بر بودن و پیچیده بودن وظایف گمرک به‌عنوان متولی بهبود محیط کسب‌وکار در حوزه تجارت فرامرزی می‌شود که این موضوع را



جدول (۲): رویه صادرات در ایران بر اساس گزارش سال ۲۰۱۵ بانک جهانی

نام رویه	زمان (روز)	هزینه (دلار بر کانتینر)
آماده سازی اسناد	۱۲	۲۷۰
ترخیص گمرکی و کنترل های فنی	۲	۱۷۵
جابجایی در بنادر و پایانه ها	۴	۲۲۵
جابجایی و حمل و نقل زمینی	۷	۶۸۰
مجموع	۲۵	۱۳۵۰

جدول (۳): رویه واردات در ایران بر اساس گزارش سال ۲۰۱۵ بانک جهانی

نام رویه	زمان (روز)	هزینه (دلار بر کانتینر)
آماده سازی اسناد	۲۴	۳۳۰
ترخیص گمرکی و کنترل های فنی	۲	۲۲۰
جابجایی در بنادر و پایانه ها	۵	۲۵۰
جابجایی و حمل و نقل زمینی	۶	۷۵۵
مجموع	۳۷	۱۵۵۵

این رویه از زمان و هزینه صادرات و واردات بر اساس جدول (۴) در ایران بسیار کم می باشد، بنابراین هر اندازه بهبود در این رویه توسط گمرک ایران انجام شود، کافی نیست و باید سایر رویه ها نیز مورد توجه و بهبود قرار گیرند و شاید به جرأت بتوان گفت: تنها راه بهبود این شاخص تمرکز بر سایر رویه ها است. در این بین رویه آماده سازی اسناد هم در صادرات و هم در واردات بیشترین سهم زمانی و نیز سهم هزینه ای قابل توجهی از فرآیند صادرات و واردات را دارد. شناسایی و حذف مجوزها و اسناد غیر ضروری، استفاده از تکنولوژی فناوری اطلاعات و ارتباطات برای تسهیل و تسریع ارتباطات و اشتراک اطلاعات و افزایش هماهنگی های بین سازمانی از جمله مواردی هستند که می تواند به بهبود رویه آماده سازی اسناد کمک کند. البته سازمان گمرک با استقرار سامانه یکپارچه امور گمرک تا حدی به این مهم دست یافته است اما با راه اندازی کامل پنجره واحد تجاری این اقدام کامل خواهد شد.

طبق گزارشات سال های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ بانک جهانی زمان و هزینه هیچ کدام از رویه های صادرات و واردات در جداول (۲) و (۳) تغییر نکرده است به جز هزینه جابجایی و حمل و نقل زمینی که هم در صادرات و هم در واردات به ترتیب از مقادیر ۸۰۰ و ۱۳۰۰ دلار در سال ۲۰۱۴ به مقادیر ۶۸۰ و ۷۵۵ کاهش پیدا کرده اند؛ و نیز تعداد اسناد واردات در سال ۲۰۱۵ از ۱۰ سند به ۱۱ سند افزایش پیدا کرده است. بنابراین بدیهی بدون ثبت بهبود قابل توجه در رویه های صادرات و واردات بهبود رتبه شاخص تجارت فرامرزی را شاهد نباشیم؛ اما سؤالی که مطرح می شود این است که؛ چرا اقدامات مهمی که سازمان گمرک در حوزه تجارت فرامرزی انجام داده است در رتبه شاخص تجارت فرامرزی بانک جهانی انعکاس داده نشده؟ و بهبودی در این حوزه شاهد نیستیم؟ اول اینکه همان طور که از جداول های (۲) و (۳) محرز است ترخیص گمرکی و کنترل های فنی یکی از رویه های صادرات و واردات است که سهم

جدول (۴): سهم زمانی و هزینه ای رویه های ترخیص گمرکی و کنترل های فنی و آماده سازی اسناد از فرآیند صادرات و واردات در ایران بر اساس گزارش سال ۲۰۱۵ بانک جهانی

فرآیند	ترخیص گمرکی و کنترل های فنی		آماده سازی اسناد	
	سهم زمانی (درصد)	سهم هزینه ای (درصد)	سهم زمانی (درصد)	سهم هزینه ای (درصد)
صادرات	۸	۱۳	۴۸	۲۷
واردات	۵	۱۴	۶۵	۲۱



نباشد کمتر نیز نیست. در نتیجه، گمرک باید در تصمیم‌گیری‌ها نقش داشته باشد و حداقل در این موارد باید از نظرهای تخصصی آن استفاده شود تا شاهد کاهش قاچاق و افزایش تجارت قانونی باشیم.

عدم استقبال از گمرکات استان: برخی شرکت‌های داخل استان بخصوص شرکت‌های بزرگ، تشریفات گمرکی کالاهای خود را در گمرکات خارج از استان انجام می‌دهند، به عبارتی دیگر صادرات استان بسیار بیشتر از میزانی است که توسط گمرکات استان ثبت شده است. شاید یکی از دلایل این موضوع مزیت سایر گمرکات نسبت به گمرکات استان در زمینه سهولت تشریفات گمرکی و یا هرگونه امکاناتی است که برای روان‌سازی تبادل کالا ارائه می‌دهند. البته این مزیت در سال گذشته برای استان کرمان نیز فراهم شده است و باید به خوبی اطلاع‌رسانی شود. دلیل ذکر شده از آنجایی می‌تواند معتبر باشد که به نظر می‌رسد عمده رشد صادرات و واردات استان در سال گذشته نیز به دلیل تغییر تصمیم برخی تجار در مورد انتخاب محل گمرک بوده و نه رشد واقعی تجارت فرامرزی استان.

البته در سطح کلان این موضوع تفاوتی ایجاد نمی‌کند اما عدم ثبت آمار و اطلاعات واقعی، موجبات انجام تحلیلهای درست کارشناسی از وضعیت تجاری استان را فراهم نمیکنند. به‌ویژه اگر این شرکت‌ها واردات خود را از طریق گمرکات استان انجام دهند، ارزش افزوده و حقوق عوارضی نصیب استان کرمان خواهد شد.

کارت‌های بازرگانی نامعتبر: یکی از مشکلات اصلی گمرک عدم اعتبار تعداد زیادی از کارت‌های بازرگانی است که در اختیار تجار می‌باشد، البته منظور از عدم اعتبار در این مبحث نه انقضای زمانی بلکه عدم شایستگی حرفه‌ای تاجر و یا عدم انطباق اطلاعات دارنده کارت با تاجر است. اداره گمرک این نوع کارت‌ها را کارت‌های بازرگانی یک‌بار مصرف تعبیر می‌کند. صدور کارت بازرگانی بدون پایش مناسب شایستگی حرفه‌ای تجار مشکلاتی از قبیل فرار مالیاتی، بدهی معوق به گمرک، نقض قوانین و غیره را افزایش می‌دهد، به‌گونه‌ای که هم اکنون بزرگ‌ترین بدهی‌های معوق به گمرک مربوط به تجاری است که از کارت‌های سایر افرادی استفاده می‌کنند که نه هیچ‌گونه اطلاعاتی از تجارت دارند و یا اصلاً در حوزه تجارت وارد نشده‌اند. لذا، لازم است در مرحله‌ی صدور کارت بازرگانی، تمهیداتی توسط اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی

همچنین بانک جهانی زمانی تغییرات صورت گرفته جهت بهبود محیط کسب‌وکار اقتصادها را در بررسی‌های سالانه خود لحاظ می‌کند که تغییرات توسط فعالان اقتصادی درک شوند و عملاً تأثیر تغییرات صورت گرفته را ببینند.

بنابراین تأخیر زمانی در ثبت اقدامات اصلاحی صورت گرفته توسط سازمان گمرک طبیعی است و نمی‌توان دلیل عدم بهبود در شاخص تجارت فرامرزی را کارا نبودن برنامه‌های بهبود قلمداد کرد. از طرفی انتقادهایی به صحت اطلاعات ثبت شده توسط بانک جهانی وارد است که باید این موضوع توسط سازمان‌های ذی‌ربط پیگیری شود. در این نوشتار مجال پرداختن به موضوع راستی‌آزمایی شاخص تجارت فرامرزی بانک جهانی نیست و در سایر گزارش‌ها به طور مفصل در مورد آن بحث خواهد شد.

سیاست‌گذاری منزوی: همان طور که اشاره شد حوزه تجارت فرامرزی حوزه‌ای چند بعدی است و هماهنگی فراسازمانی امری ضروری در بهبود آن می‌باشد. از طرفی نقش‌آفرینی گمرک در همه عرصه‌های تجارت فرامرزی و تجارت کالا در همه بخش‌های اقتصادی سبب شده این سازمان به جزء اصلی و غیر قابل انکار شبکه تجارت و اقتصاد کشورها تبدیل شود و شاید بتوان آن را متولی تجارت فرامرزی قلمداد کرد.

تعدد مراکز و سازمان‌هایی که برای گمرک تصمیم‌گیری می‌کنند، حجم بالا و متناقض بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌هایی که برای گمرک صادر می‌شود، عدم حضور گمرک در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به تجارت و بازرگانی مهم‌ترین مشکلات گمرک در ارتباط با فراسازمانی بودن امر تجارت فرامرزی است. در این بین می‌توان به عدم نقش‌آفرینی گمرک در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با تعیین تعرفه‌ها اشاره کرد. تعرفه‌های گمرکی تأثیر زیادی در رشد تجارت قانونی و منع قاچاق کالا دارند؛ به‌عنوان مثال تعرفه‌های بالا در مورد کالاهایی که توان تولید داخل کمتر از تقاضا است، انگیزه قاچاق را افزایش داده و همچنین تعرفه‌های پائین در مورد کالاهای رقابت‌پذیری که در داخل به میزان کافی تولید می‌شوند نیز نادرست است.

بنابراین به دلیل ماهیت کاری گمرک که اقدامات کنترلی و نظارتی بر مبادی ورودی و خروجی کالا از کشور را انجام می‌دهد، نتیجه اجرای بسیاری از سیاست‌ها و بخصوص سیاست‌ها مرتبط با تولید برای این سازمان اگر ملموس‌تر از سازمان یا وزارتخانه مرتبط



منابع

- [۱] قادر، محمدرضا، (بهار ۹۴)، مصاحبه با مرکز تحقیقات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان، فصلنامه پژوهش و بررسی های اقتصادی شماره ۹،
- [۲] برنامه راهبردی و عملیاتی گمرک جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۳۹۶، (۱۳۹۳)، معاونت برنامه ریزی و امور بین الملل دفتر برنامه ریزی و بهبود فرآیندهای گمرکی،
- [۳] بسته حمایتی گمرک جمهوری اسلامی ایران از تولید، (خرداد ۱۳۹۲)،
- [۴] محبوبنیا، حمیدرضا، (۱۳۹۳)، «بررسی سیستم های مدیریت ریسک با استفاده از داده کاوی در گمرک»، گمرک بندر انزلی،

[۵] www.khabaronline.ir/detail/282382

Economy/commerce

و سازمان صنعت، معدن و تجارت اندیشیده شود که این معضل به حداقل خود برسد.

هرچند هم اکنون نظام رتبه بندی کارت بازرگانی توسط اتاق بازرگانی ایران انجام می شود اما صدور کارت بازرگانی با رعایت توصیه های سایر ارگان ها و بخصوص گمرک باید ضابطه مندتر شود و به معیار استواری در مدیریت ریسک گمرک تبدیل شود. همچنین، با این اقدام تا حد زیادی از دغدغه های مهم ثقل در تجارت کاسته می شود و درصد قابل توجهی از مشکلات اقتصادی حل می شود. چراکه با ضابطه مند شدن صدور کارت بازرگانی، تجارت کالاهای تقلبی نیز کاهش پیدا می کند.

نتیجه گیری

گمرک در هر کشور به منزله درگاه تجارت فرامرزی قلمداد می شود، از این رو نقش مهمی در حوزه تجارت فرامرزی ایفا می کند، بنابراین لازم است از اطلاعات، نظرات و بازخوردهای این ارگان برای تدوین و اجرای برخی سیاست ها که متأثر از تجارت فرامرزی هستند استفاده شود. چراکه گمرک به صورت ملموس و عینی با تأثیر اجرای بسیاری از سیاست های مرتبط با تولید در ارتباط است؛ بنابراین تعامل حوزه سیاست گذاری و دستگاه های ذی ربط در تجارت فرامرزی با اداره گمرک بسیار مهم است.

هماهنگی بیشتر سایر سازمان های مرتبط با تجارت فرامرزی برای تسهیل این حوزه امری ضروری است، چراکه هر اندازه زمان تشریفات گمرکی کاهش یابد، اما می بینیم که زمان زیادی صرف سایر امور مثل آماده سازی اسناد می شود که از حیثه اختیارات گمرک خارج است، به طوری که طبق گزارش سال ۲۰۱۵ بانک جهانی در ایران تشریفات گمرکی صادرات مورد استاندارد ۲ روز به طول می انجامد در حالی که آماده سازی اسناد ۱۲ روز (البته طبق اظهارات اداره گمرک کرمان تشریفات گمرکی در این استان در صورت آماده بودن همه اسناد به طور متوسط در عرض ۳ ساعت انجام می شود). همچنین سایر ارگان های ذیربط از جمله اتاق بازرگانی می توانند با اتخاذ تمهیداتی از طریق کمک به تکامل و تزیق اطلاعات به مدیریت ریسک گمرک به تسهیل حوزه تجارت فرامرزی کمک کنند.





○ محمدرضا قادر

مدیر کل اداره کل گمرکات استان کرمان

اجرای سند راهبردی گمرک برای تسهیل و توسعه تجارت

چکیده

یکی از رویه های اصلی تجارت فرامرزی انجام تشریفات گمرکی است که توسط سازمان گمرک در هر کشوری انجام می شود، بنابراین این قسمت از شبکه لجستیک تجارت نقش مهمی در تسهیل تجارت، محیط کسب و کار و در نهایت رشد و توسعه اقتصادی فراهم می کند، از طرف دیگر تسهیل امر تجارت انگیزه مضاعفی برای فعالان اقتصادی جهت روی آوری به تجارت رسمی و قانونی است. در راستای این مهم، گمرک استان کرمان به دنبال برنامه بهبود سازمان گمرک ایران اقدامات قابل توجهی صورت داده است که پیرامون این موضوع در بهار ۹۴ مصاحبه ای با جناب آقای محمدرضا قادر مدیر کل گمرک استان کرمان انجام شده است.

مزیت دیگر این سامانه این است که ۲۰ سازمان دیگری که باید در خصوص واردات و صادرات کالاهای مختلف نظر دهند، می‌توانند خدمات خود را روی این سامانه ارایه کنند.

افزایش ساعات کاری و اداری نیز از مزیت‌های دیگر است. هرچه مراجعات کمتر و کارها بدون حضور ارباب رجوع و غیابی انجام شود، کارها بهتر انجام می‌شود؛ ضمن این‌که در سال گذشته شاهد کاهش فساد و تخلفات اداری نیز بودیم.

کوتاه‌شدن فرایند کار و حذف ایستگاه‌های تشریفات از دیگر مزیت‌های اجرای این سامانه بود، اما مهم‌ترین مزیت کاهش مدت زمان ماندگاری کالا بود که در صادرات از یک‌هفته به کمتر از یک روز و حدود سه ساعت و در واردات از ۲۷ روز به یک‌روز کاهش پیدا کرده است. طولانی‌بودن مدت‌زمان ماندگاری کالا در واردات به دلیل مجوزهایی است که باید از ۲۰ سازمان مختلف اخذ شود و هماهنگ‌نبودن این سازمان‌ها بر مدت‌زمان ماندگاری کالا می‌افزاید؛ بنابراین، اگر مجوزهای دیگر سازمان‌ها آماده باشد، کار اظهار و تشریفات در گمرک یک‌روزه انجام می‌شود.

در صادرات با اعمال مدیریت ریسک خیلی دغدغه‌ای در ارزیابی کالا نداریم و به همین دلیل در حالی که طبق اهداف راهبردی در سال ۹۶ باید ماندگاری کالا به دو ساعت کاهش پیدا می‌کرد، همین امسال به این مهم می‌رسیم؛ ضمن این‌که ماندگاری کالا در واردات هم برای سال ۹۶ یک‌روز پیش‌بینی شده که اکنون به آن دست یافته‌ایم.

مزیت دیگر این سامانه امکان پیگیری فرایند اظهارنامه است و صادرکننده می‌تواند مراحل کار را پیگیری کرده و حتی با کارشناس مربوط تبادل نظر داشته باشد و همچنین می‌تواند کالا را تا رسیدن به مرز رصد کند.

تأثیر گمرک در بهبود فضای کسب و کار

اجرای این سیستم نقش زیادی در ترغیب افرادی که از صادرات دل‌سرد شده بودند ایفا کرد که میزان صادرات سال گذشته‌ی استان کرمان حکایت از این دارد که گمرک چقدر توانسته در بهبود فضای کسب و کار موثر باشد.

سال گذشته سال پربراری برای گمرک استان کرمان بود و توانستیم تراز تجاری استان را متحول کنیم. میزان صادرات سال گذشته‌ی استان کرمان یک میلیارد و ۱۶۶ میلیون دلار و واردات

رویکرد جدید گمرک در دولت یازدهم، تنظیم سند راهبردی با استفاده از اسناد بالادستی، پیمان‌های بین‌المللی و توصیه‌های سازمان جهانی گمرک است که براین اساس این اسناد مد نظر قرار گرفت و برنامه‌ی چهارساله‌ی تنظیم شد که نخستین سال آن (سال ۹۳) را پشت سر گذاشتیم.

در اهداف راهبردی آن‌چه که مدنظر است، بهبود وضعیت اقتصادی و فضای کسب و کار، هم‌افزایی درون‌سازمانی و افزایش همکاری‌های فراسازمانی و بین‌المللی برای تسهیل و توسعه‌ی تجارت با استفاده از فن‌آوری اطلاعات است.

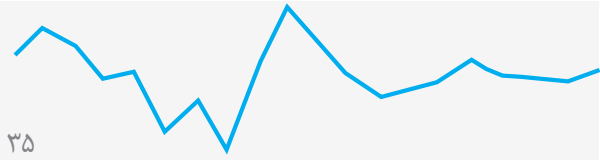
ایجاد سامانه‌ی یکپارچه‌ی عملیات گمرکی

آن‌چه که در برنامه‌ی راهبردی برای سال ۹۳ مد نظر بود، به خوبی محقق شد که از آن جمله ایجاد سامانه‌ی یکپارچه‌ی عملیات گمرکی و تجارت فرامرزی براساس قانون امور گمرکی مصوب دی‌ماه ۹۰ است که در این راستا سازمان گمرک مسئول ایجاد هماهنگی بین سازمان‌های ذی‌مدخل نیز هست.

سال گذشته سامانه‌ی یکپارچه‌ی عملیات گمرکی راه‌اندازی شد که از جمله‌ی مزیت‌های این سامانه، اظهار از راه دور صاحبان کالا است که می‌توانند از محل کار یا منزل (محلی که به اینترنت دسترسی داشته باشند) وارد سامانه شده و کالای خود را به گمرک اظهار کنند که این سامانه در گمرک کرمان و هم‌زمان در گمرکات تابعه شامل رفسنجان، بم و سیرجان راه‌اندازی و تمام عملیات گمرکی الکترونیکی شد و حتی اسناد هم به‌صورت اسکن شده، الکترونیکی از صاحبان کالا دریافت می‌شود؛ بنابراین، این امکان فراهم شده تا صاحبان کالا بدون مراجعه به گمرک کالای خود را ترخیص کرده و روانه‌ی مرز کنند. در راه اندازی این سامانه، گمرکات استان جزء گمرکات پیشرو بوده که این موضوع مورد تقدیر رییس کل گمرکات کشور قرار گرفت.

کسب رتبه‌ی ۶۳ دنیا در ماندگاری کالا در گمرک

پیش از اجرای این سامانه، با توجه به طولانی‌بودن ماندگاری کالا در گمرک رتبه‌ی ایران در رنکینگ دنیا ۱۲۶ بود که اکنون (سال ۲۰۱۵) این رتبه به ۶۳ رسیده است؛ ضمن این‌که در اهداف راهبردی برای سال ۹۳ رتبه‌ی ۹۰ را پیش‌بینی کرده بودیم که اکنون در این زمینه از اهداف جلوتر هستیم.



انجام دهند، درآمدهای استانی ناشی از واردات کالاهای آنها، به استان کرمان می‌رسد.

نقش گمرنگ گمرک در سیاست‌گذاری

گمرک تمام تلاش خود را کرده است تا افراد بتوانند به راحتی قانونی و رسمی تجارت کنند؛ اما در بخش سیاست‌گذاری نقش گمرک بسیار کم‌رنگ است. به خصوص در تعیین تعرفه‌ها که به تجارت قانونی کمک و از قاچاق کالا جلوگیری می‌کند، گمرک هیچ نقشی ندارد؛ در حالی که بالا بودن برخی تعرفه‌ها به هیچ وجه منطقی نیست. به طور مثال ۸۰ تا ۹۰ درصد لوازم آرایشی و یا گوشی تلفن همراه به صورت قاچاق وارد کشور می‌شود؛ اگرچه این کالاها دغدغه‌ی کشور نیست، اما وقتی در کشور متقاضی وجود دارد، تولید هم به اندازه‌ی میزان تقاضا و مصرف نیست، تعرفه‌های واردات این کالاها هم بسیار بالاست، افراد به قاچاق این نوع کالاها رو می‌آورند؛ بنابراین، گمرک باید در تصمیم‌گیری‌ها نقش داشته باشد و در این موارد باید از نظرهای تخصصی گمرک استفاده شود تا شاهد کاهش قاچاق و افزایش تجارت قانونی باشیم.

اگرچه از سوی دستگاه‌های متولی مبارزه‌ی نفس‌گیری با قاچاق کالا می‌شود، اما چون مزیت وجود دارد، قاچاق به‌طور کامل حذف نمی‌شود.

۷۱۹ میلیون دلار بود که شاهد افزایش ۴۷ درصدی صادرات و ۶۰ درصدی واردات نسبت به سال پیش از آن بودیم؛ ضمن این‌که کالاهای وارداتی نیز دستگاه‌های خط تولید کارخانجات، مواد اولیه‌ی کارخانجات و ابزار و قطعات بوده است و کالاهای مصرفی حتی یک درصد واردات استان را شامل نمی‌شود.

از دیگر فعالیت‌هایی که در سال گذشته موجب رونق صادرات استان شد، ارزیابی کالا در محل کارخانه بود و بیش از ۴۵ درصد کالاهای صادراتی در سال گذشته وارد گمرک نشده؛ بلکه پس از ارزیابی در محل به مقصد حمل شده است.

حمل یک‌سره‌ی بسیاری از کالاها نیز از دیگر اقدامات بود که بدون تخلیه‌ی بار، کالا روی کامیون ارزیابی و پروانه صادر شده است.

ایجاد انبار اختصاصی هم از مواردی بود که در گمرک استان زمین مانده بود که در سال گذشته این کار انجام شد؛ به این معنی که گمرک موافقت کند تا شرکت در محل کارخانه انبار اختصاصی با آیت‌های گمرک ایجاد و کار ترخیص و تشریفات کالا در همان محل انجام شود. این اقدام در سرعت‌بخشیدن به ترخیص مواد اولیه‌ی شرکت‌ها بسیار موثر بود؛ ضمن این‌که هم‌اکنون نیز برخی شرکت‌های دیگر درخواست داده‌اند و در حال عقد قرارداد هستند.

شرکت‌های بزرگ عملیات گمرکی خود را در استان انجام دهند

نکته‌ی مهم دیگر این است که صادرات استان بیش از دو میلیارد دلار است، اما برخی شرکت‌های فعال کالای خود را از گمرکات استان‌های دیگر صادر می‌کنند که اگرچه این کار اشکالی ندارد و افزایش صادرات هم منفعتی برای گمرکات استان ندارد، اما کار را برای تصمیم‌گیران استان در خصوص تجزیه و تحلیل وضعیت اقتصادی و صادرات و واردات استان و تصمیم‌گیری درست با مشکل مواجه می‌کند؛ بنابراین، به شرکت‌های مختلف از جمله شرکت‌های بزرگی مثل مس سرچشمه و گل‌گهر پیشنهاد می‌کنیم با توجه به ظرفیت‌هایی که راه‌اندازی این سامانه برای گمرکات استان ایجاد کرده، کالاهای خود را از طریق گمرکات استان وارد و صادر کنند؛ ضمن این‌که برای ایجاد انبارهای اختصاصی و ارائه‌ی خدمات گمرکی در محل شرکت‌ها و کارخانجات نیز آمادگی داریم. به‌ویژه اگر این شرکت‌ها واردات خود را از طریق گمرکات استان

کارت‌های بازرگانی یک‌بار مصرف؛ چالش گمرک

تعدد مراکز و سازمان‌هایی که برای گمرک تصمیم‌گیری می‌کنند، حجم بالا و متناقض بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌هایی که برای گمرک صادر می‌شود، عدم حضور گمرک در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به تجارت و بازرگانی و ناکارآمدی نظام تشخیص هویت فعالان واقعی اقتصادی از جمله مشکلات و چالش‌هایی است که گمرک با آن مواجه است. متأسفانه در گمرک شاهد استفاده از کارت‌های بازرگانی یک‌بار مصرف هستیم؛ به این معنی که به نام شخصی که به هیچ وجه تاجر نیست و حتی هیچ اطلاعی از تجارت ندارد، کارت بازرگانی صادر و فعالیت‌هایی انجام می‌شود و در نهایت شخص اصلی که از کارت استفاده کرده، ناپدید شده و بدهی به عهده‌ی دولت گذاشته می‌شود. بسیاری از بدهی‌های معوق به گمرک مربوط به همین کارت‌های بازرگانی یک‌بار مصرف است که یکی از چالش‌های بزرگ گمرک محسوب

نشود. به‌طور مثال در برخی گمرکات نمایندگی‌ها راه‌اندازی کردند، اما اختیارات کافی نداشتند و کار معطل ماند. خوشبختانه در قانون امور گمرک مصوبه‌ی سال ۹۰ همه‌ی سازمان‌ها ملزم هستند در قالب پنجره‌ی واحد تجاری خدمات خود را ارائه کنند و در همین ارتباط گمرک هم بسترها را فراهم کرده و طبق تفاهم‌نامه‌هایی که با سازمان‌های مربوط انجام گرفته، دستگاه‌های مرتبط باید در ده گمرک بزرگ کشور حضور فیزیکی داشته باشند و خدمات الکترونیکی ارائه کنند؛ ضمن این که در سایر گمرکات خدمات در قالب پنجره‌ی واحد تجاری و به صورت الکترونیکی ارائه شود که گمرک بستر را فراهم کرده و در سال ۹۴ برنامه‌ی اجرای کامل پنجره‌ی واحد الکترونیک در دستور کار قرار دارد.

بر اساس لایحه رفع موانع تولید، گمرک مسئول ایجاد و اداره‌ی پنجره‌ی واحد است و دستگاه‌هایی که صادرکننده‌ی مجوزهای صادرات و واردات هستند، موظفاند نمایندگان تام‌الاختیار خود را در ده گمرک بزرگ کشور به صورت فیزیکی و در بقیه‌ی گمرکات به صورت مجازی نسبت به صدور مجوزهای مربوط از طریق الکترونیک اقدام کنند.

بر اساس نقشه‌ی راهبردی گمرک نیز باید در سال ۹۴ پنجره‌ی واحد الکترونیک صد درصد اجرا شود که در کرمان کار از سال گذشته آغاز شده و موفق شدیم با اداره کل استاندارد و تحقیقات صنعتی تفاهم‌نامه منعقد کنیم تا مجوزها را به صورت الکترونیکی صادر کنند و امسال این مهم نهایی خواهد شد. پنجره‌ی واحد در سایر سازمان‌ها هم اجرا خواهد شد و هر سازمانی که به نوعی در تجارت خارجی نقش دارد، باید لینک‌های خود را در سامانه‌ی گمرک بگذارد و از طریق این سامانه، ارباب رجوع تمام فرایندها را به صورت الکترونیکی انجام دهد و نیازی به تردد بین سازمان‌ها نداشته باشد. امسال پنجره‌ی واحد تجاری را به طور کامل در استان کرمان اجرا می‌کنیم.

رویکرد گمرک همواره این بوده که بخش خصوصی را جدای از خودش نمی‌داند. فعالان اقتصادی و بازرگانان، مشتریان دائمی ما هستند؛ بنابراین، بیشترین تعامل را با بازرگانان داریم. به‌طور مثال در اجرای سامانه اگر همکاری فعالان اقتصادی نبود و اگر پذیرش از سوی آن‌ها برای این کار بزرگ وجود نداشت، قطعاً نتیجه خوبی نمی‌گرفتیم و این نشان‌دهنده‌ی برقراری تعامل بسیار قوی و خوب بین گمرک و فعالان اقتصادی است.

می‌شود؛ بنابراین، باید در مرحله‌ی صدور کارت بازرگانی، اتاق بازرگانی و صنعت، معدن تجارت دقت بیشتری کرده و به این موضوع توجه جدی بکنند.

باید صدور کارت بازرگانی ضابطه‌مند شود که اگر فقط همین مشکل در اقتصاد کشور حل شود، درصد قابل توجهی از مشکلات اقتصادی از جمله دغدغه‌ی مهم تقلب در تجارت حل می‌شود. اگر نظام صدور کارت بازرگانی ضابطه‌مند شود، آن چه که باید حذف شود، ثبت سفارش کالا است. با ضابطه‌مند شدن صدور کارت بازرگانی، تجارت کالاها را تقلبی نیز کاهش پیدا می‌کند.

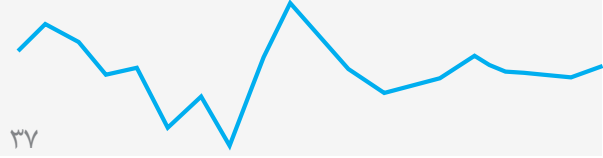
یکی دیگر از چالش‌های گمرک، نبود بستر لازم برای اجرای سامانه‌ی هوشمند است. برای عملیات گمرکی به صورت الکترونیکی، نیاز به بسترهای قوی تبادل داده و اطلاعات داریم که این بستر باید بهبود یابد.

تأکید بر افزایش بودجه‌ی گمرکات

در سال ۹۰ وقتی قانون امور گمرکی تصویب شد، در ماده‌ی ۱۶۰ قانون دو درصد از محل درآمدها به خود گمرک اختصاص پیدا کرد که از این رقم ۷۰ درصد برای تجهیز، بازسازی و توسعه‌ی زیرساخت‌های گمرک، ۱۰ درصد برای آموزش و ۲۰ درصد هم برای تشویق کارکنان در نظر گرفته شد، اما متأسفانه در سال ۹۱ از سرجمع اعتبارات گمرک این مبلغ را محاسبه و از اعتبارات گمرک کم کردند؛ بنابراین، نه تنها در اعتبارات گمرک اتفاقی نیفتاد، بلکه دست مدیران گمرک در هزینه‌کرد بسته‌تر شد، چون که ۷۰ درصد باید برای بازسازی تخصیص پیدا کند و به همین دلیل به مشکلات مختلفی برخوردیم. قطعاً قانون‌گذار حل مشکلات گمرک را مد نظر قرار داده و دو درصد را اختصاص دادند، انتظار این است که برای این که گمرک چابک تر و کارآمد داشته باشیم این موضوع مد نظر قرار گیرد.

تشکیل پنجره‌ی واحد تجاری

تشکیل پنجره‌ی واحد تجاری هم یکی از اهداف دیرینه‌ی گمرک جمهوری اسلامی است که از اواخر دهه‌ی ۷۰ این موضوع مطرح و پیگیری شد تا برای کوتاه‌شدن فرایند کار، سازمان‌هایی که به نوعی در زمینه‌ی تجارت فرامرزی دخیل هستند، در گمرک مستقر شوند و خدمات خود را ارائه کنند؛ اما این مهم به دلایل متعدد محقق



تأکید بر تعامل بیشتر با اتاق بازرگانی

در راستای همین تعامل در بسیاری از جلساتی که در اتاق بازرگانی تشکیل می‌شود، شخصاً حضور پیدا می‌کنم تا از نزدیک با مشکلات آشنا شوم و بسیاری مسایل و مشکلات بوده که همان جا حل شده یا فعالان اقتصادی از خدمات و اقدامات گمرک آگاهی نداشتند که اطلاع‌رسانی شده و فکر می‌کنم نقش اتاق بازرگانی علی‌رغم کارهای مهم دیگری که دارد، در برقراری تعامل فعالان اقتصادی با گمرک بسیار مهم است و یک پل ارتباطی بسیار خوب بین گمرک و سایر فعالان اقتصادی است که می‌تواند این نقش را پررنگ‌تر نیز ایفا کند تا هم اتاق بازرگانی و هم فعالان اقتصادی بهره‌ی بیشتری ببرند و هم گمرک با این تعامل روزبه‌روز به رشد و شکوفایی بیشتری برسد.

از نظرها و پیشنهادهای اتاق بازرگانی و فعالان اقتصادی برای بهبود روند کار استقبال می‌کنیم و از انجمن‌های اتاق نیز درخواست می‌کنیم به ما مشاوره بدهند تا خدمات بهتری ارائه کنیم.





○ هادی زاینده‌رودی

استادیار گروه برق دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، مدیر مرکز رشد واحدهای فناوری

شرکتهای دانش بنیان

چکیده

عدم تکمیل زنجیره ساختاری صنعت و دانشگاه، یکی از موانع توسعه علمی و اقتصادی کشورها می‌باشد. از یک طرف نیاز بسیار زیاد جامعه و صنعت و از سوی دیگر تعداد زیاد فارغ‌التحصیلان با استعداد که اگر درست مدیریت شوند می‌توانند به پیشرفت صنعتی اقتصادی کشور منجر شود. متأسفانه از یک سو تازه فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها به نیازهای صنایع اشراف نداشته و از طرفی صنایع به توانایی‌های آنها اعتماد نمی‌کنند. لذا یکی از الگوهایی که برای رفع این مشکلات مطرح می‌شود، استفاده از سازمان‌ها و نهادهای واسط در چرخه تحقیق تا بازار است که از طریق ایجاد پارک‌های علم و فناوری محقق می‌شود؛ بنابراین پارک‌های علمی و فناوری می‌توانند یک رابطه بین مراکز دانش و فناوری و بازار به‌منظور تولید ثروت توسط تشکیل و راه‌اندازی یک شرکت دانش‌بنیان ایجاد کنند. از آنجایی که امروزه در عرصه نوین جهانی، اساس ثروت و اقتدار کشورها مبتنی بر دانش است. لذا در این مقاله به تعریف مفهوم دانش‌بنیان و شرکت دانش‌بنیان و اهداف آنها پرداخته شده است و حلقه ارتباطی این شرکت‌ها یعنی پارک‌های علمی و فناوری به تفصیل نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: پارک‌های علمی و فناوری، شرکت دانش بنیان، کسب و کار، کارآفرینی، خلاقیت

تأکید بیش از گذشته بر دانش و فناوری در اقتصاد است که امروزه بدان اقتصاد دانش بنیان می گویند.

تعریف مفهوم دانش بنیان و شرکت دانش بنیان

دانش، به مجموعه‌ای از داشته‌های تئوری، عملی، مهارتی و تجربی بشر اطلاق می‌گردد. از طرفی در طول تاریخ، داشته‌های متعددی نظیر زمین، تجهیزات سخت‌افزاری، منابع طبیعی و اطلاعات، جوهره اصلی کسب‌کار بشر را تشکیل می‌دادند؛ اما امروزه این دانش است که جوهره اصلی شرکت‌ها را تشکیل می‌دهد و تفاوت شرکت‌ها در میزان، سطح و نوع دانش موجود در آن‌ها تعیین می‌شود. به عبارتی دیگر میزان ثروت شرکت‌های امروزی بستگی به میزان دانش آن‌ها دارد.

در حقیقت شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان، مجموعه‌ای خصوصی یا تعاونی است که به منظور هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه اقتصاد دانش محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی که شامل گسترش و کاربرد اختراع و نوآوری هستند و همین‌طور تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه شامل طراحی و تولید کالا و خدمات در حوزه فناوری‌های برتر و با ارزش افزوده بالاتر به ویژه در تولید و ارائه خدمات نرم‌افزارهای مربوطه تشکیل می‌شود. در حقیقت شرکت‌های دانش بنیان، حلقه واسطه بین ایده و تکنولوژی هستند که می‌توانند ایده‌ها را در مسیر رسیدن به تکنولوژی هدایت کنند و گاهی اوقات خود همین شرکت‌ها می‌توانند ایده خودشان را به محصول و به تکنولوژی تبدیل کنند.

در حقیقت شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان، مجموعه‌ای خصوصی یا تعاونی است که به منظور هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه اقتصاد دانش محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی که شامل گسترش و کاربرد اختراع و نوآوری هستند و همین‌طور تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه شامل طراحی و تولید کالا و خدمات در حوزه فناوری‌های برتر و با ارزش افزوده بالاتر به ویژه در تولید نرم‌افزارهای مربوطه تشکیل می‌شود.

مقدمه

یکی از موضوعاتی که هر شخص در طول دوران تحصیل و در مدرسه حداقل یک‌بار آن را شنیده است و در مورد آن انشاء نوشته است موضوعی است با مفهوم «علم بهتر است یا ثروت؟». از طرفی آن قدر از فواید علم سخن به میان می‌آمد که اگر برای لحظه‌ای هم می‌خواستیم به ثروت فکر کنیم به سرعت آن فکر را از ذهن پاک کرده و می‌نوشتیم علم بهتر است. البته که علم خوب است، اما همان‌طوری که امروزه مشخص گردیده است علمی بهتر است که منجر به کسب ثروت گردد و یا ثروتی بهتر است که از علم به دست آید. یکی از مصادیق تحقق چنین امر مبارکی ایجاد و گسترش شرکت‌های دانش بنیان است. چراکه انتظار اولیه در شکل‌گیری این شرکت‌ها، تبدیل ایده‌های تولیدشده در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی به محصولی برای واحدهای تولیدی و تجاری‌سازی اعضا می‌باشد. در واقع این امر بدیهی برای دستیابی به رشد اقتصادی از کانال دانش‌های کاربردی می‌باشد.

علاوه بر این‌که با مرور تحولات اقتصادی کشورهای پیشرفته مشخص می‌گردد که در طول تاریخ، عوامل مختلفی به‌عنوان اهرم قدرت اقتصادی، به شمار می‌رفته است؛ اما رشد شتابان علم و فناوری در دهه‌های اخیر باعث شده است که نقش دانش و فناوری در اقتصاد بیش از پیش پررنگ شود. همچنین منافع و قدرت حاصل از تسلط کشورها بر حوزه دانش باعث شده که کشورهای با دانش و فناوری بالاتر به‌عنوان قدرت‌های اقتصادی دنیا شناخته شده و توانایی جذب سایر عوامل اقتصادی مانند سرمایه، منابع اولیه، نیروی کار و غیره را نیز داشته باشند. در ایران نیز با درک اهمیت این موضوع و با تکیه بر جمعیت جوان و تحصیل کرده خود، گام‌های خوبی در این راستا برداشته شده است؛ اما با یک نگاه واقع بینانه و به دور از احساس به نرخ بالای بیکاری فارغ‌التحصیلان کشور و اشتغال غیر تخصصی آنان، آمارهای دردناک بالای مهاجرت نخبگان، وضعیت نامناسب تولید، نرخ بالای واردات کالاهای مصرفی و غیره، درمی‌یابیم شرایط حاضر در کشور چندان مطلوب نیست و رابطه‌ی معقول و موثری بین دانش بومی و اقتصاد داخلی برقرار نشده است. در واقع همه این موارد نشان‌دهنده این مهم است که بهترین راه و شاید تنها راه برای غلبه بر مشکلات اقتصادی و اجتماعی داخلی



محصول جدیدی که قبلاً وجود داشته و اختراع، تولید محصول جدیدی که قبلاً وجود نداشته را شامل می‌شود. بنابراین یک شرکت دانش‌بنیان برای گسترش و کاربرد نوآوری و اختراع تشکیل می‌شود که مواد اولیه آن ایده، علم و دانش می‌باشد که برای پیشرفت این شرکت، خلاقیت تولید، پردازش ایده‌های ناب و باارزش و نوآوری فرآیند تجاری‌سازی ایده نیاز می‌باشد. از آنجایی که نوآوری به معنی، کاربردی ساختن ایده‌های نو است، مشخص است که ظهور نوآوری در تجلی خلاقیت و شرط لازم برای تولید ایده‌های جدید تفکر خلاق است و در حقیقت یک شرکت دانش‌بنیان علم را به ثروت تبدیل می‌کند.

انواع شرکت‌های دانش‌بنیان

دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی با توجه به نقش اساسی که در تولید علم و دانش دارند می‌توانند یکی از مهم‌ترین مراکز زایش شرکت‌های دانش‌بنیان باشند. لذا می‌توان انواع این شرکت‌های دانش‌بنیان را به صورت زیر دسته‌بندی نمود:

- شرکت‌هایی که فقط اعضای هیات علمی مالک آن هستند.
 - شرکت‌هایی که دانشگاه‌ها نیز در آن مالکیت دارند.
- نکته‌ای که باید به آن دقت شود این است، در صورتی که سهام دانشگاه کمتر از ۵۰ درصد باشد، شرکت دانش‌بنیان، شرکتی خصوصی است و در صورتی که سهام دانشگاه ۵۰ درصد یا بیشتر باشد، شرکت دانش‌بنیان، شرکتی دولتی است.

البته قابل‌ذکر است در حال حاضر تعدادی از اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها که دارای تجربیات مدیریتی ارزشمندی هستند دارای مجموعه‌ای از شرکت‌های دانش‌بنیان در حیطه تخصصی خود هستند.

اگرچه بدون بررسی و ممیزی، دانش‌بنیانی تمامی آن‌ها قابل‌تأیید نیست. ولی نمی‌توان این نکته را نادیده گرفت که اصولاً دانش‌بنیان بودن خصوصیت کارکردی بوده و در قانون تجارت ایران ساختار حقوقی مستقلی ندارد؛ بنابراین با ارزیابی خصوصیت کارکردی، تعداد قابل ملاحظه‌ای از این مجموعه‌ها می‌تواند یک پتانسیل عینی برای احتساب نمودن آن‌ها به عنوان شرکت‌های دانش‌بنیان باشند. بدیهی است تجربه و آشنایی با محیط کسب و کار از مهم‌ترین نقاط برتری این شرکت‌ها نسبت به شرکت‌های نوپا می‌باشد.

بنابراین شرکت دانش‌بنیان یعنی مجموعه نیروی فکر و خلاقیت فردی یا گروهی در رسیدن به محصول و یا ایده‌ای که سبب ایجاد ثروت گردد. به هیچ روی نباید برای شرکت‌های دانش‌بنیان، ساختاری معادل یک کارخانه متصور شد. اگر در شرکت‌های بزرگ و دانش‌بنیان دنیا کاوش نماییم، درمی‌یابیم که شرکت‌های دانش‌بنیان هیچ وقت کارخانه و خط تولید ندارند. ولی متأسفانه در کشور ما هنوز به مقوله دانش‌بنیان به عنوان تولید و خط تولید نگاه می‌شود.

دانش‌بنیان بودن یعنی تولید خلاقیت بیشتر و ایجاد مدل‌های کسب و کاری که تا پیش از این وجود نداشته‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت شرکت‌های دانش‌بنیان از مهم‌ترین حلقه‌های این زنجیره تولید ثروت هستند.

ارتباط شرکت‌های دانش‌بنیان با مفاهیم کارآفرینی، خلاقیت، نوآوری و اختراع

با توجه به تعریف ارائه‌شده از شرکت‌های دانش‌بنیان دریافتیم که این شرکت‌ها به منظور ایجاد هم‌افزایی بین علم و ثروت برای تقویت خود اثر گذاری مثبت، نیازمند مقدماتی هستند که به شرح زیر ارائه می‌گردند.

- کارآفرین

کارآفرین فردی است که یک تفکر و ایده نو را با استفاده از ابزارهای خلاقیت و نوآوری تبدیل به محصول می‌کند. از طرفی کارآفرین فردی است که قدرت شناسایی فرصت‌های کسب‌وکار را داشته و پس از ارزیابی، منابع لازم را جمع‌آوری و از آن‌ها بهره‌برداری کرده و عملیات مناسبی را برای رسیدن به موفقیت پی‌ریزی می‌کند.

لذا می‌توان کارآفرینی را فرآیندی دانست که منجر به خلق محصول جدید و با ارزش می‌شود. این محصول می‌تواند شامل کالا، خدمات، فرمولاسیون، روش انجام کار و هر چیز با ارزش دیگری باشد.

- خلاقیت و نوآوری

خلاقیت به معنی به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید می‌باشد؛ اما نوآوری به معنی ایجاد فکرهای جدید و تبدیل آن به عمل و کاربردهای سودمند می‌باشد. لذا نوآوری و اختراع دو بال خلاقیت هستند که نوآوری، تولید



- دانش فنی و مهارت بالای پرسنل
- تحصیلات عالی نیروی کار
- سطح بالای تحقیق و توسعه درون شرکت
- محصولات و خدمات با منحنی عمر کوتاه و حاشیه‌های سود ناخالص بالا.

علاوه بر این، کسب و کارهای دانش‌بنیان احتمالاً بیشتر از فناوری‌های پیشرفته و یا فرایندهای نوآورانه در محصولات، خدمات یا فرایندهای خود استفاده می‌کنند. شرکت‌هایی دانش‌بنیان، هستند که با ایجاد کسب و کار دانش‌محور به منظور تبدیل پایدار دانش به ثروت تشکیل شده و فعالیت‌های اقتصادی آن‌ها مبتنی و همراه با فعالیت‌های تحقیق و توسعه در زمینه‌های فناوری‌های نو و پیشرفته است و به توسعه اقتصاد دانش‌محور در جامعه کمک می‌کنند. کسب و کار دانش‌بنیان یک فعالیت متعلق به بخش خصوصی با هویت حقوقی است که مهم‌ترین دارایی آن دارایی فکری است. در کسب و کارهای دانش‌بنیان، تحقیق و توسعه یک کار مقطعی و یک‌بار برای همیشه نیست؛ بلکه یک فرایند همیشگی و پویا است. زمینه‌های فعالیت شرکت‌های دانش‌بنیان می‌تواند به شرح زیر باشد.

- انجام پژوهش‌های کاربردی و توسعه‌ای
- ارائه خدمات تخصصی و مشاوره‌ای (خدمات علمی، تحقیقاتی و فنی)
- تولید محصولات با فناوری نوین (توسعه فناوری)
- انجام خدمات نظارتی بر پروژه‌های پژوهشی، اجرایی و مشاوره‌ای

- ارائه خدمات توسعه‌ی کارآفرینی
- ایجاد مراکز رشد و خدمات ایجاد و توسعه‌ی کسب و کار
- ارائه خدمات توسعه‌ی محصول جدید
- ارائه خدمات ایجاد و توسعه‌ی خوشه‌های کسب و کار
- تشخیص فرصت‌های کارآفرینی
- انجام خدمات توسعه‌ی فناوری
- انجام خدمات ورود کسب و کارها به بازار بین‌الملل و جهانی کردن آن‌ها
- برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های توسعه‌ی کارآفرینی در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی

اهداف تشکیل شرکت‌های دانش‌بنیان

هدف کلی از تشکیل و راه‌اندازی یک شرکت دانش‌بنیان ایجاد یک رابطه بین مراکز دانش و فناوری و بازار به منظور تولید ثروت است که برای رسیدن به این هدف کلی می‌توان به اهداف جزئی زیر اشاره کرد:

- جذب و تبدیل ایده به محصول و ایجاد مشاغل پایدار
- اشتغال‌زایی و توانمندسازی دانش‌آموختگان به منظور ورود به کسب و کار
- جلوگیری از مهاجرت نخبگان
- تجاری‌سازی یافته‌های پژوهشی و تحقیقاتی
- ایجاد زمینه برای به کارگیری هر چه بیشتر توانمندی‌های دانشگاه‌ها و واحدهای پژوهشی
- ترغیب متخصصین، نوآوران، مخترعان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در جهت فعالیت بیشتر در رفع نیازهای جامعه
- حمایت، هدایت و سمت دهی در جهت نوآوری و تولید فناوری برتر
- محرومیت‌زدایی و افزایش رفاه اجتماعی
- افزایش بهره‌گیری در صنایع و خدمات دیگر
- بومی‌سازی فناوری پیشرفته
- رفع وابستگی کشور به فناوری پیشرفته
- هم‌افزایی علم و ثروت (تجاری‌سازی علم و دانش)
- ارتقای فرهنگ عمومی کارآفرینی
- تشویق بنگاه‌های اقتصادی و دستگاه‌های اجرایی به بهره‌گیری از یافته‌های پژوهشی و فناوری‌های شکل‌یافته در مراکز پژوهشی.

کسب و کارها و صنایع دانش‌بنیان

برای صنایع دانش‌بنیان یا کسب و کارهای دانش‌بنیان هنوز تعریف واحدی وجود ندارد. هر چند به نظر می‌رسد توافقی مبنی بر اینکه شرکت‌های دانش‌بنیان نسبت بالایی از دارایی‌های نامشهود را دارا بوده و به شدت به نوآوری به‌عنوان یک منبع رقابتی متکی هستند، وجود دارد. اگر چه در تعریف کسب و کار مبتنی بر دانش توافق کمی وجود دارد اما بر اساس ضوابط مختلف، بیشتر بانک‌ها و سازمان‌های دولتی توافق نموده‌اند که کسب و کارهایی را دانش‌بنیان بدانند که دارای ویژگی‌های زیر باشند:



- ویژگی‌های کسب و کارهای دانش‌بنیان:
- دانش فنی و مهارت بالای پرسنل
 - تحصیلات عالی نیروی کار
 - سطح بالای تحقیق و توسعه درون شرکت
 - محصولات و خدمات با منحنی عمر کوتاه و حاشیه‌های سود ناخالص بالا

سوئد، تایوان و انگلیس نیز به دیگران پیوستند. دهه‌ی ۱۹۸۰، دهه‌ی انفجار پارک‌های علمی بود. در این دهه، تصویر جهانی پارک‌های علمی در سطح جهان تغییر کرد. آمریکا از نظر تعداد پارک‌های علمی کماکان جایگاه خود را به‌عنوان اولین کشور حفظ نمود. در سال ۱۹۸۳ فرانسه و انگلستان از کانادا پیشی گرفتند و به مقام دوم رسیدند. در سال ۱۹۸۴ انگلستان توانست فرانسه را پشت سر گذارد. سرانجام در سال ۱۹۸۵ آلمان به مقام دوم در جهان رسید. این واقعیات نشان می‌دهند که مسابقه‌ای برای ایجاد پارک‌های علمی در جهان جریان داشته است. آن گونه که کونگ شرح می‌دهد، از اواسط دهه‌ی ۱۹۸۰ به بعد، هم‌افزایی پژوهشگران و مدیران پارک‌های علمی موجب شد که روندهای جدیدی در سطح جهانی پدید آید.

- توسعه پارک‌ها در آسیا

در دهه ۸۰، دولت‌های آسیایی به ایجاد پارک‌هایی هم‌چون هسینچو، زون گوان کون و پارک علمی سنگاپور پرداختند. دولت هنگ کنگ با اجرای پروژه‌های چندین میلیارد دلاری هم‌چون سایبرپورت (پارک تکنولوژی اطلاعات) و سیلیکون هاربور (مجتمع نیمه‌هادی)، کوشیده است این کشور را به قطب تکنولوژی‌های سطح بالا تبدیل نماید. سنگاپور نیز با همین رویکرد به ایجاد پیشرفته‌ترین زیرساخت فیزیکی پرداخته است. چین نیز با توجه به این نکته که تکنولوژی‌های جدید و سطح بالا مهم‌ترین ابزارهای افزایش کارایی، بهره‌وری و رقابت‌پذیری اقتصادی هستند بر توسعه‌ی پارک‌های علمی متمرکز شده است. برنامه‌ی تأسیس اولین پارک علمی چین (زون گوان کون) در سال ۱۹۸۸ به تصویب رسید. در سال ۱۹۹۹، دولت پکن طرحی را به تصویب رساند که در ده سال آینده حدود ۲۴ میلیارد دلار

نقش پارک‌های علمی و فناوری در پیدایش شرکت‌های دانش‌بنیان

عدم تکمیل زنجیره ساختاری صنعت و دانشگاه، یکی از موانع توسعه علمی و اقتصادی کشورهاست. این امر موجب پیدایش شهرک‌ها و پارک‌های علم و فناوری از دهه ۱۹۶۰ ابتدا در آمریکا و پس از آن در دیگر کشورهای جهان گردید که در ابعاد مختلف و با طیف گسترده‌ای از شرح وظایف به‌عنوان حلقه‌ای از زنجیره اقتصاد مبتنی بر فناوری توسعه یافتند.

از طرفی پیش نیاز اولیه مورد نیاز در یک شرکت دانش‌بنیان دانش به روز می‌باشد. لذا این افراد دانشگاهی هستند که می‌توانند مواد اولیه را در اختیار این نوع شرکت‌ها قرار دهند. از طرفی فرد دارای ایده از یک سو مایل به تجاری‌سازی ایده‌های تکنولوژیک خود بوده و از سوی دیگر تمایل دارد که ارتباط خود را با نهادهای آکادمیک به‌عنوان منبع نیروی کار آموزش دیده و منشأ اختراعات جدید حفظ نمایند. لذا پارک‌های علمی و فناوری می‌توانند جریان دانش و فناوری را در میان دانشگاه‌ها، مؤسسات تحقیق و توسعه، شرکت‌های خصوصی و بازار به شرکت انداخته و مدیریت نموده و به‌عنوان ابزار جلب شرکت‌های مبتنی بر فناوری در سطوح بین‌المللی شناخته می‌شوند. شکل‌گیری و توسعه بسیاری از پدیده‌های نوظهور تکنولوژیکی از درون این پارک‌ها می‌باشد.

- تاریخچه شکل‌گیری پارک‌های علمی

نخستین پارکی که از سوی همگان به‌عنوان پارک علمی شناخته شد، پارک تحقیقاتی استنفورد واقع در ایالت کالیفرنیا است که اندیشه آن در سال ۱۹۵۱ مطرح گردید. این پارک، زاینده اندیشه‌ی «فردریک ترمن» است که بعداً به «پدر بزرگ دره‌ی سیلیکون» ملقب شد. ترمن، استاد مهندسی الکترونیک در دانشگاه استنفورد بود و برای افزایش درآمد دانشگاه و بهبود وجهه‌ی بین‌المللی آن، اقدام به تأسیس پارک علمی دانشگاه استنفورد نمود؛ که به سیلیکون ولی نیز مشهور است. بعدها در دهه ۱۹۶۰ سوفیا انتیپولیس و در دهه ۱۹۷۰ شهرک علمی تسوکوبا در (ژاپن) آسیا از این پارک الگو گرفتند. این سه پارک قدیمی‌ترین و مشهورترین پارک‌های جهان هستند. در دهه‌ی ۱۹۷۰، ۱۶ پروژه از این نوع در هفت کشور جهان وجود داشته است. در دهه‌ی بعد، کشورهای بلژیک، ژاپن، کره،



صرف توسعه‌ی این پارک شود.

در سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ دست یافتن به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی و تلاش برای دستیابی به اقتصاد متنوع و متکی بر منابع دانش و آگاهی، سرمایه انسانی و فناوری نوین می‌باشد که بخش عمده این مهم به عهده پارک‌های علمی و فناوری می‌باشد.

با توجه به آمار به‌دست‌آمده امروزه بیش از ۴۰۰ پارک علمی در سرتاسر دنیا هست و هنوز تعداد آن‌ها رو به افزایش است. بیشترین تعداد متعلق به آمریکا است که بیش از ۱۵۰ پارک علمی دارد و ژاپن رتبه بعدی را با ۱۱۱ پارک داراست. کشور چین توسعه پارک‌ها را در اواسط دهه ۱۹۸۰ آغاز کرد و اکنون حدود ۱۰۰ پارک دارد که ۵۲ پارک مصوب دولت ملی و بقیه مصوب دولت محلی هستند. هم‌چنین این آمار نشان می‌دهد که کشورهای دارای پارک در منطقه جنوب غربی آسیا شامل ۸ کشور ایران، قطر، پاکستان، عربستان سعودی، امارات، ترکیه، اردن و سوریه هستند.

لذا با توجه به روند رو به افزایش این پارک‌ها می‌توان اهداف اصلی آن‌ها را توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان در جهت ایجاد منابع فکری و آموزشی در دسترس و هم‌چنین کمک به رشد و توسعه فرهنگ تحقیقات کاربردی دانست. شکل شماره ۱ درصد فراوانی پارک‌های علمی و فناوری در جهان را نشان می‌دهد.





استفاده از انرژی‌های تجدید پذیر در آب‌شیرین‌کن‌ها و بررسی اقتصادی آن‌ها در راستای توسعه پایدار

چکیده

محدودیت منابع آب شیرین به همراه افزایش جمعیت و بالا رفتن استانداردهای زندگی، استفاده از آب‌شیرین‌کن‌ها را به یکی از ضرورت‌های مهم بشر تبدیل کرده است. این دستگاه‌ها که عمدتاً به منظور شیرین کردن آب شور دریاها بکار می‌روند، نیاز به منابع انرژی جهت کارکرد دارند. در حال حاضر این انرژی از انواع انرژی‌های فسیلی تأمین می‌شود که آلوده‌کننده محیط‌زیست بوده و نیز به دلیل محدودیت منابع نمی‌توانند در توسعه پایدار مدنظر قرار گیرند. در این مقاله ضمن ارائه اصول کار انواع عمده آب‌شیرین‌کن‌ها، بررسی اقتصادی آن‌ها از بعد هزینه آب شیرین تولیدشده با استفاده از انواع انرژی‌های تجدیدناپذیر و تجدیدپذیر انجام شده است. همچنین وضعیت موجود آب‌شیرین‌کن‌هایی که با استفاده از انرژی‌های تجدید پذیر کار می‌کنند، از نظر نوع انرژی مورد استفاده، بررسی شده است.

کلمات کلیدی: توسعه پایدار، انرژی‌های تجدیدپذیر، آب شیرین‌کن، تحلیل اقتصادی

مقدمه

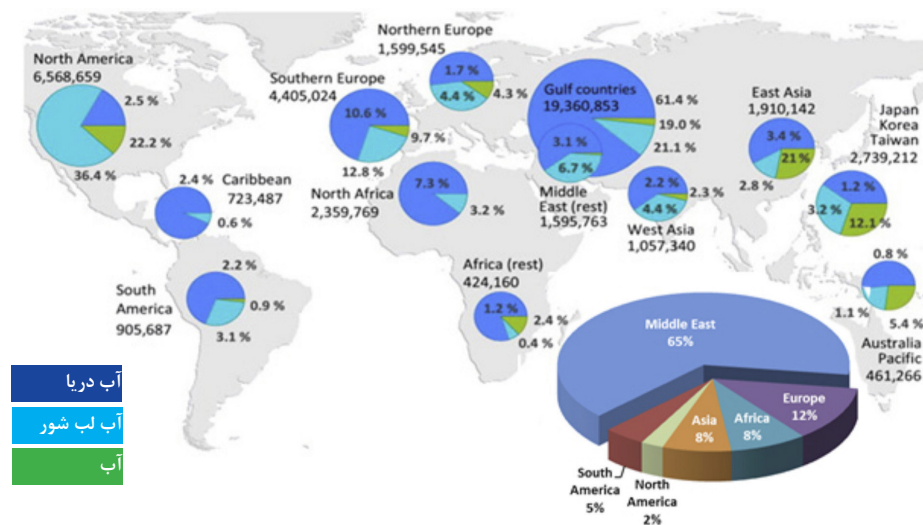
میزان حدود ۱۳۰۰۰ مترمکعب در سال ۱۳۰۰ به حدود ۱۴۰۰ مترمکعب در سال ۱۳۹۲ تقلیل یافته و در صورت ادامه این روند، وضعیت در آینده به مراتب بدتر خواهد شد. با توجه به میزان منابع آب و سرانه مصرف، ایران از جمله کشورهایی است که در گروه کشورهای مواجهه با کمبود فیزیکی آب قرار دارد که این گروه شامل کشورهایی است که در سال ۲۰۲۵ با فقدان شدید منابع آب مواجه هستند. این بدان معناست که این کشورها حتی با بالاترین راندمان و بهره‌وری ممکن در مصرف آب، برای تأمین نیازهایشان آب کافی در اختیار نخواهند داشت. حدود ۲۵ درصد مردم جهان از جمله ایران مشمول این گروه می‌باشند. راه‌حل مشکل کمبود آب، شیرین سازی آب شور به کمک روش‌های مختلف در سطح دنیا متناسب با کمیت و کیفیت آب مورد نیاز می‌باشد این آب شور از منابع دریایی تأمین شده و البته نیاز به انتقال آن به مناطق کم آب می‌باشد. خوشبختانه کشور ما هم از سمت شمال و هم از سمت جنوب مشرف به دریا بوده و به خوبی می‌تواند از این پتانسیل استفاده کند.

قابل ذکر است که کشورهای خاورمیانه پیشگام صنعت شیرین کردن آب‌های شور دریاها بوده و حدود ۶۵ درصد تولید آب شیرین از آب دریا در دنیا در این منطقه انجام می‌شود. شکل ۱ توزیع ظرفیت شیرین سازی آب در جهان را نشان می‌دهد. همان‌طور که در این شکل ملاحظه می‌شود عمده تولید آب شیرین در کشورهای حوزه خلیج فارس انجام می‌شود.

کمبود آب شیرین یک مسئله بحرانی در بسیاری از کشورها از جمله کشور ما است. رشد سریع جمعیت به‌عنوان مهم‌ترین عامل، بالاتر رفتن استانداردهای زندگی و آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی موجب کاهش سرانه آب تجدیدشونده در جهان و نیز ایران بوده است.

به گزارش سازمان بهداشت جهانی حدود یک میلیارد و هشتصد میلیون نفر با فقدان آب کافی در سال ۲۰۲۵ روبرو خواهند شد. با توجه به این حقایق، به نظر می‌رسد تنها امید واقعی برای یک منبع جدید برای آب شیرین، نمک‌زدایی و تصفیه آب‌های شور می‌باشد؛ اما دستگاه‌های تصفیه‌کننده آب نیاز به مصرف انرژی دارند که این انرژی در اکثر موارد از سوخت‌های فسیلی تأمین می‌شود که به‌نوبه خود آلوده‌کننده محیط‌زیست می‌باشند. از طرف دیگر در اکثر مناطقی که نیاز به آب شیرین وجود دارد، معمولاً با شدیدترین تابش خورشیدی نیز همراه هستند. به همین دلیل انرژی حرارتی خورشیدی در پروژه‌های شیرین کردن آب، امیدبخش‌ترین کاربرد انرژی‌های تجدید پذیر می‌باشد که در راستای توسعه پایدار کشورها می‌باشد.

در کشور ما با نگاهی به جمعیت ایران در طی هشت دهه گذشته، ملاحظه می‌شود که جمعیت از حدود ۸ میلیون نفر در سال ۱۳۰۰ به ۷۸ میلیون نفر تا پایان سال ۱۳۹۲ رسیده است. با این وجود میزان سرانه آب تجدیدپذیر سالانه کشور از



شکل ۱. توزیع ظرفیت شیرین سازی آب در جهان



روش‌های مختلف شیرین کردن آب

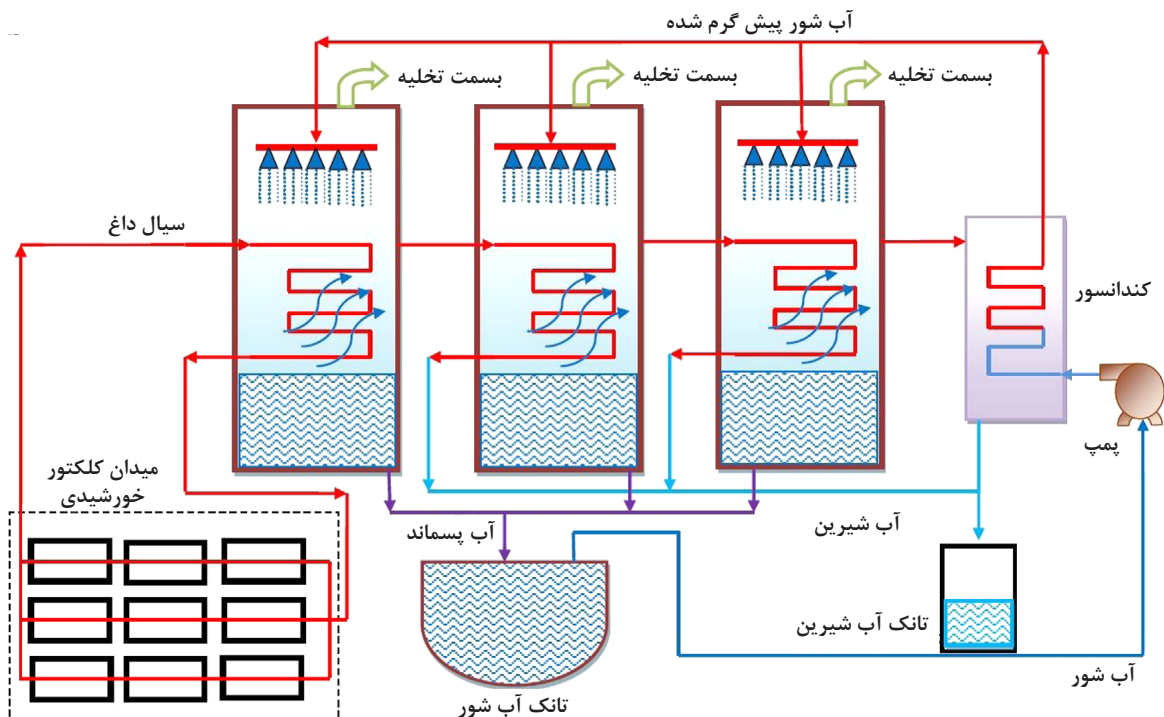
اسمز معکوس نسبت به MSF کمتر است. در ادامه مطالب این مقاله، نخست اصول کار دستگاه‌های آب‌شیرین‌کنی که عمدتاً امروزه مورد استفاده قرار می‌گیرد بیان شده و انواع آن‌ها که با استفاده از انرژی خورشیدی به‌عنوان مهم‌ترین منبع انرژی تجدید پذیر کار می‌کنند به اختصار بیان شده است. در پایان به بررسی اقتصادی این آب‌شیرین‌کن‌ها پرداخته می‌شود.

روش‌های مختلفی برای شیرین کردن آب شور بکار می‌رود. عمده‌ترین روش‌های نمک‌زدایی شامل روش غشایی اسمز معکوس (RO)، تقطیر چندمرحله‌ای (MED)، روش‌های حرارتی تبخیر آبی چندمرحله‌ای (MSF)، روش تقطیر با متراک سازی بخار (VCD) و تبادل یونی (IX) می‌باشند که هر کدام دارای مزایا و معایبی بوده و با توجه به شرایط منطقه‌ای و نیاز، به کارگیری می‌شوند.

روش تقطیر چندمرحله‌ای (MED) در آب‌شیرین‌کن‌ها

امروزه تقطیر چند مرحله‌ای یکی از بهترین روش‌های تبخیر می‌باشد. این سیستم برای تولید آب شیرین کمتر از ۱۳۰۰ مترمکعب در روز مناسب نیست، زیرا نیاز به نگهداری بالا و منبع الکتریسیته دارد. ویژگی بارز تقطیر چند مرحله‌ای این است که تبخیر گام‌به‌گام آب شور به وسیله انتقال گرما از چگالش بخار در مجموعه لوله‌ها صورت می‌گیرد. معمولاً در شکل‌بندی دستگاه از مجموعه لوله‌های افقی با ۸ تا ۱۶ مرحله تبخیر استفاده می‌شود. شکل ۲ یک نمونه خورشیدی این دستگاه را نشان می‌دهد.

هزینه آب تولیدشده یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در انتخاب روش است که وابسته به کیفیت آب ورودی، نوع فن‌آوری، ظرفیت کارخانه، تأمین و مصرف انرژی منجر به افزایش هزینه‌های نمک‌زدایی و در نتیجه بعضاً غیراقتصادی شدن روش می‌شوند. ویژگی‌های محل احداث کارخانه، هزینه انتقال آب از منبع به محل تصفیه‌خانه، نحوه توزیع آب تصفیه‌شده و دفع پسماند تولیدشده، متفاوت بوده و این عوامل در انتخاب روش‌های مذکور و مقایسه آن‌ها با یکدیگر بسیار تأثیرگذار می‌باشند. مطالعات انجام‌شده نشان داده است هزینه تولید آب طی دو فرآیند MSF و MED تقریباً یکسان، ولی به کمک



شکل ۲. نمای شماتیک آب‌شیرین‌کن با روش تقطیر چندمرحله‌ای که با استفاده از انرژی خورشیدی کار می‌کند.



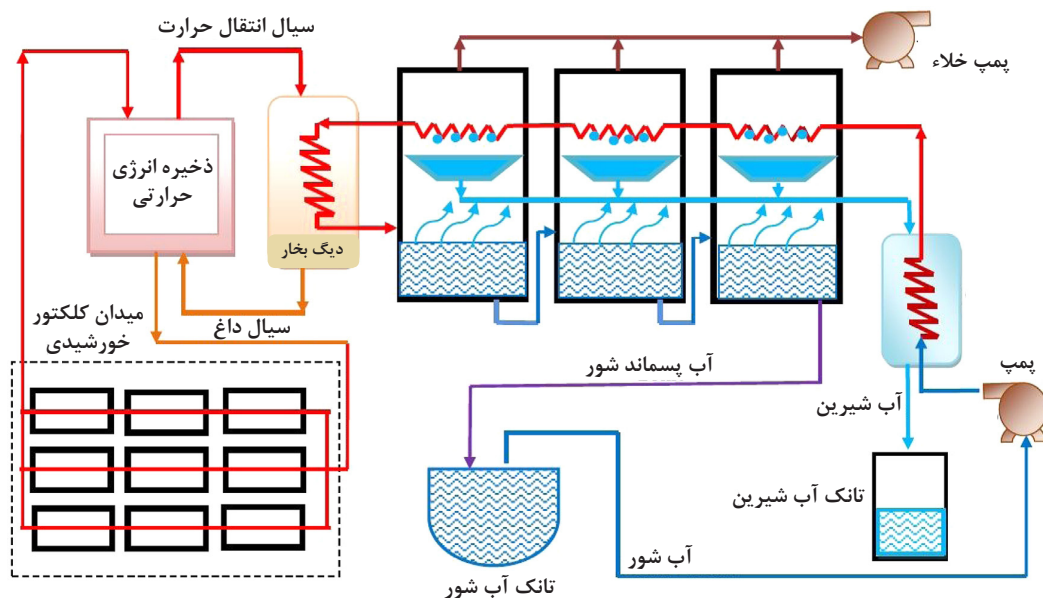
روش تقطیر ناگهانی چندمرحله‌ای (MSF) در آب شیرین کن‌ها

اکثر روش‌های ساده و مشترک برای نمک‌زدایی در مقیاس بزرگ، به صورت تقطیر در تقطیر ناگهانی چندمرحله‌ای اجرا شده‌اند که حجم کل تولیدات جهانی در حدود ۱۰ میلیون تن آب شیرین در هر روز می‌باشد. این سیستم با تحت فشار قرار دادن آب شور یا آب دریا که درون لوله‌های محصور جریان دارد و تبادل گرما با بخار چگالش یافته، کار می‌کند. زمانی که آب دریا تا دمای معینی گرم شود به محفظه‌ای با فشار کمتر منتقل می‌شود، جایی که سریع تبخیر می‌شود. بخار حاصل شده سپس سرد می‌شود و در مخزن آب شیرین جمع می‌شود. شکل ۳ یک نمونه خورشیدی این دستگاه را نشان می‌دهد.

همان‌طور که در این شکل ملاحظه می‌شود، در اولین گام، بخار متراکم شده با انرژی بیرونی از قبیل سوخت‌های فسیلی یا جمع‌کننده‌های خورشیدی تولید می‌شود.

بخار تولیدشده از تبخیر آب شور در مراحل بعدی استفاده می‌شود که این مراحل با اندکی فشار پایین‌تر و دمای کمتر همراه می‌باشند، در نتیجه باز یافتن انرژی حاصل از چگالش بخار می‌تواند، برای تبخیر بیشتر آب شور مورد استفاده قرار گیرد.

دستگاه‌های آب شیرین کن که با تابش خورشید گرم می‌شوند، در حال توسعه و تحقیق هستند. در محدوده خلیج فارس دستگاہی وجود دارد که از جمع‌کننده‌های سهموی خورشیدی برای تولید ۶۰۰۰ مترمکعب در روز استفاده می‌کند.



شکل ۳. نمای شماتیک آب شیرین کن با روش تقطیر ناگهانی چندمرحله‌ای که با استفاده از انرژی خورشیدی کار می‌کند.

ظرفیت ۱۹ مترمکعب در روز. جمع‌کننده دیگری که برای استفاده از انرژی گرمایی خورشید به کار می‌رود، کلکتورهای سهموی شکل می‌باشد که در کویت برای تولید ۱۰۰ مترمکعب آب شیرین استفاده شده است.

چندین دستگاه آب شیرین کن با مقیاس متوسط با استفاده از انرژی خورشیدی اجرا شده است. یکی از معمولی‌ترین آن‌ها حوضچه‌های خورشیدی می‌باشد، مانند دستگاه آب شیرین کن در مارگاریتا دساویا ایتالیا با ظرفیت ۵۰ تا ۶۰ مترمکعب در روز در ال پاسو تگزاس با



روش اسمز معکوس (RO) در آب شیرین کن‌ها

در سیستم اسمز معکوس، آب دریا با فشار زیاد از میان یک سری غشا عبور داده می‌شود که به‌طور فیزیکی از انتقال مولکول‌های نمک جلوگیری می‌کند.

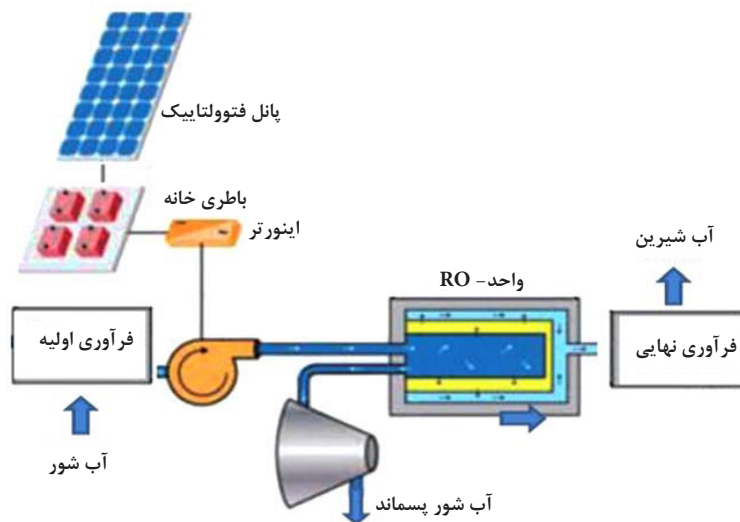
در سیستم‌های تقطیری، تفکیک آب از نمک به دلیل تبخیر اتفاق می‌افتد، در حالی که این فرآیند تفکیک در اینجا به‌وسیله جلوگیری از عبور ذرات نمک از غشا صورت می‌گیرد.

سیستم اسمز معکوس نیاز به انرژی الکتریکی جهت پمپ

کردن آب دارد که در ظرفیت‌های بالا به چند مگاوات می‌رسد. این سیستم توانایی کار با انرژی خورشیدی را به‌این ترتیب دارد که برق تولیدی توسط خورشید تأمین شود.

این امر می‌تواند با استفاده از سلول‌های فتوولتائیک و یا با استفاده از نیروگاه‌های خورشیدی حرارتی انجام شود.

شکل ۴ یک نمونه آب شیرین کن اسمز معکوس که با استفاده از برق تولیدی فتوولتائیک کار می‌کند را نشان می‌دهد.

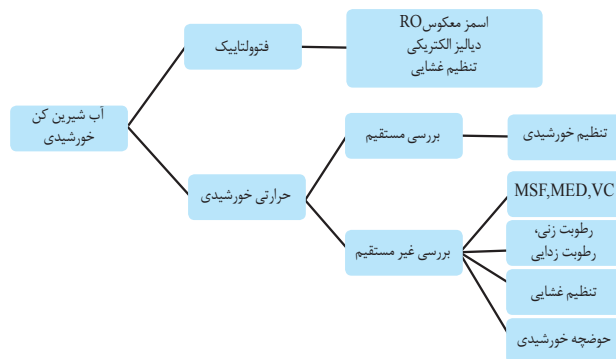


شکل ۴. نمای شماتیک آب شیرین کن با روش اسمز معکوس که با استفاده از انرژی خورشیدی کار می‌کند.

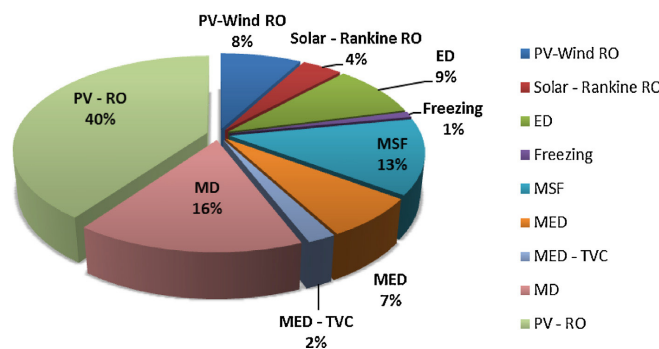
در آب شیرین کن‌های خورشیدی دو واحد جدا از هم وجود دارد: یکی واحد جمع‌آوری انرژی خورشیدی و دیگری واحد آب شیرین کن.

جمع‌آوری انرژی خورشیدی می‌تواند توسط کلکتورهای صفحه تخت، لوله تخلیه یا متمرکز خورشیدی انجام شود و می‌توان آن را با هر یک از انواع فرآیندهای آب شیرین کن‌های حرارتی مانند تقطیر ناگهانی چندمرحله‌ای (MSF) و یا تقطیر چندمرحله‌ای ترکیب کرد. انرژی خورشیدی می‌تواند با استفاده از سلول‌های فتوولتائیک به برق تبدیل شود و در انواع دیگر آب شیرین کن‌ها مانند اسمز معکوس (RO) بکار رود. شکل ۶ نشان‌دهنده استفاده از فن‌آوری‌های آب شیرین کن‌های مختلف با استفاده از منابع انرژی خورشیدی در سطح جهان است.

به‌طور کلی انرژی خورشیدی می‌تواند در آب شیرین کن‌ها به دو صورت استفاده شود (شکل ۵): یکی تولید برق توسط سلول‌های فتوولتائیک و استفاده از آن در روش‌هایی مانند اسمز معکوس و دیگری تولید حرارت که خود به دو صورت می‌تواند انجام شود: مستقیم و غیرمستقیم. در روش مستقیم تشعشع خورشید مستقیماً به آب شور می‌رسد که حرارت آن باعث تبخیر آب شده و آب روی سطح داخلی شیشه (که روی آب داخل مخزن قرار دارد) تقطیر شده و خارج می‌شود. در روش غیرمستقیم آب شور گرم شده و سپس در داخل محفظه‌هایی تبادل حرارت کرده و تبخیر می‌شود. تقطیر چندمرحله‌ای (MED) و تقطیر ناگهانی چندمرحله‌ای (MSF) از جمله روش‌هایی هستند که از روش غیرمستقیم از انرژی خورشیدی استفاده می‌کنند.



شکل ۵. تقسیم بندی آب شیرین کن های خورشیدی

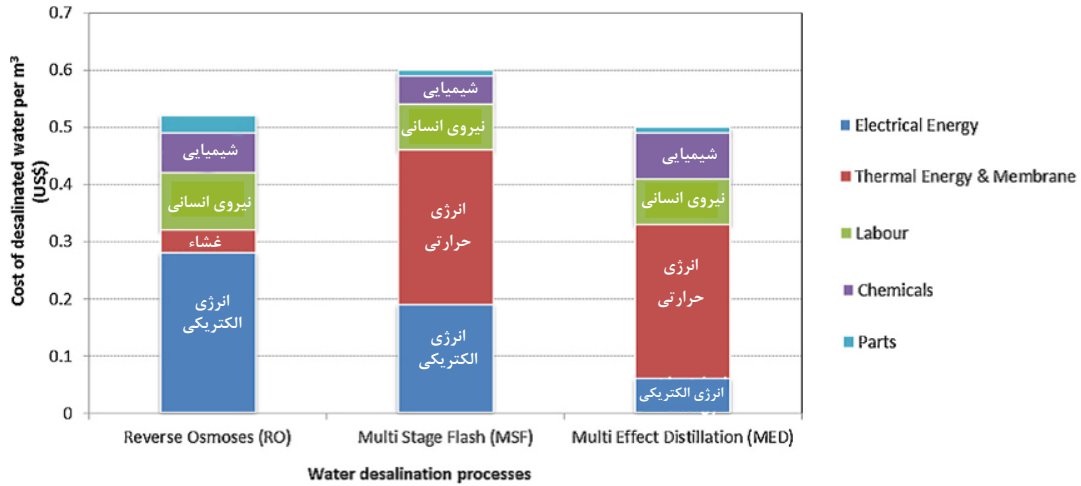


شکل ۶. توزیع دستگاه های آب شیرین کنی که با انرژی خورشیدی کار می کنند.

هزینه های فرآیندهای آب شیرین کن

آن در سال ۲۰۱۲ ارایه شده است. همان طور که در این شکل ملاحظه می شود هزینه ها را می توان به پنج دسته تقسیم کرد: هزینه مصرف انرژی الکتریکی، هزینه نگهداری، هزینه مواد شیمیایی، هزینه انرژی حرارتی و هزینه قطعات. این شکل نشان می دهد که هزینه های شیرین کردن آب به روش اسمز معکوس تقریباً با هزینه های تقطیر ناگهانی چندمرحله ای برابر است. تفاوت عمده این دو در مصرف انرژی الکتریکی و حرارتی می باشد. یکی از دلایل عمده گسترش بیشتر روش اسمز معکوس نسبت به روش تقطیر ناگهانی در دسترس بودن انرژی الکتریکی می باشد در حالی که در مناطقی که انرژی حرارتی را بتوان با هزینه ای کمتر از انرژی الکتریکی تولید کرد روش دوم می تواند جایگزین روش اسمز معکوس شود. در کشور ما که از لحاظ انرژی خورشیدی غنی است این امکان به خوبی وجود دارد و یکی از زمینه های توسعه پایدار در ایران می تواند تولید آب شیرین با استفاده از روش تقطیر ناگهانی با حرارت ایجاد شده از انرژی خورشیدی باشد.

از لحاظ جغرافیایی، بزرگ ترین بازار مصرف آب شیرین کن ها همانند گذشته شامل خاورمیانه و کشورهای حاشیه خلیج فارس می باشد که در آن ها عواملی مانند جمعیت رو به افزایش و کمبود منابع آب های زیرزمینی در اثر تخلیه آن ها موجب نیاز شدید به آب شیرین گردیده است. این کشورها دارای منابع غنی نفت می باشند که می تواند در فرآیندهای آب شیرین کن که نیاز به مقدار زیادی از انرژی دارند استفاده شود؛ اما قیمت نسبتاً بالای نفت و پرهزینه بودن استخراج آن و نیز مشکل آلودگی محیط زیست حاصل از احتراق سوخت های فسیلی موجب گردیده که استفاده از انرژی های تجدید پذیر در آب شیرین کن ها مدنظر قرار گیرد. هزینه تولید آب شیرین در هر مترمکعب توسط عوامل متعددی تحت تأثیر قرار می گیرد. این عوامل عبارتند از ظرفیت و نوع تأسیسات نمک زدایی، محل، نوع آب ورودی (آب دریا یا آب شور) و نوع انرژی مورد استفاده (انرژی های متعارف و یا تجدید پذیر). در شکل ۷ هزینه تولید یک مترمکعب آب شیرین با استفاده از سه روش عمده تولید



شکل ۷. هزینه‌های مختلف در آب‌شیرین‌کن‌های در حال کار

هزینه‌ی فرآیندهای آب‌شیرین‌کن‌های حرارتی

تولیدشده دارد. در آب‌شیرین‌کن‌های حرارتی شامل تقطیر چندمرحله‌ای (MED) قیمت برای سیستم‌هایی با ظرفیت ۹۱۰۰۰ تا ۳۲۰۰۰۰ مترمکعب در روز بین ۵۲ سنت بر مترمکعب و ۱،۰۱ دلار بر مترمکعب می‌باشد. البته این قیمت‌ها مربوط به دستگاه‌هایی است که در فاصله سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۹ ساخته و نصب گردیده‌اند.

جدول ۱ ظرفیت و هزینه تولید آب شیرین در آب‌شیرین‌کن‌های حرارتی شامل تقطیر چندمرحله‌ای (MED) و تقطیر ناگهانی چندمرحله‌ای (MSF) را نشان می‌دهد. همان‌طور که در این جدول ملاحظه می‌شود ظرفیت سیستم مورد نظر تأثیر قابل‌توجهی در قیمت آب شیرین

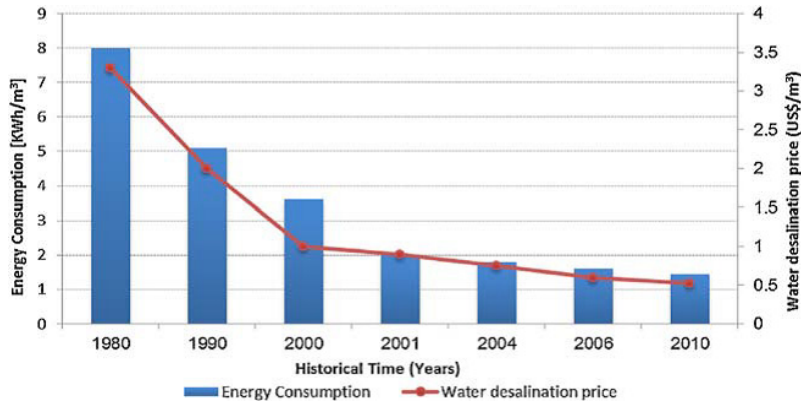
جدول ۱. هزینه شیرین کردن آب در روش‌های حرارتی

روش شیرین سازی	ظرفیت واحد شیرین سازی (مترمکعب در روز)	هزینه شیرین سازی بر متر مکعب (واحد آمریکا)
Multi effect disillation MED	Less than ۱۰۰	۲،۵-۱۰
	۱۲۰۰۰-۵۵۰۰۰	۰،۹۵-۱،۹۵
	Greater than ۹۱۰۰۰	۰،۵۲-۱،۰۱
Multi stage flash MSF Vapour compression	۲۳۰۰۰-۵۲۸۰۰۰	۰،۵۲-۱،۷۵
	۱۰۰۰-۱۲۰۰	۲،۰۱-۲،۶۶

هزینه‌ی فرآیندهای آب‌شیرین‌کن‌های غشایی

فرآیندهای آب‌شیرین‌کن RO گردیده است. شکل ۸ کاهش هزینه آب‌شیرین‌کن‌های غشایی در فاصله سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ را نشان می‌دهد.

پیشرفت‌های اخیر در جنس مواد غشاء مورد استفاده در آب‌شیرین‌کن‌های غشایی (RO)، پمپاژ و سیستم‌های بازیابی انرژی به‌طور چشم‌گیری منجر به کاهش مصرف انرژی در



شکل ۸. مصرف انرژی و هزینه تولید آب شیرین در آب شیرین کن های غشایی

در این روش نیز افزایش می یابد که این امر در جدول ۲ دیده می شود. در حالی که برای آب شیرین کن آب دریا هزینه تولید آب برای بزرگترین کارخانه آب شیرین کن از نوع غشایی در جهان که در اسرائیل در حال کار است، ۵۲ سنت آمریکا می باشد. ظرفیت این کارخانه ۳۲۰۰۰۰ مترمکعب در روز می باشد.

هزینه های آب شیرین کن آب در فرآیندهای غشایی بسته به نوع و ترکیب آب ورودی تغییر می کند. آب شیرین کن های غشایی در مقیاس بزرگ می توانند آب لب شور با سختی (TDS) ۲۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ پی پی ام را به آب شیرین تبدیل کنند اما با افزایش سختی آب ورودی، هزینه واحد آب شیرین

جدول ۲: هزینه نمک زدایی آب در فرآیندهای غشایی

Type of feed water	Capacity of desalination plant (m ³ /day)	Desalination cost per m ³ (US\$)
Brackish water	Less than 20	5.63-12.9
	20-1200	0.78-1.33
	40,000-46,000	0.26-0.54
Seawater	Less than 100	1.5-18.75
	250-1000	1.25-3.93
	15,000-60,000	0.48-1.62
	100,000-320,000	0.45-0.66

آنالیز قیمت در آب شیرین کن ها با انرژی های تجدید پذیر و خورشیدی

استفاده می شود، هزینه های تولید آب بسیار بالاتر رفته و در برخی موارد این هزینه به بیش از ۱۰ یورو به ازای تولید یک مترمکعب آب شیرین می رسد. اگرچه چنین تحلیلی استفاده از انرژی های تجدید پذیر در آب شیرین کن ها را توصیه نمی کند اما توجه به دو نکته در این رابطه بسیار ضروری است. نکته اول اینکه استفاده از انرژی های تجدید پذیر اثر منفی روی محیط زیست بشر ندارد و آلوده کننده محیط زیست نیست و

بررسی های به عمل آمده نشان می دهد که هزینه آب تولید شده از سیستم های آب شیرین کن با استفاده از منابع انرژی فسیلی، بسیار پایین تر از هزینه مربوطه در انواعی است که با منابع انرژی تجدید پذیر کار می کنند. به طور کلی قیمت آب تولید شده توسط آب شیرین کن ها در طول سال های اخیر به دلیل پیشرفت های فنی و پژوهش های متعدد در فن آوری کاهش یافته است. هنگامی که از منابع انرژی های تجدید پذیر در آب شیرین کن ها



در سال ۲۰۱۳ رسیده است. جدول ۳ هزینه تولید یک مترمکعب آب شیرین در روش‌های عمده تولید آب شیرین شامل روش غشایی اسمز معکوس، تقطیر چندمرحله‌ای، روش‌های حرارتی تبخیر آبی چندمرحله‌ای در سال گذشته در سطح جهانی را نشان می‌دهد.

نکته دوم اینکه هزینه تکنولوژی‌های مورد استفاده در انرژی‌های تجدید پذیر پیوسته در حال کاهش است. یک مثال معمول در این رابطه هزینه تولید یک وات انرژی الکتریکی در سلول‌های فتوولتاییک است که از ۳۵ دلار در سال ۱۹۷۵ به کمتر از یک دلار در سال ۲۰۱۰ و کمتر از ۵۰ سنت

جدول ۳: هزینه تولید آب به ازاء انواع مختلف انرژی

Type of feed water	Type of energy	Water cost (Euro/m ³)	(US\$/m ³)
Brackish water	Conventional fuel	0.21-1.06	0.27-1.38
	Photovoltaic cells	4.5-10.32	5.85-13.42
	Geothermal	2	2.6
Sea water	Conventional fuel	0.35-2.70	0.46-3.5
	Wind energy	1.0-5.0	1.3-6.5
	Photovoltaic cells	3.14-9.0	4.08-11.7
	Solar collectors	3.5-8.0	4.55-10.40

نتیجه‌گیری

استفاده از منابع و انرژی‌های تجدید پذیر در آب شیرین‌کن‌ها در سال‌های اخیر شروع شده و با وجود اینکه هزینه‌های تولید آب در این روش در بعضی موارد بسیار بالاتر سایر روش‌های معمول است اما به دلیل عدم وجود اثرات منفی روی محیط‌زیست بشر، کاهش هزینه تکنولوژی‌های مورد استفاده در انرژی‌های تجدید پذیر در سال‌های اخیر و مهم‌تر از همه نقش انرژی‌های تجدید پذیر در توسعه پایدار استفاده از این روش‌ها همچنان رو به گسترش می‌باشد.

منابع

۱. فصلنامه راهبرد - سال شانزدهم - شماره ۴۸ - تابستان ۱۳۸۷ - ص - ۲۱۲-۱۹۳
۲. Garzia-Rodriguez L. 2002. Seawater desalination driven by renewable energies: a review. Desalination:143, pp. 103-113.

آب و انرژی از ضروری‌ترین ارکان یک زندگی پایدار هستند. کمبود آب توسعه اجتماعی و اقتصادی بسیاری از کشورها در جهان را محدود می‌کند. این امر به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه بسیار حائز اهمیت است. تولید آب شیرین از آب شور به‌عنوان یک منبع پایدار تولید آب و همزمان به‌عنوان راه‌حلی برای مقابله با کمبود آب در جهان است. اکثر کارخانه‌های آب‌شیرین‌کن نصب‌شده در بسیاری از کشورهای مبتلا به مشکل کمبود آب، توسط سوخت‌های فسیلی کار می‌کنند، با این حال، از آنجا که فرآیندهای نمک‌زدایی به انرژی قابل‌ملاحظه‌ای نیاز دارند، راه‌اندازی آن‌ها هزینه‌بر و گران خواهد شد و از نظر محیط‌زیست به‌طور فزاینده به‌عنوان بسیار مضر شناخته‌شده می‌باشند. فرآیند نمک‌زدایی حرارتی شامل روش تقطیر ناگهانی چندمرحله‌ای (MSF) و روش تقطیر چندمرحله‌ای (MED) برای شیرین کردن آب دریا در بسیاری از کشورهای ثروتمند نفتی استفاده می‌شود و فرآیند اسمز معکوس (RO) تکنولوژی مهم دوم در مقیاس جهانی می‌شود. در حال حاضر اسمز معکوس اولین انتخاب در بسیاری از کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه که در آن منابع انرژی نفتی کمیاب است، می‌باشد.



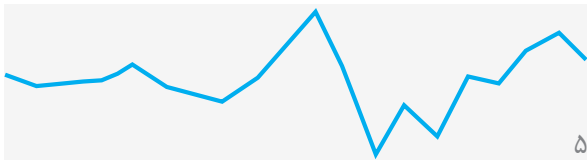


ضرورت اجرای اصلاحات ساختاری در اقتصاد ایران

چکیده

این نوشتار تلاش می‌کند با طرح پدیده تورم مزمن در اقتصاد ایران، ماندگاری این نقص اقتصادی را به عوامل ساختاری اقتصاد ایران نسبت دهد. با نگاهی به تجربه کشور ایران در زمینه تورم می‌توان دریافت علی‌رغم وجود شناخت نسبتاً کافی از اقتصاد پولی و عوامل پولی تورم، این معضل در اقتصاد ایران از بین نرفته و یکی از مهم‌ترین دلایل این عدم موفقیت عدم توجه به عوامل ساختاری پدیده تورم است. این ساختارها که قواعد بازی سیاست‌گذار پولی را تشکیل می‌دهند به گونه‌ای شکل گرفته‌اند که رفتار عقلایی و بهینه در حضور این محدودیت‌ها، سیاست پولی تورم‌زا است. این نوشتار تلاش می‌کند به برخی عوامل ساختاری این پدیده اشاره کند و راه‌حلی نیز برای برخی از این مشکلات ارائه کند. اما مهم‌تر از این راه‌حل‌ها این نوشتار به دنبال توجه دادن علاقه‌مندان به ریشه‌های برخی مشکلات اقتصاد ایران و لزوم توجه بیش از پیش به اصلاح زیر ساخت‌ها - اعم از قانونی و غیر قانونی - است. بر این مبنا در این نوشتار اصلاح ساختارها مهم‌تر از سیاست‌گذاری‌ها قلمداد می‌شود چرا که ساختارها نهادینه‌کننده عملکرد مطلوب یا غیر مطلوب اقتصادی هستند در حالی که سیاست‌گذاری در ساختار نامطلوب، التیام بخش و یا در بهترین حالت ایجاد کننده عملکرد مناسب به صورت موقت به شمار می‌روند.

کلمات کلیدی: اصلاحات ساختاری - سیاست‌های پولی - تورم - ثبات اقتصادی



مقدمه

همایش‌های سالانه سیاست‌های پولی و ارزی که همه‌ساله توسط پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی برگزار می‌شود در سال‌های اخیر سعی می‌کند با نگاهی به افق پیش‌روی اقتصاد ایران، موضوعات و چالش‌های اقتصادی را شناسایی کند و برای سیاست‌گذاران در این حوزه‌ها رهنمودهایی را ارائه کند، لذا از این منظر این همایش نقشی مهم در جهت‌دهی سیاست‌گذاری اقتصاد بر عهده دارد. در دهم و یازدهم خردادماه سال جاری، «بیست و پنجمین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی» در حالی برگزار شد که رویکرد، محتوا و کانون تمرکز موضوعات این همایش حاکی از شکل‌گیری اجماعی جدید بین کارشناسان و متخصصان اقتصادی بود.

همایش‌های پولی و ارزی که بیشتر حول مسائل پولی و بانکی سامان‌دهی می‌شود امسال محور موضوعات خود را «تورم تک‌رقمی پایدار، الزامات سیاستی و نهادی» قرار داده بود. اهمیت این هدف‌گذاری از این منظر قابل درک است که تورم در تمامی کشورهای دنیا یکی از شاخص‌های عملکرد کلان اقتصادی است و امروزه تنها معدود کشورهایی - شامل برخی کشورهای جنگ‌زده و فقیر آفریقایی - هستند که تورم دو رقمی دارند این در حالی است که متأسفانه اقتصاد ایران از اوایل دهه پنجاه شمسی تقریباً همواره جز کشورهای دارای تورم دو رقمی بوده است. بر این مبنا موضوعات طرح‌شده و رویکرد جدید به تحلیل این مسائل محملی مناسب برای تحلیل برای برخی کاستی‌های اقتصاد ایران است که این نوشتار سعی می‌کند ابعاد برخی از این کاستی‌ها و مشکلات را تبیین کند.

رشد و ثبات اقتصادی

تقریباً از نیمه دوم قرن بیستم اجماعی بین اقتصاددانان شکل گرفت که سیاست‌گذاران اقتصادی بایستی دو هدف را دنبال کنند یکی حداکثر کردن نرخ رشد اقتصادی که به معنای افزایش درآمد سرانه و رفاه جامعه است و دیگری حفظ ثبات اقتصادی و جلوگیری از نوسانات شدید اقتصاد حول روند بلندمدت رشد اقتصاد. در حقیقت هرچند که خود ثبات اقتصادی و جلوگیری از نوسانات شدید اقتصاد به‌خود هدفی مطلوب بود اما چنانچه انتظار می‌رفت و تحقیقات اقتصادی بعدی نیز نشان دادند ثبات اقتصادی به رشد اقتصادی نیز کمک می‌کند و می‌توان گفت اساساً رشد اقتصادی پایدار تنها در سایه ثبات اقتصادی به دست می‌آید.

ثبات اقتصادی خود دارای مؤلفه‌هایی است که این مؤلفه‌ها عبارتند از ثبات قیمتی، ثبات بخش خارجی، ثبات بخش بودجه‌ای^۱ و ثبات بخش مالی^۲. ثبات قیمتی در ادبیات اقتصاد به تورم کم و پایداری اطلاق می‌شود که تصمیمات آحاد اقتصادی را با نااطمینانی روبرو نکند. بر این مبنا بسیاری از کشورها تورم زیر پنج درصد را تورمی مطلوب می‌دانند و با جدیت این هدف را دنبال می‌کنند و سعی بسیاری را متوجه حفظ آن می‌کنند. لازم به ذکر این است درحالی‌که راهکار افزایش رشد اقتصادی و کاهش بیکاری هنوز بین اقتصاددانان و سیاست‌گذاران محل اختلاف است اما در مورد ثبات قیمتی و راهکار دستیابی به آن تقریباً اختلافی وجود ندارد و همه قلمرو تأمین‌کننده آن را سیاست پولی مناسب می‌دانند.

نکته قابل تأمل و مهم در اقتصاد ایران این است که چرا با وجود این اجماع هدف ثبات قیمتی به دست نمی‌آید. جواب این سؤال ساده نیست اما از یک منظر می‌توان گفت این عدم توانایی ریشه در ضعف‌های بخش بودجه‌ای، بخش بانکی و نیز رابطه بنگاه و بانکی دارد، این دقیقاً همان دلیلی است که مشخص می‌کند که چرا همایش امسال چهار زیر محور برای خود تعیین کرده بود. این چهار زیر محور عبارت بودند از «الزامات سیاستی گذار به تورم تک‌رقمی»، «الزامات نهادی برای حفظ و پایداری تورم تک‌رقمی»، «ارتقای سلامت بانکی برای تأمین ثبات مالی» و

1 Fiscal

2 Financial

در ادبیات اقتصاد ایران به علت اینکه کلمه «مالی» برای ترجمه دو عبارت Fiscal و Financial استفاده می‌شود و اندکی گمراه‌کننده است از عبارت بودجه در ترجمه Fiscal استفاده شده است.

یکی از مهم‌ترین اصلاحات لازم برای دستیابی به ثبات قیمتی اصلاح قوانین به‌ویژه اصلاح قانون بانک مرکزی است. قانون بانک مرکزی ایران که نزدیک به سه دهه پیش تدوین شده است ظرفیت لازم برای سیاست‌گذاری پولی مناسب را ندارد. به رسمیت نشناختن ماهیت مستقل و تخصصی سیاست پولی و بازگذاشتن مسیرهایی برای دست‌اندازی دولت و بخش نفت به ترازنامه بانک مرکزی یکی از مهم‌ترین ضعف‌های این قانون است.



تورم یک‌رقمی به‌دست‌آمده - یک بار در اواسط دهه ۶۰ و دو بار در دهه ۸۰ شمسی یکی در اواسط و دیگری اواخر این دهه - اما هیچ یک از این دست‌آوردها حفظ نشدند. تحقیقات نشان می‌دهد دستیابی به تورم یک‌رقمی در گرو سیاست‌گذاری پولی و پایدارسازی این دست‌آورد در گرو تغییرات نهادی و ساختاری اقتصاد است.

برای درک بهتر این موضع بهتر است ابتدا به تفکیک نهاد و سیاست‌گذاری دقیق‌تر بپردازیم. سیاست‌گذاران و آحاد اقتصادی در محدوده‌ی قالب‌ها و قواعدی تصمیم‌گیری می‌کنند که اقتصاددانان این قواعد و قالب‌ها را نهادهای یک اقتصاد می‌نامد و در این منظومه تصمیمات اقتصادی در زمره سیاست‌گذاری‌ها قرار می‌گیرند. به تعبیر داگلاس نورث -برنده جایزه نوبل اقتصاد- نهادهای قواعد بازی یک جامعه هستند به‌عبارت‌دیگر نهادها محدودیت‌های انسان ساخته‌ای هستند که سیاست، اقتصاد و تعاملات اجتماعی را ساختار می‌دهند. بر این مبنا در ایران نظام بانکی ضعیف، دولت دارای کسری بودجه، بهره‌وری کم بنگاه‌ها و قوانین اقتصادی نهادهایی هستند که قواعد بازی سیاست پولی را در ایران تعیین می‌کنند که در نتیجه آن‌ها تورم دورقمی تعادل پایدار این مجموعه قوانین و نهادها است و اگر برحسب اتفاق یا با برخی اقدامات تورم یک‌رقمی شود دوباره در اقتصاد سازوکارهایی فعال می‌شود که تورم را به حد تعادلی خود یعنی تورم دو رقمی می‌رساند. نکته مهم اینجاست که در ادبیات اقتصادی نیز بر اهمیت عملکرد مناسب نهادها تأکید شده است تا جایی که عجمقلو -استاد اقتصاد دانشگاه ام.آی.تی- بیان می‌کند همگرایی بسیاری در بین اقتصاددانان و دانشمندان علوم سیاسی در حال شکل‌گیری است که ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، قانونی و سیاسی یک جامعه یعنی نهادها تعیین‌کننده اصلی عملکرد اقتصاد هستند.

اصلاحات نهادی

نکته بعدی پس از به رسمیت شناختن تفکیک نهادها از سیاست‌ها تعیین محورهای اصلاحات ساختاری و نهادی‌ای است که برای دستیابی به ثبات قیمتی دنبال شوند. در یک نگاه کلی می‌توان مجموعه این اصلاحات نهادی را در سه محور دنبال کرد. اصلاحات مربوط به قوانین، اصلاحات مربوط به ساختار بخش بانکی و دیگر بازارهای مالی و اصلاحات مربوط به رابطه بنگاه و بانک.

«اصلاح بازار اعتبار و تجدید ساختار مالی بنگاه‌های اقتصادی». در حقیقت کارشناسان اقتصادی اکنون به این واقعیت اذعان دارند که هرچند دلیل اولیه عدم ثبات قیمتی نبود سیاست‌گذاری پولی مناسب است اما علت این امر ضعف‌های ساختاری اقتصاد ایران است. برای درک بهتر این موضوع بایستی توجه کرد که بانک مرکزی که متولی سیاست پولی در اقتصاد ایران است انجام چند وظیفه دیگر را نیز بر عهده دارد بانک مرکزی، بانک دولت، بانک بانک‌ها و مقام ناظر بانک‌ها نیز هست. مجموعه این وظایف به این معنا است که در شرایط فعلی بانک مرکزی نگاه‌داری دارایی‌های ارزی و ریالی دولت و خرید و فروش ارز را انجام می‌دهد از سوی دیگر در صورتی که بانک‌ها بخواهند مبادله‌ای با یکدیگر انجام بدهند پرداخت مربوط به این مبادلات را از طریق حساب‌های خود نزد بانک مرکزی انجام می‌دهند.

اهمیت این موارد از این منظر است که دقیقاً همین حساب‌های بانک‌ها و دولت ابزار بانک مرکزی برای سیاست‌گذاری مناسب هستند. فرض کنید دولت برای برخی منابع خود از بانک مرکزی بخواهد اعتبار حساب‌های خود را افزایش دهد و بانک مرکزی نیز به علت اینکه جزئی از دولت به شمار می‌رود از این دستور پیروی کند یا زمانی را در نظر بگیرد که بانکی در اثر مدیریت ناصحیح منابع خود یا عدم تأمین بازپرداخت تسهیلات برخی بنگاه‌های اقتصادی -که به آن‌ها تسهیلات داده است- نتواند تعهدات خود را به بانک‌های دیگر بپردازد و بانک مرکزی نیز در عمل مجبور باشد به این بانک کمک کند چراکه ورشکستگی این بانک برای اقتصاد تبعات بسیار بدی به دنبال خواهد داشت. واضح است که در این شرایط ثبات قیمتی به علت این مشکلات ساختاری از دست خواهد رفت. به تعبیر ساده‌تر اقتصادی در این شرایط سیاست پولی تحت سلطه بخش بودجه‌ای و بانکی قرار می‌گیرد و متأسفانه این همان مشکل ساختاری اقتصاد ایران است که سیاست پولی را عملاً مختل کرده است.

دستیابی به تورم تک رقمی و پایدارسازی آن

توجه به تحلیل‌هایی شبیه تحلیل فوق بود که محورهای چهارگانه را برای دستیابی به تورم یک‌رقمی شکل دادند. به‌عبارت‌دیگر امروز کارشناسان اقتصادی اذعان دارند بایستی دو هدف را از یکدیگر جدا کرد یکی دستیابی به تورم یک‌رقمی و دیگری پایدارسازی این تورم یک‌رقمی. این تفکیک از این جهت اهمیت دارد که در اقتصاد ایران حداقل بعد از انقلاب سه بار

پایدارکننده ثبات قیمتی است. در حال حاضر نبود یک نظام رتبه‌بندی اعتباری جامع، عدم شفافیت صورت‌های مالی بنگاه‌های اقتصادی، وجود رابطه مالی غیر آشکار بین تسهیلات گیرندگان و بانک‌ها و ضعف برخی قوانین قضایی موجب می‌شود بانک‌ها نتوانند مشتریان به خوب تسهیلات بدهند و از سوی دیگر نمی‌توانند در صورت عدم بازپرداخت تسهیلات، وجوه خود را از برخی بنگاه‌های اقتصادی و بدهکاران دریافت کنند. همچنین عدم توسعه یافتگی بازار سرمایه در ایران باعث می‌شود بنگاه‌های اقتصادی بزرگ عملاً بزرگ‌ترین مشتریان نظام بانکی باشند در حالی که بنگاه‌های کوچک و متوسط در تنگنای اعتباری قرار دارند.

نتیجه‌گیری

مجموعه آنچه که مطرح شد تنها بخشی از مشکلات ساختاری اقتصاد ایران است که عملکرد اقتصادی کشورمان را تضعیف کرده است. لازم به ذکر است اصلاح ساختارهای طرح شده هرچند دستیابی به ثبات قیمتی را ممکن می‌سازد اما به یقین می‌توان گفت این اصلاحات آثار مثبتی بسیار فراتر از حوزه تورم خواهند داشت. برای مثال در حالی که اقتصاد ترکیه تمام دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی را در نوسانات اقتصادی به سر می‌برد تنها زمانی توانست عملکرد مناسبی از خود نشان بدهد که بعد از بحران بزرگ سال ۲۰۰۱ خود دست به اصلاحات ساختاری عمیقی زد که تنها یک جز آن اصلاح ۱۹ قانون در مدت پنج ماه بود.

نکته آخر این که تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد بدون این اصلاحات بهبود عملکرد اقتصادی در خوشبینانه‌ترین حالت تنها برای چند سال ادامه خواهد داشت و بعد از آن مشکلات عدیده‌ای گریبان‌گیر اقتصاد می‌شود.

سیاست‌گذاران و آحاد اقتصادی در محدوده‌ی قالب‌ها و قواعدی تصمیم‌گیری می‌کنند که اقتصاددانان این قواعد و قالب‌ها را نهادهای یک اقتصاد می‌نامد و در این منظومه تصمیمات اقتصادی در زمره سیاست‌گذاری‌ها قرار می‌گیرند.

یکی از مهم‌ترین اصلاحات لازم برای دستیابی به ثبات قیمتی اصلاح قوانین به‌ویژه اصلاح قانون بانک مرکزی است. قانون بانک مرکزی ایران که نزدیک به سه دهه پیش تدوین شده است ظرفیت لازم برای سیاست‌گذاری پولی مناسب را ندارد. به رسمیت نشناختن ماهیت مستقل و تخصصی سیاست پولی و بازگذاشتن مسیریابی برای دست‌اندازی دولت و بخش نفت به ترانزنامه بانک مرکزی یکی از مهم‌ترین ضعف‌های این قانون است. امروزه در جهان ساختار سیاست پولی به شکلی کاملاً تخصصی رسمیت دارد و اجازه دخالت افرادی با انگیزه‌های سیاسی یا گروهی و حتی بدون تخصص در سیاست پولی داده نمی‌شود. این در حالی است که در قانون فعلی و همچنین اصلاحات موجود در برخی قوانین برنامه توسعه همواره نسبت به این اصل مهم غفلت شده است. اصلاح قانون ورشکستگی و به رسمیت شناختن فرآیند تجدید ساختار بنگاه‌های اقتصادی از دیگر موارد مورد نیاز برای اصلاح قوانین است.

یکی دیگر از اصلاحات ضروری برای پایدارسازی تورم یک‌رقمی اصلاحات ساختاری در نظام بانکی است. در شرایط فعلی بانک مرکزی که وظیفه نظارت بر عملکرد بانک‌ها را دارد دارای تخصص و اختیارات قانونی لازم برای برخورد با متخلفان نیست. از سوی دیگر خود بانک‌ها نیز تمایلی برای مدیریت منابع و ریسک‌های فعالیت خود ندارند و در صورتی که این مجموعه اصلاح نشود بانک مرکزی همواره به عنوان محافظ نظام مالی مجبور خواهد بود از بانک‌های کم توان حمایت و در مقابل هزینه تورم را به جامعه تحمیل کند. نکته مهم دیگر در این رابطه ایجاد اختیارات قانونی بیشتر و کافی برای بانک مرکزی جهت برخورد، تجدید ساختار و ادغام بانک‌ها و مؤسساتی است که نمی‌توانند استانداردهای لازم را تأمین کنند.

قواعد حاکم بر رابطه بنگاه و بانک نیز از دیگر اصلاحات





سه هوش انسان

هوش احساسی

هوش احساسی که آن را «هوش هیجانی» نیز می‌نامند به واکنش فرد در برخورد با گفتار، کردار و حتی پندار فرد دیگر سنجیده می‌شود. انسانی که در شنیدن گفتار انسان دیگر ذهنیت ناپسند و ناخوشایندی از وی برای خود تصویر می‌کند و بدون آنکه کمی شکیبایی از خود نشان بدهد از کوره به‌در می‌رود و آن‌را اهانت به‌خود تلقی می‌کند و شروع به مشاجره و درنهایت به زد و خورد می‌پردازد، دارای هوش احساسی پایینی است. برعکس هرآنکه فردی در مقابل گفته یا کردار ناپسند طرف مقابل خود را در مقام ناظر بر اعمال طرف قرار دهد و با شکیبایی سعی می‌کند که ریشه افکار وی را که منجر به گفته و کردار ناپسند وی شده است دریابد و جایی برای سرزدن اشتباه خود نیز بگذارد دارای هوش احساسی بالایی است.

گاهی اوقات طرف مقابل با زیرکی به گونه‌ای گفتار خود را شاخ و برگ می‌دهد که احساسات فرد را برانگیزد و از کمی هوش احساسی فرد سوء استفاده نموده و فرد را در آن شرایط احساسی به تصمیمی نادرست هدایت کند اینجاست که اگر فرد دارای هوش احساسی بالایی باشد با خویشتن داری و شکیبایی بیشتر شنونده می‌شود تا گوینده و منتظر می‌ماند که طرف مقابل به موضوع اصلی و نیت خود بپردازد تا به شاخ و برگ آن. بسیاری از برخوردهای لفظی و زد و خوردها، بی‌جهت و بی‌بهره رخ می‌دهد و ناشی از کمی هوش احساسی فرد است.

مدیری که از نحوه بیان کارمند خود و یا رفتار ناپسند ولی غیر عمد کارمند احساساتی می‌شود و با کارمند تندخویی می‌کند در عمل نمی‌تواند توجه دقیقی به گفته‌ها و یا منظور کارمند معطوف دارد و از گفته‌های کارمند دچار اشکال می‌شود و با ذهنیت‌هایی که برای خود می‌سازد، تصمیمی غلط می‌گیرد که نه به سود مدیر و نه به سود سازمان وی خواهد بود. مدیری که شنونده خوبی است هوش احساسی بالایی دارد. اگر یک سازمان و یا یک جامعه برخوردار از افرادی با هوش احساسی بالایی باشد عملکرد سازمان و جامعه

انسان با معیارهای گوناگونی سنجیده می‌شود. صفاتی که به انسان‌ها نسبت داده می‌شود بی‌شمارند که بارزترین آنها صفاتی چون شکیبایی، بلندنظر، دوربین، مهربان، همراه، تیزبین، با استعداد، باگذشت، خویشتن‌دار، آینده‌نگر، خوش‌مشرب، خوش‌رو، خوش‌برخورد، دلیر، زیرک، با جرات، و غیره نسبت داده می‌شود. همه این صفات را می‌توان در هوش انسان جستجو کرد و آن هم در سه هوش به نام‌های:

هوش ذاتی^۱، هوش احساسی^۲، هوش اجتماعی^۳ مجموعه صفات انسان‌ها را می‌توان در برآیند سه هوش فوق‌الذکر جستجو کرد. در اینجا به توضیح بیشتر این هوش‌ها می‌پردازیم.

هوش ذاتی

هوش ذاتی که به آن «آی کیو» می‌گویند، هوش یا استعدادی است که فرد در حل معما و مسائل، حساب، هندسه، شیمی و مشابه آن دقت و سرعت عمل نشان می‌دهد. فرد دارای هوش ذاتی بالا را تیز، با استعداد، روشن و غیره می‌نامند. هوش ذاتی به‌عنوان معیاری در انتخاب انسان‌ها برای انجام وظیفه‌ای یا کاری و یا ماموریتی که نیازمند تند و تیزی و زیرکی است به‌کار می‌برند و در علوم و کارهای فکری کاربرد زیادی دارد. بارها شنیده‌ایم که به فرد مشهوری نسبت هوش ذاتی بالا داده‌اند ولی صحبتی از هوش احساسی و اجتماعی وی به میان نمی‌آورند. آزمون‌هایی در زمینه اندازه‌گیری هوش ذاتی تهیه و تدوین شده است که افراد می‌توانند هوش ذاتی خود را بازبینی کنند. در این آزمون فردی که نمره بالایی کسب کند وی را به‌عنوان فردی با هوش ذاتی برتر معرفی می‌کنند و وی را نامزد شغل‌های حساس می‌کنند.

1 Intelligent Quotient

2 Emotional Intelligent

3 Social Intelligent



سنجیده تر و رشد پذیرتر خواهد شد.

فردی که از هوش احساسی پایینی برخوردار است واکنشی سریع و بدون تأمل دارد و معمولاً در کارها کامیاب نخواهد بود، زیرا یا اشتباه می‌فهمد یا اشتباه عمل می‌کند و فکر خود را معطوف زخم‌های احساسی خود می‌کند. هوش احساسی تا اندازه زیادی یک خصیصه ارثی است که در طول تکامل رشد در خانه، مهدکودک و دبستان شکل می‌گیرد. هوش احساسی با آموزش قابل افزایش می‌باشد و هرچه این آموزش در دوران کودکی انجام پذیرد فرد در جامعه متعادل تر و موثرتر عمل خواهد نمود. هوش احساسی در زمانی که فرد پا به سن می‌گذارد روند افزایشی طی می‌کند. هوش احساسی به عواملی چون ژن، تربیت دوران کودکی، نوجوانی، مدرسه و دانشگاه و محیط کاری بستگی دارد. آموزش مناسب می‌تواند در بالابردن هوش احساسی کمک قابل توجهی کند.

هوش اجتماعی

هوش اجتماعی به هوشی اطلاق می‌شود که فرد به مسائلی فراتر از نفس خود و افراد وابسته مثل خانواده و فامیل می‌نگرد و نگرش وی جنبه عام دارد. هوش اجتماعی کودکان و نوجوانان پائین است و رابطه ای به وراثت ندارد. واکنش افراد در گفتگوها و کردارهای دوستان و اقوام با ملاحظاتی همراه است که ناشی از هم زیستی و پی بردن به نقاط ضعف و قوت یکدیگر است ولی واکنش افراد در یک جامعه (غیر از دوستان و اقوام) فاقد ملاحظات است، بلکه هنجارهای اجتماعی است که رفتارها و کردارها را هدایت می‌کند.

فرد ممکن است که هوش ذاتی و احساسی بالایی داشته باشد ولی از هوش اجتماعی مناسب بی بهره باشد. نمونه اعمال افرادی که هوش اجتماعی نداشته و یا رشد نکرده است در اینجا اشاره می‌شود:

• ریختن آشغال در محل عمومی و متوجه نمی‌شود که برای عموم مزاحمت ایجاد می‌کند.

• در راه رفتن خود و به‌طور کلی در حرکات خود برای دیگری مزاحمت ایجاد می‌کند و متوجه مزاحمت نمی‌شود.

• بدون توجه به نوبت دیگران در یک فروشگاه، ایستگاه، پناهگاه و ... فقط به مقصود خود می‌نگرد و مزاحم دیگران می‌شود.

• با صدای بلند آسایش دیگران را بهم می‌ریزد.

• به علائم آگاهی دهنده عمومی توجه کمی دارد.

• برای شستشو در و دیوار و پیاده رو و ماشین خود از آب آشامیدنی استفاده می‌کند و تذکر دیگران به وی اثری نمی‌کند.

• منابع طبیعی را بدون آن که ارزش افزوده به آن بیافزایند صرف

هزینه زندگی می‌کنند.

• منابع طبیعی خدادادی (مثل نفت و سایر منابع) را برای هزینه کردن به کار می‌برد نه برای ایجاد ارزش افزوده.

• انرژی زیادی در مصارف خانگی، صنعتی و غیره دارد و خود را موظف به صرفه جویی در انرژی نمی‌دانند.

• از هر نوع فعالیت اجتماعی خود را کنار می‌کشد و آنرا وظیفه دولت می‌داند.

برعکس فردی که در انجام هر کاری بتواند ذی نفعان را شناسایی کند و ملاحظات ذی نفعان را مدنظر قرار دهد دارای هوش اجتماعی بالایی است. همین‌طور فردی که بخشی از درآمد خود (هرچند کم) و یا وقت خود را (هرچند کوتاه) داوطلبانه صرف انجام کار اجتماعی کند هوش اجتماعی بالایی دارد.

همچنین فردی که بخشی از درآمد خود (هرچند کوچک) صرف آموزش دیگران کند نیز از هوش اجتماعی بالایی برخوردار است.

همچنان فردی که در کاهش رنج افراد تلاش و همکاری می‌کند هوش اجتماعی بالایی دارد.

این یک اشتباه است که برتری یک جامعه و یا یک ملت را با هوش ذاتی (آی کیو) افراد آن جامعه یا ملت بسنجیم. جامعه و یا ملتی پیشرو می‌باشد که هوش اجتماعی افراد آن جامعه یا ملت بالا باشد نه هوش ذاتی آنها.

داشتن جوانان باهوش ذاتی بالا برای یک جامعه پیشرو کافی نیست زیرا بدون داشتن هوش احساسی و هوش اجتماعی بالا نمی‌توان کار تیمی و جمعی مفیدی از آن جامعه انتظار داشت. ارزیابی یک جامعه و یا یک ملت را بایستی با اولویت زیر مورد تجزیه و تحلیل و امتیازدهی قرار دهیم.

هوش اجتماعی افراد، هوش احساسی افراد، هوش ذاتی افراد

رشد و پیشرفت جامعه با کار تیمی، همدلی، همگرایی و هماهنگی امکان پذیر می‌گردد و آن نیاز به هوشمندی اجتماعی دارد. حاصل بالابودن هوش اجتماعی یک ملت ارزش‌های مادی و معنوی زیر را در پی دارد:

درآمد ملی بالا، کمترین خشونت و فساد و جرم، محیط زیست سالم‌تر، روحیه آرام و مسالمت‌آمیز، توزیع معتدل درآمد، اشتغال کارا و مفید. هوش اجتماعی با آموزش مستمر در تمام سنین انسان قابل افزایش است و برای آن که هوش اجتماعی افزایش یابد بایستی به علوم اجتماعی توجه بیشتری نمود و از این طریق به تجزیه و تحلیل کم و کاستی آن پرداخت.



در گذشت «جان نش» نظریه پرداز تئوری هموردی

دانشگاه کارنگی ملون گرفت و برای اخذ دکترا به دانشگاه پرینستون رفت. می‌گویند در توصیه‌نامه‌ای که یکی از اساتید دوران لیسانس او به دانشگاه پرینستون نوشت فقط یک جمله نوشته شده بود؛ «این فرد یک نابغه است». او پس از اخذ دکترا، همچنان تا آخر عمر در دانشگاه پرینستون به پژوهش مشغول بود. شهرت او در اقتصاد به دلیل اثبات تعادل در هموردی یا بازی‌های معارضه‌ای است که نام او به «تعادل نش» مشهور است. Game theory در فارسی به عنوان نظریه بازی‌ها ترجمه شده، که صحیح نیست و شادروان دکتر فرهنگ ترجمه «نظریه هموردی» را به کار برده است که رساتر است. کار در مورد نظریه هموردی یا نظریه بازی‌ها توسط جان ون نویمان و اسکار مورگن‌استرن از دهه ۱۹۴۰ شروع شده بود و در کتاب «نظریه هموردی و رفتار اقتصادی» که در سال ۱۹۴۴ توسط این دو به چاپ رسید، معرفی گردید. لیکن نقش جان نش اثبات وجود تعادل در هموردی‌های معارضه‌ای بود. این اثبات افق‌های جدیدی را در اقتصاد، علوم سیاسی، استراتژی نظامی و زیست‌شناسی گشود. با قرار گرفتن نظریه هموردی بر پایه‌های مستحکم، علم اقتصاد از علم نظریه قیمت به حیطه‌های جدید و دامنه‌های پرثمر علمی و کاربردی جدید گشاده شد.

در روز ۲۳ ماه می ۲۰۱۵ (دوم خرداد ماه ۱۳۹۴) جان نش و همسرش الیشا در یک تصادف اتومبیل دارفانی را وداع گفتند. جان نش ۸۶ ساله و الیشا ۸۲ ساله بود. آن‌ها از سفر نوروژ باز می‌گشتند که در آن مشهورترین جایزه دستاورد ریاضی یعنی جایزه (Abel) به او و یک ریاضی دان دیگر به نام نیرن برگ مشترکاً اعطا شده بود. این جایزه برای دستاورد آن‌ها در ریاضیات معادلات دیفرانسیل توسط پادشاه نوروژ هارالد پنجم به این دو نفر اعطا شد. هنگام بازگشت از سفر، تاکسی که جان نش و همسرش را از فرودگاه به خانه می‌برد در اتوبان به نرده‌های حاشیه ای برخورد کرد و هر دو از اتومبیل بیرون افتاده و در دم جان باختند. راننده تاکسی فقط دو هفته سابقه رانندگی تاکسی داشته و این یک تاسف است که یک سابقه ناچیز تجربی حاصل عمری تجربه با ارزش را به سادگی بر باد دهد. جان نش برای ریاضی دانان و شاید بیشتر برای اقتصاددانان نامی آشنا است. او اولین ریاضی دانی بود که جایزه نوبل اقتصاد را در سال ۱۹۹۴ به دست آورد. همچنین نام آشنایی برای عموم است به دلیل فیلم «یک ذهن زیبا» که بخشی از سرگذشت او و همسرش الیشا را به تصویر می‌کشد. این فیلم در ایران نیز به نمایش درآمد. او متولد «وست ویرجینیا» در آمریکا و از خانواده‌ای نه چندان ثروتمند بود. لیسانس خود را در ریاضی از

